



مرکز مطالعات اسلامی بینش
WWW.BINESH.CC

پرورش کودک جهانی کودکمان

نمونه‌هایی عملی برای پاسخگویی به
پرورش‌های کودکان در رابطه با ارکان ایمان

ویراست یکم



نویسنده: دکتر عبدالله الرکف

ترجمه: واحد ترجمه بینش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فهرست»

۱	مقدمه‌ی ناشر عربی:.....
۲	مقدمه به قلم دکتر عبدالعزیز مقبل:.....
۷	مقدمه به قلم دکتر منی رجب صابر:.....
۱۱	مقدمه‌ی نویسنده:.....
۱۵	فصل اول: پیرامون تربیت ایمانی.....
۱۵	مفهوم تربیت:.....
۱۵	اهمیت تربیت ایمانی:.....
۱۹	تربیت ایمانی، ضرورت است:.....
۲۳	اهداف تربیت ایمانی:.....
۲۵	بنیادهای تربیتی:.....
۲۷	نمونه‌هایی تربیتی:.....
۳۱	تربیت ایمانی کودک:.....
۳۳	رشد دینی در کودکان:.....
۳۸	نتایج تربیت ایمانی:.....
۴۰	محورهای تربیت ایمانی.....
۴۱	اسلوب‌های تربیتی برای کاشتن نهال ایمان:.....
۵۰	ابزارهای تربیتی:.....
۵۵	ویژگی‌های مربی.....
۵۸	ارکان تربیت ایمانی:.....
۵۹	چرا دوست داشتن خدا را به کودکان یاد می‌دهیم؟.....
۶۱	چگونه به فرزندانمان دوست داشتن الله را یاد دهیم؟.....
۶۴	رکن دوم: ایمان به فرشتگان.....
۶۸	رکن سوم: ایمان به کتاب‌های آسمانی.....
۷۰	چگونه کودک را به حفظ متمایل سازیم؟.....
۷۲	رکن چهارم: ایمان به پیامبران.....
۷۵	چگونه دوست داشتن پیامبر ﷺ را به کودک یاد دهیم؟.....
۷۹	رکن پنجم: ایمان به روز آخرت.....

- ۸۱..... رکن ششم: ایمان به قضا و قدر
- ۸۵..... دیباچه‌ای به پاسخ‌ها
- ۸۷..... دلایل پرسش‌های بسیار کودکان
- ۸۹..... طبیعت پرسش‌های کودکان:
- ۹۰..... انواع پرسش‌های نزد کودکان:
- ۹۱..... چرا پدران و مادران پرسش‌های کودکان را نادیده می‌گیرند؟
- ۹۳..... والدین چگونه با پرسش‌های کودکان برخورد کنند؟
- ۹۵..... مبانی برخورد با پرسش‌های کودکان
- ۹۸..... تربیت بوسیله‌ی گفتگو
- ۹۹..... شکل‌دهی پرسش‌ها جهت گفتگو:
- ۱۰۱..... اسلوب‌های پاسخگویی به پرسش‌های کودکان
- ۱۰۲..... ارشاداتی عمومی که باید به هنگام پاسخ‌گویی مراعات نمود:
- ۱۰۷..... اشتباهات تربیتی به هنگام پاسخگویی
- ۱۰۹..... فصل دوم: نمونه‌هایی عملی برای پاسخگویی به پرسش‌های ایمانی کودکان
- ۱۱۰..... یادآوری:
- ۱۱۱..... پرسش‌های مرتبط با ایمان به الله:
- ۱۱۲..... الله کیست؟
- ۱۱۴..... آیا خداوند شبیه انسان است؟
- ۱۱۶..... چه کسی خدا را آفرید؟
- ۱۱۸..... خدا از کجا آمده و عمر او چقدر است؟
- ۱۱۸..... چه کسی قبل از الله بوده؟
- ۱۱۹..... خداوند مذکر است یا مؤنث؟
- ۱۲۰..... چرا به وجود خدا ایمان داریم؟ اثبات وجود خدا چگونه است؟
- ۱۲۳..... آیا خداوند مثل ما می‌شنود و می‌بیند و سخن می‌گوید؟
- ۱۲۴..... آیا خداوند گرسنه و تشنه می‌شود؟
- ۱۲۶..... قدرت الله چقدر است؟
- ۱۲۶..... الله کجاست؟ و چه اندازه است؟
- ۱۲۹..... خداوند چگونه همه ما را که بسیاریم می‌بیند؟
- ۱۳۰..... آیا خداوند متعال مردم را در تاریکی می‌بیند؟

- ۱۳۲..... چگونه همه اعمال را می‌داند؟ چگونه می‌تواند مراقب همه مردم باشد؟
- ۱۳۳..... چرا انسان می‌میرد و خدا نمی‌میرد؟
- ۱۳۳..... آیا خداوند مرا دوست دارد همانطور که من او را دوست دارم؟
- ۱۳۴..... پرسش‌های مرتبط با به فرشتگان:
- ۱۳۴..... فرشتگان چه کسانی هستند؟ و چه شکلی می‌باشند؟
- ۱۳۵..... نام‌های فرشتگان چیست؟
- ۱۳۵..... چرا خداوند آنان را آفریده است؟
- ۱۳۶..... چرا فرشتگان را نمی‌بینیم؟
- ۱۳۶..... جنیان چه کسانی هستند؟
- ۱۳۷..... چه کسی قوی‌تر است: فرشتگان یا جنیان؟
- ۱۳۷..... آیا فرشتگان می‌میرند؟
- ۱۳۸..... پرسش‌های مرتبط با کتاب‌های آسمانی:
- ۱۳۸..... منظور از کتاب‌های آسمانی چیست؟
- ۱۳۸..... چرا به قرآن نیازمندیم؟ و چرا قرآن، معجزه جاویدان است؟
- ۱۳۹..... چرا خداوند ﷺ عهده‌دار حفظ کتاب‌های پیشین نشده است؟
- ۱۴۰..... چه دلایلی ثابت می‌کنند که هیچ چیزی از قرآن تغییر نکرده است؟
- ۱۴۱..... پرسش‌های مرتبط با پیامبران:
- ۱۴۱..... انبیاء و رسولان چه کسانی هستند؟
- ۱۴۱..... چرا خداوند پیامبران را فرستاده است؟
- ۱۴۲..... آیا پیامبران از اشتباه معصوم هستند؟
- ۱۴۳..... محمد ﷺ کیست؟
- ۱۴۳..... راستی پیامبری رسول‌خدا چگونه قابل اثبات است؟
- ۱۴۴..... رسول خدا چگونه در یک شب به آسمان عروج نمود؟
- ۱۴۴..... چرا محمد ﷺ آخرین پیامبر است؟
- ۱۴۵..... چرا باید رسول خدا را دوست داشته باشیم؟
- ۱۴۶..... پرسش‌های مرتبط با روز آخرت:
- ۱۴۶..... روز آخرت چیست؟
- ۱۴۷..... روز قیامت چه زمانی است؟ و چرا آن روز از ما پنهان است؟
- ۱۴۷..... حساب چیست؟

- ۱۴۹..... پس چرا بعضی از کودکان می‌میرند؟
- ۱۵۰..... هنگامی که می‌میریم کجا می‌رویم؟
- ۱۵۰..... آیا مرده می‌شنود و می‌بیند؟ چگونه زیر خاک نفس می‌کشد؟ آیا می‌خورد و می‌نوشد و می‌خوابد؟
- ۱۵۰.....
- ۱۵۲..... بهشت چیست و چه چیزی در آن است؟
- ۱۵۳..... جهنم چیست و چرا خداوند آن را آفریده است؟
- ۱۵۳..... سرنوشت حیوانات چه می‌شود؟ به بهشت خواهند رفت یا جهنم؟
- ۱۵۴..... پرسش‌های مرتبط با قضا و قدر:
- ۱۵۴..... معنای قضا و قدر چیست؟
- ۱۵۴..... خداوند چگونه می‌داند چه اتفاقی می‌افتد پیش از آنکه اتفاق بیفتد؟
- ۱۵۵..... آیا ما مجبور هستیم؟ آیا انسان در کارهای خود اختیار دارد؟
- ۱۵۶..... چرا خداوند برخی مردم را هدایت کرده و برخی دیگر را هدایت نکرده است؟
- ۱۵۷..... اگر خداوند در ازل نوشته که کسانی از ما گمراه می‌شوند چرا ما را مجازات خواهد کرد؟
- ۱۵۸..... چرا خداوند ما را آفریده؟ اصل جهان چیست؟ چرا حیوانات آفریده شده‌اند؟
- ۱۵۹..... آیا خداوند کسانی را که پیامبری نزدشان نرفته است محاسبه خواهد کرد؟
- ۱۵۹..... چرا شرّ وجود دارد؟
- ۱۶۰..... چرا خداوند اشرار را آفریده است؟
- ۱۶۱..... چرا برخی از مردم، معلول و ناقص به دنیا می‌آیند؟
- ۱۶۱..... چرا فقیر و ثروتمند هست؟ چرا برخی بدکاران در کاخ‌ها زندگی می‌کنند و برخی نیکوکاران در کوخ‌ها؟
- ۱۶۳..... چرا مریض می‌شویم؟ و چرا مصیبت‌ها برای انسان روی می‌دهد؟
- ۱۶۴..... آیا خداوند ﷻ حیوانات و حشرات مودی را آفریده است؟
- ۱۶۵..... چرا باید ۵ بار در شبانه‌روز نماز بخوانم؟
- ۱۶۷..... در نماز دعا کردم که زود بزرگ شوم اما خداوند دعایم را اجابت نکرد؟
- ۱۶۷..... چرا من مثل دوستم زیبا نیستم؟
- ۱۶۸..... اگر خداوند ما را دوست دارد چرا اتفاقات بدی برای ما پیش می‌آورد؟
- ۱۷۰..... سخن پایانی:

مقدمه‌ی ناشر عربی:

کودکان امروز، نسل فردا هستند به همین دلیل، تولیدات خواندنی و شنیداری در زمینه ایمانی، تربیتی، فکری و روانی در مبحث کودکان اهمیت بسیار زیادی دارد اما همیشه نیاز شدید به انواع مختلف مواد فرهنگی بیشتر در این رویکرد مهم احساس می‌شود که در حقیقت، آینده یک امت را شکل می‌دهد. و بدون تردید رویدادهای سریعی که در تمام جهان و از جمله جوامع اسلامی ما اتفاق می‌افتد و در رأس آن رویدادها، ظهور گسترش وسایل ارتباط جمعی و دیگر رسانه‌ها و نیز روی آوردن اکثر خانواده‌ها بدانها است که بیانگر چنین نیازی به بازبینی مجدد در ارائه مواد مناسب به کودکان این عصر برای ما می‌باشد، بر همین اساس است که سعی نموده‌ایم چنین کتابی را خدمت مخاطبان خود تقدیم بداریم.

استاد عبدالله حمد رکف، موضوعی اساسی را در پرورش صحیح ایمانی کودکان مان مورد بررسی قرار می‌دهد چنانکه در نیمه‌ی اول کتاب، پایه‌های تربیتی برخورد با پرسش‌های ایمانی کودکان را به بحث می‌نشیند سپس در نیمه دوم کتاب، نمونه‌هایی عملی از پاسخ‌گویی به مهمترین پرسش‌های کودکان را بیان می‌دارد که پدران و مادران می‌توانند برای پاسخگویی به فرزندان خود از آنها نهایت استفاده را ببرند.

«مرکز دلائل»

مقدمه به قلم دکتر عبدالعزیز مقبل:

کودک همانند درخت است، هنگامی که در زمین مناسب رشد می کند و فضای مناسب برای آن فراهم می شود و از تغذیه نیکو و در وقت مناسب بهره مند می گردد درختی تنومند و ثمربخش می شود. به دنیا آوردن صرف کودک شاید در مقایسه با تربیت او، امری بسیار آسان باشد چرا که او به دنیا می آید و بنیه جسمانی اش کامل می گردد، حتی فراهم نمودن تغذیه اش نیز آسانتر از صرفاً به دنیا آوردن اوست اما مسئله مهم، پرورش، ارشاد و جهت دهی او است.

از لطف و عنایت الله است که کودک را از همان زمان کودکی اش به قدرتی قادر بر یادگیری مجهز نموده است اما این توان از طرفی، متکی بر اینست که کودک احساس امنیت و آرامش کند و از طرف دیگر متکی بر وجود معلم مصمم و حرفه ای است. و هرگاه این دو مورد فراهم آیند کودک از سطح آموزشی و عقلی چشمگیری بهره مند می شود.

کودکان در اصل، باهوش به دنیا می آیند، آنان مخلوق خداوند هستند و دایره بهت و حیرت دانشمندان روز به روز بواسطه اکتشافات جدیدشان از انسان و نیز اکتشاف استعدادهای غیرعادی اش که خداوند به وی ارزانی داشته است بیشتر می گردد و توسعه می یابد، اما خانواده که پدر و مادر آنرا نمایندگی می کند در افزایش این هوش می تواند سهیم باشد یا که آن را در حد و مرزی معین متوقف کند و یا آن را مصادره نماید.

با توجه به اینکه دین، پایه و اساسی است که انسان با آن از حیوان جدا می‌شود پیامبر ﷺ تأکید نموده است که نوزاد بر فطرت به دنیا می‌آید اما روشن نموده که هر دوی پدر و مادر نقش بزرگی در انحراف کودک ایفا می‌کنند آنگاه که منحرف از فطرت باشند، و با اینکه معنای مستقیم حدیث اینگونه است اما از سوی دیگر بیانگر مسئولیت پدر و مادر در نهادینه کردن جنبه‌ی دینی نزد کودک است که مسلمان، فطرت او را از انحراف حفظ می‌کند؛ فطرتی که کودک با آن متولد شده است.

در قرن‌های گذشته، پدر و مادر یگانه مرجع کودک در کسب معرفت در برهه آغازین کودکی بوده‌اند تا که بعدها به مدرسه وارد می‌شود و در منبع دومی گام می‌نهد، البته خانواده هم کماکان به عنوان منبعی اساسی باقی می‌مانند تا اینکه کودک به مرحله نوجوانی می‌رسد و به دنبال منابع دیگری می‌رود که جزئی از اثبات هویت اوست. حتی اگر پیش از مرحله نوجوانی، یک فضای خانوادگی آکنده از محبت و آرامش را تجربه کرده باشد و با او بر حسب تکامل سنی‌اش برخورد شده باشد در نوجوانی پیوسته به پدر و مادرش، نزدیک باقی می‌ماند و به معلومات آن دو اعتماد می‌کند.

و با انفجار تکنولوژی و رسانه‌ای پیاپی، طوفان تغییر با شدت وزیدن آغازید و بازار معلومات و داده‌ها به مزایده گذاشته شد اما بسیاری از آنها جعلی و دروغین بود و این امر تأثیر زیادی بر جوانانی داشت که پیوسته در تشنگی معرفت‌شناسانه زندگی می‌کردند و چنان گردید که برخی سؤالات در مراحل کودکی و نوجوانی‌شان آنها را به محاصره درآورد بدون اینکه کسی را بیابند که

بدان‌ها جواب دهد، و چه بسا با سرکوب پدران و مادران خود یا یکی از آن دو به سبب حساسیت آن سؤالات روبرو می‌شدند یا بخاطر ناتوانی والدین برای ارائه جوابی قانع‌کننده یا ضعف آنان در برابر پرسش‌های کودک‌شان که پشت سرهم می‌پرسیدند. اما این سرکوب، آن سؤالات بی‌پاسخ را از ذهن کودک بیرون نکرد تا جایی که کودک به اولین روزنه معرفت‌شناسانه‌ای که سر راهش قرار می‌گرفت وارد می‌شد و در آن سرک می‌کشید.

برخورد با این انفجار تکنولوژی و رسانه‌ای دیگر آسان نیست بلکه فرزندان را چند مرحله از پدر و مادرانشان پیش انداخته و همین امر، مسئله را پیچیده کرده و مسئولیت تربیت را دوچندان نموده است و سازوکارها و مهارت‌هایی را می‌طلبد که با این برهه‌ی زمانی سازگار باشد.

در همین وقت در گوشه و کنار جامعه، نمونه‌هایی سر برآوردند که مجتمع را تحریک می‌کردند؛ پسران و دختران جوانی که حامل اکانت‌هایی مستعار و غیرحقیقی بودند و چه بسا برخی از آنها گستاخ بوده و نام خود را اعلان می‌کردند، چنانکه این افراد شروع به شبهه‌پراکنی درباره برخی جوانب و نصوص دینی می‌کنند بلکه حتی سطح این تحریک افزایش یافته و تصریح می‌کنند که لباس اسلام را از تن درآورده‌اند و اسلام را ترک گفته‌اند! البته غالب این افراد بیش از آنکه دارای قناعت راسخ درونی باشند با این کار، خشم خود را از فضایی که در آن زندگی می‌کنند و سرکوب و خفقانی که با آن روبرو شده‌اند نشان می‌دهند.

تربیت ایمانی جزئی اساسی در پرورش کودک است بلکه پس‌زمینه‌ای است که در ورای تمام جوانب تربیتی قرار می‌گیرد تا که حقیقی و تأثیرگذار باشد. کودک - بخاطر هوش فطری خود - هنگامی که معلومات دینی پیاپی به او می‌رسد سؤالات زیادی در ذهنش ایجاد می‌شود لذا بسیار مهم است - بویژه زمانی که کنجکاو و مصرّ باشد نه اینکه لجوج و مخالف - که پدر و مادر با جدیت به سؤالاتش گوش فرا دهند و برای پاسخگویی بدان‌ها تلاش نمایند. طبیعی است که تمام پدر و مادران معلومات کافی ندارند و همه‌ی آنان اسلوب قانع‌کننده‌ای ندارند و چه بسا در دریای مشکلات خود غرق هستند که همین امر سبب کاهش زمانی می‌شود که به دنبال پاسخ فرزند خود باشند و جوابی برای سؤالاتش آماده کنند بویژه اینکه سؤالات کودک، ترتیب خاصی ندارد بلکه بر حسب شنیدن یا دیدن امور زندگی بصورت غیرارادی در ذهنش خطور می‌کند و آنرا بر زبان می‌آورد.

از اینجاست که برادرمان عبدالله بن حمد رکف با تالیف این کتاب، اقدام نیکویی را رقم زده است؛ چرا که او میزان نیازمندی مردم به این موضوع را حس نموده است بدین معنا که وی میزان اهمیت جنبه‌ی ایمانی، درک میزان مشغولیت‌های پدر و مادر و نیاز آن دو به چنین کتابی را به خوبی درک کرده است.

تعدادی کتاب در این موضوع به کتابخانه‌های ما تقدیم شده است اما برخی از آنها دیگر در دسترس نیستند و برخی دیگر نیز فقط عنوان کتاب را در موضوع یاد شده یدک می‌کشند اما محتوای آنها ارتباطی با موضوع ندارد،

بخشی نیز تنها یک یا چند جنبه از این مسئله را مورد تأکید قرار داده و جنبه‌های دیگر را نادیده گرفته است اینجاست که این کتاب تلاش کرده است محتوایی مفید در این موضوع ارائه دهد و کتابی همه‌جانبه باشد و پیش از اینها، اسلوب کتاب بخاطر قناعت‌بخشی آن، مناسب این مرحله می‌باشد و فهم آن به سبب اسلوب روشن آن ساده و آسان است.

الله متعال بر توفیق نویسنده بیفزاید و قلم او را سودمند گرداند.

دکتر عبدالعزیز بن عبدالله مقبل استاد دانشگاه قصیم

و مشاور تربیتی و خانوادگی

مقدمه به قلم دکتر منی رجب صابر:

برخی، کودکان را به علامت‌سؤالی زنده توصیف می‌کنند چرا که تمایل زیادی، کودک را در مرحله کودکی به سوی اکتشاف، شناخت و یادگیری هر آنچه جدید است سوق می‌دهد.

پدران هم متأسفانه به سبب شرایط زندگی و تلاش برای فراهم نمودن یک زندگی خوب و آبرومندانه برای کودکان، بسیار از آنان دور هستند و گاهی از سؤال‌هایشان فرار می‌کنند، یا آنها را نادیده می‌گیرند، یا با خشونت بدانها پاسخ می‌دهند یا که از کودکان می‌خواهند دست از پر حرفی بردارند، این برخوردها بدین خاطر است که سؤالات کودکان سخت است، پدران را در تنگنا قرار می‌دهد و پاسخگویی‌شان برای آنان دشوار می‌باشد و یا اینکه به نظرشان پاسخ‌هایی بسیار دقیق را می‌طلبند که فراتر از سطح هوش کودکان است.

تردیدی نیست که این امر بر کودکان تأثیر منفی می‌گذارد چرا که آنها را از فرصت‌هایی بزرگ محروم می‌گرداند و علما و متخصصان، بسیار ما را توصیه کرده‌اند که زبینه نیست آغوش خود را به روی سؤالات کودکان ببندیم حتی اگر تمام روز سؤال بپرسند زیرا از رهگذر پاسخ‌هایی که دریافت می‌کنند نسبت زیادی از ارزش‌ها و خصلت‌های تربیتی را به دست می‌آورند و درک آنها رشد می‌یابد و سطح هوش‌شان توسعه پیدا می‌کند که این امر در رشد جنبه‌ی عقلی آنان نقش مهمی ایفا می‌نماید.

بنابراین نیم‌ساعتی که پدران به فرزندان‌شان اختصاص می‌دهند و به سؤالات ساده آنان جواب می‌دهند و نیز به دغدغه‌های کودکانه آنها گوش فرا

می دهند و به چشمان معصوم شان می نگرند پشتیبانی روحی به آنها می دهد که بدانان در مراحل بعدی زندگی شان کمک می کند و به شکل گیری ارزش ها نزد آنان یاری می رساند و مفاهیم و مبانی دینی را به آنها تقدیم می دارد که هویت دینی کودکان را شکل می دهد.

زیرا سؤال های کودکان فقط سؤالاتی نیست که نیازمند پاسخ هایی برای ارضای حس کنجکاوی و آگاهی دوستی آنها باشد بلکه بیانگر اینست که کودک می خواهد انس بگیرد، از او تعریف و تمجید کنند، توجه دیگران را به خود جلب نماید و خویشتن خودش را اثبات کند.

چون همه ما می دانیم این جواب های ساده ای که کودکان از پدران و مادران دریافت می کنند مقصود نیست بلکه هدف، چیزی است که پس زمینه معرفت شناسانه خود را بر آن بنا می کنند، حتی چیزی که در اذهان آنان می ماند توجه ورزی و دستان پدران و مادرانشان است که بر شانه های آنان قرار می گیرد و با این کار آنها احساس امنیت، آرامش و پشتیبانی می کنند. و چیزی که به یاد می آورند فقط پاسخ ها نیست بلکه لبخند والدین، تعریف و تمجید از آنان، احساس اعتماد و توجه ورزی است.

به همین خاطر مربیان پرورشی توصیه می کنند که استراتژی گفتگو و مناقشه را در پاسخگویی به سؤالات کودکان به کار گرفت، اینگونه که سؤال کودک با یک سؤال پاسخ داده می شود، و این استراتژی با وجود سادگی اش از مهمترین ابزارهای برقراری ارتباط بشمار می رود و تعادل معرفت شناسانه او را تحقق می بخشد و تمایل او به آگاهی یابی و اکتشاف را ارضا می نماید،

افزون بر آن، روح انس و محبت و احترام گذاشتن به خود و دیگران را در او احیا می‌کند.

همچنین توجه‌ورزی پدران و بزرگترها به پاسخگویی سؤالات کودکان، آنها را از پاسخ‌های گمراه‌گر و تشویش‌افکنی که ممکن است از هم سن و سالان یا از طریق مشاهده برنامه‌ها، خواندن کتاب و سایت‌های الکترونیکی و اموری که مناسب سن و سطح فکر کودکان نیست به دست می‌آورند و بیشترین تأثیر را بر عقل‌هایشان دارد حمایت می‌نماید.

از اینجاست که اهمیت کتاب پیش‌روی خود را لمس می‌کنیم چرا در حلّ معضل یادشده بسیار کمک می‌کند زیرا به سؤالات جنبه‌ای از مهمترین جوانب تأثیرگذار درونی کودکان یعنی جنبه ایمانی و اعتقادی می‌پردازد و نمونه‌ای عملی را برای چگونگی پاسخگویی به سؤالات مرتبط به عقیده‌ی کودکان ارائه می‌دهد.

کتاب کنونی به منزله باغ پر از میوه‌ای است که از آبی زلال سیراب شده است، این کتاب مهمترین چیزهایی که درباره تربیت ایمانی کودکان نوشته شده و نیز رشد دینی، محورها و بنیادهای پرورش ایمانی، اسلوب‌های تربیتی جهت کاشتن نهال ایمان، ویژگی‌های مربی، چگونگی پرداختن به سؤالات کودکان، انواع پرسش‌ها، انگیزه سؤال پرسیدن کودک، چگونگی پاسخگویی بدان‌ها و در آخر سر، نمونه‌هایی منحصر به فرد از پاسخ‌ها به سؤالات را که مرتبط با عقیده است و کودکان می‌پرسند ارائه کرده است، دغدغه‌ی نویسنده اینست که پاسخ‌های کتاب، شامل نمونه‌ها و مصادیقی محسوس باشد تا

کودکان به آسانی آنرا درک کنند، همچنین جواب‌ها، کوتاه و مختصر هستند تا بر پدر و مادران و مربیان کودک گران نیاید و برایشان سخت نباشد. این‌ها برخی از معلوماتی است که خواننده این کتاب پیش‌رو به دست می‌آورد.

از الله متعال خواستار توفیق و حق برای خود و شما هستم.

دکتر منی رجب صابر

دکترای روانشناسی تربیتی از دانشگاه

مقدمه‌ی نویسنده:

سپاس برای خداوندی که پروردگار جهانیان است و سلام و صلوات بر شریف‌ترین پیامبران و برترین رسولان محمد ﷺ و بر آل و اصحاب او باد. برآستی که سالهای نخستین کودکی اهمیت زیادی در شکل‌گیری نگرش کودک به جهان دارد زیرا مفاهیمی که در ذهن کودک در این مرحله کاشته می‌شود سنگ‌بنایی قلمداد می‌گردد که تمام جوانب مختلف شخصیت انسان را شکل می‌دهد که می‌بایست سازگار با نیازمندی‌های روانی، اجتماعی و دینی کودک باشد، و این امر برای بنای متکامل ساختار شخصیت کودک مهم می‌باشد؛ بنایی که به او کمک می‌کند با ثبات حرکت آغازد و به کارزار زندگی وارد شود و در پیمودن مسیر دور و دراز حیات، شخصی متعادل، دارای توازن و پویا باقی بماند لذا کودک از طریق آنچه می‌شنود و می‌بیند الگوی خاص خود از این جهان را بنا می‌کند و تمام آنچه پس از این امر از زندگی‌اش باقی می‌ماند چیزی بجز فرایند تصحیح و توسعه‌ی این چشم‌انداز اساسی بر حسب شرایطی نیست که کودک از سر می‌گذراند.

اولین منبع معرفت‌شناسانه‌ای که کودک در این مرحله بر آن تکیه می‌کند پدر و مادرش هستند به همین خاطر ریشه و سرچشمه صلاح فرزندان از صلاح تربیت والدین است زیرا آنها مسئول آموزش فرزندان‌شان هستند لذا پیامبر ﷺ فرموده است: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» {همه‌ی شما

مسئول هستید و از زیردستان خود سؤال خواهید شد^۱ و این تکلیف، توجه‌ورزی و تلاش برای تربیت و آموزش را می‌طلبد.

چون ما در عصری زندگی می‌کنیم که شهوات و شبهات در آن زیاد شده است بر پدر و مادران لازم است که در تربیت فرزندان تلاشی آکنده از راستی، عشق و بخشش به خرج دهند، و چه بسا دانه‌ای که پدر و مادران در نفوس فرزندان می‌نشانند به درخت پرثمر عمل مداوم برای آنان پس از وداع‌شان با این دنیا بدل شود بدین خاطر، فرزند از اعمال ماندگاری می‌شود که اثرش بعد از مرگ پدر و مادر باقی می‌ماند چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «أَوْ وُلْدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ» {یا فرزند صالحی که برای انسان دعای خیر می‌کند}.^۲

فرزندان از جمله‌ی توصیه‌های الهی به پدران است چنانکه می‌فرماید: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ﴾ ای والدین! فرزندانان امانت‌هایی پیش شما هستند و خداوند شما را در مورد آنها سفارش می‌نماید که منافع دینی و دنیوشان را تامین کنید. پس باید آنها را تعلیم دهید و تربیت نمایید و از مفسد باز دارید و به طاعت خدا و مداومت بر پرهیزگاری دستور دهید. همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾ {ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی نجات دهید که سوخت آن، انسان‌ها و سنگ‌ها هستند}. پس پدران در مورد فرزندان‌شان سفارش شده‌اند، و آنها یا

۱. صحیح بخاری (۲۵۵۸) و صحیح مسلم (۱۸۲۹).

۲. صحیح مسلم (۱۶۳۱).

این سفارش و وصیت را انجام می‌دهند که در آن صورت به آنان پاداش فراوانی می‌رسد، و یا آن را ضایع می‌کنند و به سبب آن سزاوار وعید و کیفر می‌گردند. و این دلالت می‌نماید که خداوند نسبت به بندگان از پدر و مادر مهربان‌تر است چون خداوند پدر و مادر را با اینکه بی‌نهایت به فرزندانشان مهربان هستند نسبت به تأمین حقوقشان سفارش نموده است.^۱

بر همین اساس اگر تربیت کودک درون خانواده به صورتی نیکو بوده باشد او می‌تواند به صورتی ایده‌آل با جهان خارج ارتباط برقرار کند. و ایفای نقش نکردن خانواده در تربیت کودک و پرورش ایمانی صحیح او سبب می‌شود که کودکی فاقد انواع رفتارهای نیک بوجود بیاید.^۲ تربیت تنها تصحیح اشتباهات نیست بلکه القای آموزش و ارائه مبانی دین و احکام شریعت و نیز بکارگیری ابزارهای مختلف برای پایه‌گذاری نگرش‌ها و نهادینه کردن آنها در نفوس - از طریق تربیت بواسطه الگو، اندرز، داستان، رویداد و موارد دیگر - است؛^۳ تا که بوسیله تمامی اینها شخصیتی متعادل، تأثیرگذار و پویا در زندگی و در جامعه پدید بیاوریم و به جامعه بفرستیم.

۱. تیسیر الکلام الرحمن فی تفسیر کلام المنان، شیخ سعدی ص ۱۶۶.

۲. بنگر به: الأسرة و دورها فی تنمية القيم الإجتماعية لدى الطفل في مرحلة الطفولة المتأخرة از حسین عزى، رساله‌ی فوق لیسانس در روانشناسی اجتماعی، دانشگاه تیزی وزو، الجزایر ص ۲۲.

۳. بنگر به: الدعوة مهارت و فنون از شحاته صقر ص ۲۷۱.

این کتاب به دو فصل تقسیم شده است: فصل اول (درباره تربیت ایمانی) است و در برگیرنده بسیاری از بنیادها و مبانی ای است که - به اذن الله - یاریگر والدین در تربیت فرزندان شان خواهد بود. فصل دوم نیز در باره (الگوهای عملی برای پاسخگویی به سؤالات ایمانی کودکان) سخن به میان می آورد، و رایج ترین سؤالات بین کودکان در سنین مختلف آنها را گردآوری نموده و پاسخ گفته است بویژه سؤالاتی که پیرامون ارکان شش گانه ایمان می باشد و چگونگی برخورد با چنین سؤالاتی در این فصل توضیح داده شده است.

«عبدالله بن حمد رکف»

فصل اول: پیرامون تربیت ایمانی

براستی که تربیت، ضرورتی بشری از ضرورت‌های انسان‌ساز است چرا که ابزار شکل‌دهی کودک و آماده‌سازی او در تمام زمینه‌های زندگی است، ساختن شخصیت اجتماعی، علمی، روانی، سلامت و امور دیگر کودک از طریق تربیت صورت می‌پذیرد، البته پیش از اینکه پیرامون تربیت ایمانی و اهمیت آن سخن بگوییم بهتر است با مفهوم خود تربیت، منظور از آن و انتظارات مربیان تربیتی از آن آشنا شویم.

مفهوم تربیت:

تربیت، پروسه‌ای هدفمند و توسعه‌یافته است که قواعد و قوانینی بر آن حاکم می‌باشد که به دنبال ایجاد عادت‌های نیک از طریق ارشاد، تمرین، فرهنگ‌سازی، پالایش و ممارست است، و تربیت به حفظ فطرت شخص و مراعات آن اهتمام می‌ورزد و به رشد موهبت‌ها و استعدادها و او و سپس جهت‌دهی این فطرت توجه نشان می‌دهد تا صلاح و کمال شایسته‌ی آن را تحقق بخشد که به آمادگی انسان صالح برای آبادانی زمین^۱ کمک می‌کند، بنابراین تربیت ابزاری است که در تمام زمینه‌های زندگی، رهبران را می‌سازد.

اهمیت تربیت ایمانی:

ایمان، بزرگترین حقیقت هستی و بزرگترین مسئله‌ی انسان است، در واقع ایمان یک دوراهی در مسیر بشر در زندگانی دنیا است: ﴿فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ

۱. بنگر به: التربية الإسلامية أصولها ومنهجها ومعلمها از عاطف سید ص ۱۳، و همچنین التربية الإسلامية المصطلح والمفهوم از دکتر صالح ابو عراد ص ۲۷.

وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ (بقره: ۲۵۳) {پس بعضی از آنان ایمان آوردند و بعضی از آنان کفر ورزیدند}، انسان‌ها رفتارها و اعمال خود را بر اساس آن بنا می‌کنند و در جهان آخرت،^۱ تمایزبخش سرانجام آنها است، و از مراحل سرنوشت‌ساز در زندگانی انسان، مرحله‌ی کودکی است زیرا تغییر اعتقادات، ارزش‌ها، عادات و رویکردهایی که در این مرحله در نفس کودک جایگیر می‌شود دشوار می‌باشد چه برسد به اینکه آنها را ریشه‌کن کرد، و چه بسا تأثیر آن در طول عمر انسان همراه او باقی بماند^۲ به همین دلیل، تربیت ایمانی در کودکی از مراحل مهم و تأثیرگذاری است که زندگی انسان در طول عمرش در این دنیا بر اساس آن بنا می‌شود.

تربیت - بطور کلی - توجه‌ورزی است چرا که تربیتی بدون توجه و اهتمام یافت نمی‌شود و بهترین چیزی که می‌بایست بدان توجه نمود کاشتن نهال ایمان است، این در حالیست که ما در عصری زندگی می‌کنیم که توجه اکثر پژوهشگران تربیتی بر جنبه‌ی عقلی و جسمی آن متمرکز شده است و جنبه ایمانی و معنوی را نادیده گرفته‌اند، چنانکه آنان ایده‌های خود را در راستای محقق نمودن موفقیت دنیوی بر اساس معیارهای مادی متوجه می‌سازند بدون اینکه به اصلاحی اهمیت دهند که به سعادت و خوشبختی اخروی

۱. غرس أصول الإيمان في نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۵.
۲. غرس أصول الإيمان في نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۲۱.

می انجامد و همین امر، نظریه‌ها و ایده‌های تربیتی ما را از این جنبه با سایر موارد، کاملاً متفاوت می‌گرداند.^۱

نهفته نیست که تربیت ایمانی در اسلام یکی از ارکانی است که بنیان تربیتی در عصر نبوی بر آن استوار بود چنانکه از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا» {همه‌ی شما مسئول هستید و از زبردستان خود سؤال خواهید شد، پیشوا مسئول است و از زبردستانش سؤال خواهد شد و مرد مسئول است و درباره خانواده‌اش و زبردستانش سؤال خواهد شد و زن در خانه‌ی همسرش مسئول است}،^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله بدین گونه بر بزرگی مسئولیت قرار داده شده بر دوش هر شخص از ما تأکید کرده است و بیان فرموده که هر کسی، مسئول این امر است که: برای افراد تحت سرپرستی خود چه چیزی تقدیم داشته است؟ همچنین از رسول خدا آمده است که: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحْطِهَا بِنَصْحِهِ لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» {هر بنده‌ای که الله متعال زبردستانی برای او قرار دهد اما او به نصیحت و اصلاح آنان نپردازد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد}.^۳ اینجا به اهمیت ارائه‌ی نصیحت با صدق و امانت‌داری اشاره شده است چنانکه نصیحتی همه‌جانبه و

۱. القواعد العشر (أهم القواعد في تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۲۱-۲۲.

۲. صحیح بخاری (۲۵۵۸) و صحیح مسلم (۱۸۲۹).

۳. صحیح بخاری (۷۱۵۰).

آگاهانه به مصلحت فرد نصیحت شده از تمام جوانب باشد، از نمونه‌هایی که در این باب روایت شده است گفته‌ی ابن عمر است که فرموده: «فرزندت را ادب بیاموز چرا که تو درباره او سؤال خواهی شد که: چه ادبی به او آموخته‌ای؟ چه چیزی به او یاد داده‌ای؟ و او نیز از نیکی تو و سرپرستی اش از طرف تو سؤال خواهد شد»،^۱ ابن عمر رضی الله عنه در اینجا تأکید می‌کند که مسئولیت، ابتدا بر دوش پدر و مادر خواهد بود زیرا آن‌ها اولین منبع در آموزش و ادب‌آموزی هستند، همچنین روایت شده که تربیت، بهتر از صدقه است چنانکه گفته شده: «اگر شخص فرزندش را تادیب و تربیت کند بهتر از آنست که یک صاع صدقه دهد».^۲ و نیز آمده که آموزش دادن اخلاق نیک، بهتر از هر بخششی است. همچنین روایت شده که: «هیچ پدری، فرزندش را خوراکی بهتر از ادب نیکو نداده است»،^۳ تمام این نصوص و موارد دیگر بیانگر آنست که توجه‌ورزی به تربیت و آموزش از مهمترین و بزرگترین چیزهایست که پدران و مادران به فرزندانشان تقدیم می‌دارند.

ما در گذشته در محیط‌هایی نسبتاً بسته تربیت می‌کردیم اما امروزه در حالی که تربیت فرزندان می‌پردازیم که پنجره‌ها و روزنه‌های خانه‌هایمان رو به تمام جهان باز است، البته این مسئله خوبی‌ها و بدیهایی دارد اما اگر هوشیار نباشیم و آنچه در جریان است را به طوری نیکو نفهمیم ممکن است بدی‌ها بر

۱. شعب الإیمان از بیهقی (۸۱۴۱).

۲. به روایت ترمذی (۱۹۵۱) که البته شیخ آل‌بانی آنرا در السلسلة الضعیفة (۱۸۸۷).

۳. به روایت ترمذی (۱۹۵۲) که البته شیخ آل‌بانی آنرا در السلسلة الضعیفة (۱۱۲۱).

خوبی‌ها چیره گردد، ما می‌توانیم نشانه‌های تغییرات روی داده را فهم کنیم اگر خصلت توجه‌ورزی و پیگیری رویدادهای سریعی که پیرامون ما اتفاق می‌افتد را داشته باشیم و از افقی فرهنگی تربیتی نیکویی به خواندن رویدادها بپردازیم و توجه‌ورزی مربی به این امر او را وا می‌دارد که برای استوارسازی مفاهیم ایمانی در درون نفوس کودکان از خلال جوّ خانوادگی‌ای که همه خانواده در شکل‌دهی آن همکاری می‌کنند تلاش نماید. همچنین می‌تواند از طریق انتخاب مهدکودک‌ها و مدارسی که به این امر توجه نشان می‌دهند به تلاش بپردازد، و غفلت از فهم امور پیرامونی ما به معنای روی دادن ضررها و آسیب‌هایی است که به هیچ وجه قابل جبران نیستند^۱ بلکه با فعالیت تربیتی مداوم و صبر پیاپی به بهترین نتایج ممکن - باذن الله - دست خواهیم یافت چرا که ارشادی گذرا در تربیت کافی نمی‌باشد بلکه نیازمند پیگیری، ارشاد و جهت‌دهی مداوم است.^۲

تربیت ایمانی، ضرورت است:

نسل امروز در جهش روانی، جهش فرهنگی و فضای باز وسیعی زندگی می‌کند و امور جذب‌کننده‌ای که از هر طرف آن را به سوی خود می‌کشد خطرناکتر از آنست که سبک بشماریم در حالی که ما دشوارترین مأموریت در وجود بشری یعنی تربیت را انجام می‌دهیم؛^۳ امری که لزوم تربیت ایمانی

۱. القواعد العشر (أهم القواعد في تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۱۷، ۵۶، ۵۷).

۲. بنگر به: ثقافة المربي از وضاح بن هادی ص ۵۴.

۳. بنگر به: الدعوة مهارات و فنون از شحاته صقر ص ۲۴۱.

کودکان و نیاز شدید امت بدان را بیان می‌دارد به همین دلیل، توجه‌ورزی به آموزش ایمان به مردم و دعوت‌شان به آن - بویژه کودکان - منهج پیامبران و مصلحان پس از آنان است چنانکه الله متعال درباره دعوت نوح از پسرش و بر حذر داشتن او از همنشینی با گمراهان می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ اِزْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود: ۴۲) {ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش}، و نیز در باره‌ی ابراهیم آنگاه که فرزندانش را نصیحت می‌کند می‌فرماید: ﴿وَوَصَّي بِهَا اِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بُنَيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُسْلِمُوْنَ﴾ (بقره: ۱۳۲) {و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان (آیین) سفارش کردند (و هر دو در وصیتشان چنین گفتند) ای پسران من، خداوند برای شما این دین را برگزید پس البته نباید جز مسلمان بمیرید}، و لقمان در اولین توصیه‌ی خود به پسرش، او را از شرک بر حذر می‌دارد و می‌گوید: ﴿يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ﴾ (لقمان: ۱۳) {ای پسرک من، به خدا شرک میاور چرا که شرک ستمی بزرگ است}، و پیامبرمان محمد ﷺ چنین به ابن عباس توصیه می‌کند که: «يَا غُلَامُ اِنِّيْ اَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ اَحْفَظُ اللّٰهَ يَحْفَظُكَ اَحْفَظُ اللّٰهَ تَجِدُهُ تُجَاهَكَ اِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللّٰهَ وَاِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنِ بِاللّٰهِ» {ای نوجوان! چند کلمه را به تو می‌آموزم: خدا را به یاد داشته باش تا او نیز حافظ و نگهدار تو باشد؛ مراقب اوامر خداوند باش تا در مقابل خود او را بیابی، هرگاه چیزی می‌خواهی از

خدا بخواه و هرگاه یاری می جوئی از خدا بجویی»^۱ و در این توصیه، حرص بر تربیت ایمانی هویدا است.^۲

از مواردی که ضرورت تربیت را روشن می سازد شناخت این امر است که آموزش دادن ایمان، اساس علوم می باشد لذا اگر کودک ایمان را فرا گیرد و نهال آن بر حسب منهج نبوی در قلبش کاشته شود عبادات و سایر فروع دین به دنبال آن در او ظاهر می گردد بنابراین توجه ورزی به این امر - باذن الله - سبب توفیق و هدایت خواهد شد چرا که بسیاری از امور با ایمان به خدا و روز آخرت پیوند خورده است و هرگاه ایمان با قدرت، حضور داشته باشد انسان را از در پیش گرفتن نواهی و محرّمات باز می دارد.

از امور دیگری که اهمیت تربیت ایمانی را بیان می دارد بی تفاوتی برخی از پدران نسبت به آموزش امور ایمان به کودکان شان به بهانه خردسال بودن آنهاست اما اگر بزرگ شوند قادر به آموزش دادن آنان نیستند. بنابراین هر کس آموزش امور سودمند را به کودکش نادیده بگیرد و او را به حال خودش رها کند کار بسیار بدی کرده است و دلیل فاسد شدن اکثر کودکان، پدران است که آموزش واجبات و سنت های دین را به آنان نادیده گرفته و رهایشان می کنند بنابراین در کودکی آنان را ضایع می گردانند طوری که در بزرگسالی نه به خود سودی می رسانند و نه به پدران شان.^۳

۱. به روایت ترمذی (۲۵۱۶) و البانی آن را تصحیح نموده است.

۲. بنگر به: حدیث (احفظ الله یحفظک) دراسة عقدية از دکتر محمد العلی ص ۶.

۳. تحفة المودود از ابن قیم ص ۲۲۹.

مورد دیگر، زیاد بودن برنامه‌های هدفمند برای کودکان در رسانه‌های (دیداری، شنیداری و خواندنی) است که بسیاری از آنها تصورات، نگرش‌ها و مفاهیمی منحرف و زیانبار را در نفوس کودکان ترویج می‌دهد لذا لازم است که تربیتی ایمانی باشد تا با این موج رسانه‌ای هدفمند مقابله کند زیرا تربیت ایمانی، عمل کردن به اسباب مشروع است و عاملی پیشگیرانه است که کودک را در برابر بسیاری از مشکلات تربیتی، پیش از وقوع آنها واکسینه می‌کند و در صورت روی دادن مشکلات، در حلّ و درمان آنها به ایفای نقش می‌پردازد، این امر حقی از حقوق فرزندان بر پدران و مادران، سبب سعادت در دنیا، شرط نجات در آخرت به اذن الله و سبب تفاوت یافتن مردم در آن روز می‌شود،^۱ و آخر سر باید گفت که تربیت ایمانی، ثبات معنوی و آرامش روانی را برای کودکان فراهم می‌سازد چرا که به بزرگترین سؤالات زندگی پاسخ می‌دهد و این امر تنها با یاری گرفتن از هدایت کتاب خدا و نور برگرفتن از سنت رسول او حاصل می‌شود که متمایز به سرچشمه‌ی زلال، منهج روشن و اهداف ربانی آنست که اگر همراه با توجه‌ورزی به نیازهای کودک، آگاهی از حال و واقع و تربیت او باشد^۲ به تکامل و تعادل در شخصیت کودک می‌انجامد.

۱. ضرورة تعليم الناشئة از بندر رباح، سایت صید الفوائد، همچنین بنگر به مشروع الإبن المبدع از رضا المصری ص ۴، و نیز بنگر به: الهدی النبوی فی تربية الأولاد از سعید قحطانی ص ۶، و بنگر به: تربية الشباب الأهداف و الوسائل از دکتر محمد دویش ص ۲۰.

۲. بنگر به: ثقافة المربی از وضاح بن هادی ص ۷.

اهداف تربیت ایمانی:

هدف کلی تربیت، تحقق عبودیت حقیقی برای الله متعال است و این هدف، نیازمند محقق شدن اهداف فرعی بسیاری است از جمله:

اول: پرورش عقیدتی صحیح فرزندان جامعه‌ی مسلمان به منظور آماده کردن انسان صالحی که الله را بر اساس هدایت و بصیرت عبادت می‌کند.

دوم: اینکه فرد در جامعه‌ی اسلامی به اخلاق نیکو آراسته باشد و در این امر به رسول خدا ﷺ اقتدا نماید که پروردگارش برای وی گواهی داده و می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (قلم: ۴) {به راستی که تو را اخلاقی والا است} و به این گفته پیامبر عمل نماید که فرموده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» {برانگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاق را به نهایت برسانم}.^۱

سوم: رشد دادن درک و شعور جمعی آحاد جامعه‌ی مسلمان؛ به گونه‌ای که در هر فردی احساس وابستگی به جامعه‌اش نهادینه گردد در نتیجه به مسائل و دغدغه‌های جامعه‌ی خود توجه می‌ورزد و با برادران ایمانی‌اش ارتباط برقرار می‌سازد با عمل به این آیه که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات: ۱۰) {مؤمنان برادر یکدیگرند} و نیز این گفته پیامبر ﷺ که فرموده: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» {مؤمن برای مؤمن، به منزله‌ی یک ساختمان است که هر قسمت آن، موجب تقویت قسمت دیگر آن می‌شود}^۲ و همچنین: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ

۱. به روایت امام احمد در المسند (۸۹۳۹) با تصحیح آل‌بانی.

۲. صحیح بخاری (۶۰۲۶).

كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»
{مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای يك پیکر هستند که اگر عضوی از آن به درد آید سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می گیرند}.^۱ و بدین گونه، پیوندهای برادری ایمانی صادقانه میان فرزندان امت مسلمان مستحکم می گردد.

چهارم: ایجاد فردی که از لحاظ روانی و عاطفی دارای تعادل است، که این امر به شکل دهی شخصی پویا و عضوی سودمند برای جامعه اش یاری می رساند؛ فردی که می تواند به ایفای نقش و ادای وظیفه در آبادانی زمین و بهره برداری از خیرات آن اقدام کند و تکالیف جانشینی در زمین را به انجام رساند که الله او را جانشین در زمین قرار داده است.^۲

اینجاست که نیاز به آغازیدن با تربیت ایمانی - با مفهوم صحیح آن - هویدا می شود که بصورت مداوم برای تولید نیروی معنوی، رشد انگیزه ذاتی، تقویت مانع درونی و انتشار روح آن در گفتار و کردار عمل می کند، و پس از این است که انجام اعمال مطلوب به منظور تحقق اهداف تربیت روانی و حرکتی، آسان می گردد.^۳

۱. صحیح بخاری (۶۰۱۱).

۲. بنگر به: أهداف التربية الإسلامية و مقاصدها از محمد علی جابر، شبکه الألوكة، تاریخ انتشار: ۱۴۲۷/۱۱/۱۶ هـ.

۳. بنگر به: نظرات فی التربية الإيمانية از مجدی هلالی ص ۱۱.

بنیادهای تربیتی:

مجموعه‌ای از بنیادها هستند که ساختمان تربیتی بر پایه‌ی آنها استوار می‌باشد و می‌توان آنها را در دو بنیاد منحصر نمود؛ اول: بنیاد معرف‌شناسانه و دوم: بنیاد عملی.

بنیاد معرف‌شناسانه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: علم و ایمان.

بخش اول: علم است که نمایانگر بزرگترین کلید برای فهم و بنای

انگیزه‌های رفتاری می‌باشد، الله متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ

يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۹) {بگو آیا کسانی

که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که

پندپذیرند}. و پیامبر ﷺ اصرار داشت که صحابه‌اش، علم سودمند را یاد

بگیرند و به آنان یاد می‌داد از علمی که سودمند نیست به الله پناه ببرند، وی

در دعایی که به آنان یاد می‌دهد فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا

يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ» {خدایا از علمی که سود نمی‌رساند و از قلبی که

خشوع ندارد به تو پناه می‌برم}.^۱

و بخش دوم: ایمان است یعنی ایمان به ارکان شش‌گانه که در دل‌های

فرزندان جایگیر می‌شود لذا ایمان، معنایی همه‌جانبه است که زندگانی دنیا و

پس از آن را در برمی‌گیرد، و پیامبر ﷺ اصرار داشت بر اینکه نهال عقیده‌ی

ایمانی استوار و سالم را در قلب‌های فرزندان امتش بکارد.

۱. صحیح مسلم (۲۷۲۲).

و بنیاد عملی را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: عبودیت، اجرا و اخلاق:

بخش اول: عبودیت (بندگی):^۱ برای تربیت نتیجه‌بخش می‌بایست شخصیتی صادق و نیز صفات ذاتی تمایزبخش را در درون کودک ایجاد کرد؛ امری که می‌تواند شخصیت نیکی در فرزندان بسازد، طوری که با اخلاص و ارتباط همیشگی با خدای خود با زندگی مواجه شود و رفتار و اندیشه‌اش و حتی آرزوها و خواسته‌هایش راست و درست گردد، چنانکه پیامبر ﷺ به معاذ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ»،^۲ به معاذ رضي الله عنه یاد می‌دهد که عبادت، فضلی از جانب خداوند است و فقط تلاش انسانی نیست بلکه توفیقی ربانی نیز می‌باشد، همچنین به او آموزش می‌دهد که عبادت همیشه نیازمند یاری جستن به خداوند است لذا این امر در قلبش نهادینه می‌شود که مؤمن به هنگام عبادت پروردگارش می‌بایست از او یاری جوید و در عبادت خداوند بر او توکل کند؛ زیرا الله متعال است که او را برای طاعت و عبادت خود توفیق می‌دهد.

بخش دوم: اجرا می‌باشد؛ علم بدون عمل بی‌ارزش است چرا که عمل وسیله‌ی برتری یافتن میان مردم در آخرت است: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله: ۷-۸) {پس هر کس که هموزن ذره‌ای نیکی کند (نتیجه) آن را خواهد دید * و هر کس که هموزن ذره‌ای بدی کند (نتیجه) آن را خواهد دید}.

۱. بنگر به: فلسفة التربية الإسلامية از دکتر ماجد کیلانی ص ۹۵.

۲. به روایت ابو داود (۱۵۲۲) با تصحیح آل‌بانی.

بخش سوم: اخلاق است، منهج و برنامه‌ی اسلام، انسان را با اخلاق می‌سازد حتی خود پیامبر ﷺ معتقد بود که تمام رسالتش در یک معنا یعنی خوش اخلاقی و تربیت بر اساس اخلاق جلوه‌گر می‌شود چنانکه فرموده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ» {برانگیخته شده‌ام تا اخلاق نیک را به نهایت برسانم}،^۱ و مردم را به خوش اخلاقی سوق می‌داد و می‌فرمود: «إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبِكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا» {محبوب‌ترین افراد شما نزد من و نزدیک‌ترین شما به همنشین من در روز قیامت، خوش اخلاق‌ترین شماست}،^۲ چرا که اخلاق، نتیجه‌ی تربیت ایمانی ظاهری است.^۳

نمونه‌هایی تربیتی:

ارائه نمونه‌های عملی از مهمترین اموریست که بر استوارسازی مبانی و ارزش‌ها یاری می‌رساند، و ما در اینجا بصورتی مختصر، تعدادی از نمونه‌هایی را ارائه می‌دهیم که بیان می‌دارد رهنمود پیامبر و صحابه‌ی وی در شکل‌دهی بنای ایمانی کودکان چگونه بوده است:^۴

-
۱. به روایت امام احمد (۸۹۳۹) با تصحیح البانی در صحیح الجامع (۲۳۴۹).
 ۲. به روایت ترمذی (۲۰۱۸).
 ۳. خمسة أسس إيمانية في تربية الأبناء از دکتر خالد روجه، سایت المسلم، تاریخ انتشار: ۱۴۳۲/۱/۹ هـ- و نیز بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۵۰؛ ۲۸۴، ۳۵۲ همچنين بنگر به: النبي المربي از دکتر احمد أسمر ص ۱۰۶، ۲۴۹، ۳۰۵.
 ۴. بنگر به: ضرورة تعليم العقيدة للناشئة از بندر رباح، سایت صيد الفوائد، همچنين بنگر به: تربية الأولاد في الإسلام از عبدالله علوان (۱۵۱/۱).

■ از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله تعویذ (پناه بردن به خدا) را به حسن و حسین یاد می داد و می فرمود: «مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» {پدر (بزرگ) شما با این کلمات برای حفظ و سلامت اسماعیل و اسحاق دعا می کرد و می گفت: پناه می جویم به کلمات خداوند که کامل است از هر شیطان و جانور زهردار و از هر چشم آسیب رسان}.^۱

■ از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ» {هر نوزادی بر فطرت سالم (اسلام) به دنیا می آید اما والدینش، او را یهودی، نصرانی یا مجوسی (زرتشتی) بار می آورند}.^۲

■ از عمر بن ابوسلمه رضی الله عنه آمده است که: من پسری خردسال تحت تربیت رسول خدا بودم و دستم (به هنگام غذا خوردن) به اطراف کاسه در حرکت بود که رسول خدا به من فرمود: «يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ وَكُلْ بِيَمِينِكَ وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» {ای پسر، نام خدا را بیاور و با دست راست و از جلوی خودت بخور}.^۳

■ از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که روزی پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که به من فرمود: «يَا غُلَامُ إِنِّي أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ أَحْفَظُ اللَّهُ يَحْفَظُكَ اللَّهُ أَحْفَظُ اللَّهُ

۱. صحیح بخاری (۳۳۷۱).

۲. صحیح بخاری (۱۳۵۸).

۳. صحیح بخاری (۵۳۷۶) و صحیح مسلم (۲۰۲۲).

تَجِدُهُ تُجَاهَكَ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَّمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ...» {پسر جان! چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را به یاد داشته باش تا او نیز حافظ و نگهدار تو باشد؛ مراقب اوامر خداوند باش تا در مقابل خود را بیابی. هرگاه چیزی می خواهی از خدا بخواه و هرگاه یاری می جویی از خدا بجوی و بدان که اگر همه ی مردم جمع شوند که نفعی به تو برسانند نمی توانند مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است}.^۱

▪ از حسن بن علی رحمته الله علیه روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من کلماتی را یاد داد که در قنوت وتر آنها را بخوانم: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ وَإِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعْزُزُ مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ» {الهی! مرا در زمره ی کسانی قرار بده که آنها را هدایت کرده ای و مرا جزو کسانی قرار بده که به آنها عافیت عطا فرموده ای، الهی! مرا جزو کسانی قرار بده که تو، یاور آنانی و هر چه که به من عنایت فرموده ای مبارکش بگردان، و مرا از قضای بد حفاظت کن، تویی که حکم می کنی، احدی بر تو حاکمیت ندارد. همانا کسی که تو او را حمایت کنی ذلیل و خوار نمی شود؛ پروردگارا تو بابرکت و بلندمرتبه

۱. به روایت ترمذی (۲۵۱۶).

هستی}.^۱

■ از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «یا بُنِیَّ، إِذَا دَخَلْتَ عَلَیْ أَهْلِکَ فَسَلِّمْ، یَکُونُ بَرَکَةً عَلَیْکَ وَعَلَیْ أَهْلِ بَیْتِکَ»
{ای فرزندم، هر وقت بر اهل خانه‌ی خود وارد شدی، سلام کن که آن برای تو و خانواده‌ات خیر و برکتی خواهد شد}.^۲

■ از جناب بجلی رضی الله عنه روایت شده که گفت: در آن حال که نوجوانانی بالغ و قوی بودیم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضور داشتیم، ایشان پیش از اینکه به ما قرآن یاد دهند ایمان (عقیده) می‌آموختند سپس قرآن را یاد می‌گرفتیم در نتیجه، بر ایمان ما افزوده می‌شد.^۳

■ ام سلیم رمیصاء مادر انس بن مالک رضی الله عنه در حالی اسلام آورد که انس کوچک بود و هنوز از شیر گرفته نشده بود و به انس تلقین می‌کرد که بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، بگو: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، انس هم چنین گفت.^۴

■ از ابراهیم تیمی رضی الله عنه روایت شده که: مردم مستحب می‌دانستند هنگامی که کودک زبان می‌گشود هفت بار به او "لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" را یاد دهند لذا این،

۱. به روایت ابو داود (۱۴۲۵) با تصحیح آل‌بانی.

۲. به روایت ترمذی (۲۶۹۸) و آل‌بانی آنرا حسن دانسته است.

۳. به روایت ابن ماجه (۶۱) با تصحیح آل‌بانی.

۴. سیر أعلام النبلاء (۳۰۵/۲).

اولین چیزی بود که بر زبان کودک گفته می‌شد.^۱

تربیت ایمانی کودک:

از مهمترین موضوعات تربیت از لحاظ محتوا، تربیت ایمانی کودک است چرا که مبتنی بر شکل‌دهی عادت‌های نیک، نهادینه کردن عقیده صحیح در اعماق ذهن و قلب او، جهت‌دهی او به سوی اخلاق والا و فعال کردن آن در تمام رفتارهایش است،^۲ در این مرحله‌ی سنی است که کودک، ساختمان چشم‌انداز خود به جهان را بنا می‌کند و از ره‌گذر آن، رفتار، اخلاق و برخورد‌هایش را پایه‌گذاری می‌کند و بر حسب تحقق آنها در دنیای واقعی کودک، سعادتش در دنیا و میزان رستگاری‌اش در آخرت رقم می‌خورد، و از آنجا که این امر وظیفه‌ی پدران و مادران است قرآن آن را یادآور شده و می‌فرماید: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ﴾ {خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می‌کند} {نساء: ۱۱}، و حتی پیامبر ﷺ بر آن تصریح نموده و فرموده است: « مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يَهُودًا نِهْ أَوْ يُنَصِّرَانِهْ أَوْ يُمَجَّسَانِهْ » {هر نوزادی بر فطرت سالم (اسلام) به دنیا می‌آید اما والدینش، او را یهودی، نصرانی یا مجوسی (زرتشتی) بار می‌آورند}. این حدیث بیانگر چند امر است از جمله:

۱. مصنف عبد الرزاق (۷۹۷۷).

۲. منهج الإسلام فی تربية عقيدة الناشئ از محمد خیر فاطمه ص ۲۰۱.

۱- ایمان در انسان فطری است و هر کس از ایمان روی گرداند در واقع به یکی از آفت‌های بشری روی آورده است.

۲- حدیث یادشده، مسئولیت پدر و مادران و نقش مهم آنان در تربیت را بیان داشته است.

۳- به تأثیر محیط در تربیت اشاره کرده است.^۱

از فضل و لطف خداوند بر انسان اینست که قلب او را در اوایل تولدش بدون نیاز به هیچ دلیل و برهانی به روی ایمان گشوده است،^۲ بر همین اساس بر پدران لازم است که به بهترین صورت، اقدامات پیشگیرانه را انجام دهند تا فطرت کودک آلوده نگردد و می‌باید این فطرت را پاکسازی کنند و فرزندان‌شان را بر اساس دین صحیح مبتنی بر نصوص قرآن و سنت تربیت نمایند و بر تربیت محیطی که مفاهیم خود را از محیط می‌گیرد تکیه نکنند چرا که اسلام تقلیدی و ارثی، فرزندان را از انحراف در عصر بی‌محدودیت و دهکده‌ی جهانی حمایت نمی‌کند و مانع ذوب شدن هویت و ضعف شخصیت نمی‌شود.

براستی که قلب پاک کودک، جواهری بدون نقش و نگار است و قابلیت هر نقش و نگاری را دارد لذا اگر خیر و علم بدان وارد شود کودک بر آن پرورش یافته و در دنیا و آخرت خوشبخت می‌گردد و پدر و مادر و همه‌ی معلمان و مربیان او نیز در پاداش آن شریک هستند اما اگر نادیده گرفته شود و شر و بدی بدان قلب وارد شود به بدبختی و هلاکت درمی‌افتد و بار گناه آن بر دوش

۱. تطور الشعور الدینی لدى الأطفال و المراهقین از استاد دکتر محمد خطیب ص ۴.

۲. إحياء علوم الدین از ابو حامد غزالی (۹۴/۱).

سرپرست او نیز قرار می‌گیرد^۱ چرا که بهترین اصلاح چیز است که در خردسالی انجام می‌پذیرد اما اگر کودک به حال خود رها شود و در نتیجه‌ی آن به انحراف درافتد اصلاح او در بزرگسالی دشوار خواهد بود.^۲

کودکی که در خانواده‌ای متدین و پایبند به آموزه‌های اسلامی صحیح پرورش می‌یابد از پدر و مادرش در همه چیز تقلید می‌کند و مفاهیم خاص خود را از طریق پدر و مادرش شکل می‌دهد، البته افرادی را می‌یابیم که مفاهیم شرعی را به روشی شدید و سفت و سخت به کودکان خود ارائه می‌دهند که نتیجه‌ای عکس بر آنها می‌گذارد، کما اینکه هرگاه کودک در حالی پرورش یابد که پدر و مادرش پایبند به آموزه‌های شرعی نباشند دشوار خواهد بود که در آینده به دین روی بیاورد و مجذوب آن گردد چرا که در کودکی اش اثری از دیدن ندیده است لذا هیچ رویکرد دینی‌ای در او شکل نگرفته است.^۳

رشد دینی در کودکان:

دین نزد کودک با یک اندیشه یعنی اندیشه وجود خدا آغاز می‌شود سپس دیری نمی‌پاید که اندیشه‌های دیگری همانند آفرینش، آخرت، فرشتگان و شیاطین در کنار اندیشه وجود خدا هویدا می‌گردد، جلوه‌های رشد دینی در کودکی با چهار ویژگی متمایز می‌گردد:

۱. إحياء علوم الدين از ابو حامد غزالی (۷۲/۳).

۲. بنگر به: الطب الروحاني از ابن جوزی ص ۶۰.

۳. المربون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۲۹-۳۰.

الف: واقع‌گرایی: چنانکه کودک لباسی از واقع محسوس به مفاهیم دینی‌اش می‌پوشاند و هرچه بیشتر رشد کند حقیقت را بیشتر درک می‌کند و آن را در مرحله نوجوانی بیشتر مورد اهمیت قرار می‌دهد.

ب: ظاهرگرایی: اینگونه که کودک از عبادت کردن و دعا نمودن بزرگترها تقلید می‌کند بدون اینکه معنای آن را درک نماید یا احساس تعالی معنوی کند، لذا مربی می‌بایست که از تمایل کودکان در این مرحله استفاده نماید تا ارکان اسلام، اخلاق اسلامی، ارکان و اثرات ایمان را به کودکان یاد دهد.

ج: منفعت‌طلبی: چنانکه کودک، خوش‌حالی پدر و مادر، معلم خود و اطرافیانش را بخاطر انجام برخی عبادات درک می‌کند لذا آن عبادت را بدین خاطر انجام می‌دهد که او را دوست بدانند و یا آنرا به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به برخی منافعش یا دفع تنبیه برای اشتباه خود بکار می‌گیرد.

د: تعصب: چنانکه کودک بخاطر نیاز غریزی و فطری‌اش به وابستگی و ولاء برای دینش تعصبی درونی دارد و بالاترین صورت وابستگی، ولاء برای خداوند است.^۱

بر اساس آنچه گذشت اهمیت تمرکز بر تربیت ایمانی را درک می‌کنیم و درمی‌یابیم که پدر و مادرها و مربیان می‌بایست با جدیت برای نزدیک‌سازی ایمان به کودکان تلاش نمایند بویژه در این دوره که فتنه‌ها و بازدارنده‌های منفی زیاد شده و اسلوب‌های متنوع گشته است. از مهمترین اموری که باید

۱. تطور الشعور الدینی لدى الأطفال و المراهقین از دکتر محمد خطیب ص ۶.

والدین انجام دهند عبارتند از: اول: پالودن فطرت در نفس کودک، که در آموزش توحید به کودک جلوه‌گر می‌شود، دوم: استوارسازی ایمان با بیان ارکان شش‌گانه ایمان، که بر نهادینه کردن دوست داشتن الله و پیامبرش و آموزش قرآن مبتنی می‌باشد.^۱

بنابراین وجود فطرت دینی نهفته در نفوس به پدر و مادرها کمک می‌کند که وظیفه تربیتی خود را به انجام برسانند چرا که فطرت به‌غریزه دینداری اشاره دارد، و این غریزه همانند سایر غرایز دیگر تغییرناپذیر است اما جهت‌دهی‌پذیر و توسعه‌پذیر می‌باشد و می‌توان این فطرت را در صورت‌های مختلفی جز آن صورتی که بخاطر آن آفریده شده استفاده کرد. در حالی که اسلام به جهت‌دهی نمودن فطرت به آن سمتی فرا می‌خواند که بخاطرش آفریده شده است.^۲

از مهمترین اموری که می‌بایست کودک مسلمان بر اساس آن پرورش یابد ارکان شش‌گانه ایمان و مهمترین آنها ایمان به خداوند است چرا که ایمان به خدا و دوست داشتن اوست که پس از حاصل شدن آن، سایر ارکان ایمان را به دنبال می‌آورد، و الله متعال دوست داشتن خویش را از استوارترین ضوابط ایمان و تسلیم‌پذیری برای خود قرار داده است، بدین معنا که محبت و دوست

۱. بنگر به: *تربیه الطفل فی الإسلام* از سیما ابو رموز ص ۴۸، و نیز بنگر به: *دور الأنشطة غیر الصفیه فی تنمیه حب النبی ﷺ* لدى التلمیذات المرحلة الذبتدائیة از فوزیه بقمی ص ۷۶.
۲. *الطریق ذلی العبقریة* از مقداد یالجن ص ۳۹ و بنگر به: *تطور الشعور الدینی لدى الأطفال و المراهقین* از دکتر محمد خطیب ص ۴.

داشتن خداوند برای عبادت او و دشمنی با دشمنانش لازم می‌باشد و واجب گردانده که این محبت فراتر از هر محبوبی در دنیا باشد، چنانکه می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾

(توبه: ۲۴) {بگو اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناکید و سراهایی را که خوش می‌دارید نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست داشتنی‌تر است پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را (به اجرا در) آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند}، و اولین صفت بندگانی که از آنان راضی است را محبت و دوست داشتن خدا از سوی آنان معرفی نموده است و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴) {ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد به زودی خدا گروهی (دیگر) را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند (اینان) با مؤمنان فروتن (و) بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند این فضل خداست که آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست}، و بیان داشته که توحید خالصانه جز با یگانه دانستن خداوند در محبت مطلق ممکن نمی‌باشد

چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ {و برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی (برای او) برمی‌گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند} (بقره: ۱۶۵)، عبادتی که الله متعال ما را بخاطر آن آفریده بالاترین مرتبه محبت و دوست داشتن است چرا که اصل و روح توحید، خالص گردانیدن محبت برای الله است و این، اصل خداپرستی می‌باشد بلکه حقیقت عبادت است و توحید، کامل نمی‌شود تا اینکه محبت بنده به پروردگار کامل گردد و بر تمام محبت‌ها و دوست داشتن‌ها پیشی بگیرد و بر آنها چیره باشد به گونه‌ای که سایر امور دوست داشتنی بنده، تابع این دوست داشتن و محبتی باشد که سعادت و رستگاری او در گرو آن است.^۱

این محبت مبتنی بر ایمان از بزرگترین وسایل اصلاح رفتار فرزندان و استوارسازی آنان بر دین اسلام و طاعت خدا و رسولش است، پس هر کس که نهال محبت خدا و رسولش در قلب او کاشته شود در عقیده، عبادت و اخلاقش بر مسیر راست و درست است و هر اندازه در برخی مسائل و جزئیات به انحراف برود و هر اندازه غفلت ورزد اما محبتی که در باطن اوست حتماً وی را باذن الله بر مسیر پایداری و راه راست می‌آورد^۲ چرا که محبت دارای بازدارنده‌هایی درونی است نه اینکه فقط محدود به بیرون باشد.

۱. القول السدید شرح کتاب التوحید از عبدالرحمن سعدی ص ۱۲۸.

۲. التریبۃ العقائدیة از محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح.

چشم‌اندازی که عقیده اسلامی برای هستی ارائه می‌دهد بواسطه موافقت آن با فطرت و طبیعت انسان و نیز بواسطه سازگاری اش با عقل سلیم و متناقض نبودن با آن متمایز می‌گردد،^۱ همچنین با مزیت‌هایی متمایز می‌گردد که در هیچ عقیده دیگری یافت نمی‌شود چنانکه نظام‌های فکری، عقیدتی، ارزشی و تشریحی در آن به تکامل رسیده است، چونکه نظامی فکری و عقیدتی است که تفسیری همه‌جانبه از آغاز هستی، سرانجام آن و حقایق درون و ماورای آن ارائه می‌دهد و همچنین تفسیری برای آغاز و پایان زندگانی انسان بیان می‌دارد سپس هدفی که هستی بخاطر آن آفریده شده و هدفی که انسان برای تحقق آن خلق گردیده را مشخص می‌نماید و بدین گونه به سؤالات وجودی انسان که می‌بایست به سبب طبیعت عقلی او بدان‌ها پاسخ داد پاسخ می‌دهد چنانکه انسان نمی‌تواند در این زندگانی به آرامش برسد مادامی که جواب‌هایی کافی و شافی به این سؤالات نیابد و بدان‌ها اطمینان حاصل نکند در غیر این صورت در حیرتی دائمی و نگرانی پیاپی زندگی خواهد کرد زیرا معنا و مفهومی برای این زندگانی نیافته است.^۲

نتایج تربیت ایمانی:

نتایج چندی هست که شخص تربیت‌یافته‌ی ایمانی برمی‌گیرد عبارتند از:
اول: اقدام و شتاب در انجام امور خیر، یعنی شخص هر دروازه‌ای را می‌کوبد که او را به رضایت و رحمت خداوند نزدیک می‌سازد.

۱. تربية الطفل في الإسلام از عبدالسلام فندی ص ۱۰۱.

۲. الطريق ذلی العبقرية از مقداد یالجن ص ۶۷-۶۸.

دوم: تقویت مانع درونی؛ چرا که ایمان زنده است که رفتار انسان را کنترل و ضابطه‌مند می‌گرداند.

سوم: زهد و پارسایی در دنیا: چنانکه قلب شخص به دنیا وابسته نمی‌شود و نمی‌گذارد که دنیا، محور توجهات و اساس برخوردهایش گردد.

چهارم: تأیید الهی، چنانکه الله متعال کار و بار بنده‌اش را عهده‌دار می‌شود طوری که مصلحت حقیقی او را برایش تحقق می‌سازد و سعادت دنیا و آخرت را به او ارزانی می‌دارد.

پنجم: روی نهادن به الله؛ زیرا هر اندازه ایمان افزایش یابد اعتماد بنده به خداوند، تمایلش به او و رویگردانی‌اش از مردم افزایش پیدا می‌کند.

ششم: محو ظواهر منفی و اندک شدن مشکلات میان افراد؛ زیرا هر اندازه که ایمان در قلب‌ها افزایش یابد تأثیر هواهای نفسانی بر آن کاهش پیدا می‌کند، اراده قوی می‌گردد و صاحب آن را به سوی اخلاق نیکو و والا سوق می‌دهد.

هفتم: تأثیر مثبت در مردم؛ زیرا مؤمن قوی برای اصلاح نفس خود و اصلاح اطرافیانش تلاش می‌کند.

هشتم: احساس آرامش و اطمینان؛ زیرا هر اندازه این اعتماد ایمانی در قلب بنده جای‌گیر شود هراس‌هایی که مردم را می‌ترساند از او زدوده شده و از بین می‌رود.^۱

۱. بنگر به: نظرات فی التربية الإيمانية از مجدی هلالی ص ۱۶.

محورهای تربیت ایمانی

بر پدران واجب است اموری را به فرزندانشان آموزش دهند که ایمان آنان را رسوخ ببخشد، رفتار و اخلاق شان را راست و درست گرداند و احساس آنها به منتسب بودن به امت محمد صلی الله علیه و آله را تقویت نماید، و در پیشگام این امور می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آموزش ارکان شش گانه ایمان، و ایمان مجمل و کلی به اینکه شریعت، همه جانبه است و با فطرت و طبیعت انسانی سازگار می باشد البته باید از تلقین صوری این امر که فاقد روح ایمان است دوری جست و توجه نمود که این امر به روشی عملی که دل ها را بیدار می کند، عقل ها را به حرکت می اندازد و رفتار را پالایش می کند انجام پذیرد.

۲- تربیت فرزندان بر محبت پیامبر، اهل بیت او، همسران و اصحابش بدون غلو و بی انصافی در مورد آنان.

۳- تربیت فرزندان بر بزرگداشت دین و شعائر آن، و بر حذر داشتن آنها از سبک شمردن، توهین و بی تفاوتی نسبت بدان.^۱

۴- فرزندان را آموزش دهند که ایمان واجب جز با اعمال صالح کامل نمی شود و ایمان با طاعت و عبادت افزایش می یابد و با گناه کاهش پیدا می کند چرا که تربیت ایمانی صحیح، ضروری است تا که نتیجه و اثرش

۱. بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۵۳ و بعد از آن.

در اخلاق، رفتار و عبادت شخص ظاهر گردد.^۱

۵- نهادینه کردن ایمان به روز آخرت و بزرگداشت آن در نفوس کودکان و پیوند دادن جزاء در آن به اعمالی که شخص در دنیا انجام می‌دهد، چنانکه هر کس نیکوکار باشد به بهشت می‌رود و هر کس بدکار باشد رهسپار جهنم می‌گردد.

۶- تأکید بر مراقب دانستن خداوند بر بندگان، و اینکه خدا آنان را می‌بیند و صدایشان را می‌شوند و هیچ چیزی از حال و وضع آنها از وی پنهان نیست.

۷- تعمیق و ریشه‌دار کردن این احساس که او بر حق است زیرا این امر سبب می‌شود با چنگ و دندان دینش را بگیرد و از دست ندهد.^۲

اسلوب‌های تربیتی برای کاشتن نهال ایمان:

می‌توان این اسلوب‌ها را به دو مرحله تقسیم‌بندی کرد، نخست پیش از سن تمییز^۳ و دوم مرحله‌ی پس از آن است.

۱. در موضوع عبادت می‌توان از کتاب: ملامح السعادة فی تربية الطفل علی العبادة اثر دکتر عبدالمجید بیانونی و نیز البناء العبادی من کتاب منهج التربية النبویة للطفل از محمد سوید ص ۲۵۰ استفاده کرد.

۲. بنگر به: التربية العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح، و نیز آراء ابن الجوزی التربویة از لیلی عطار ص ۳۲۴-۳۳۷.

۳. سن تمییز از کودکی به دیگری متفاوت است و علامت آن، تمییز و تشخیص دادن نفع و ضرر و فهم و درک سخنانی است که به کودک گفته می‌شود. بنگر به: الأسرة و دورها فی تنمية القيم الإجتماعية لدى الطفل فی مرحلة الطفولة المتأخرة از حسین عزیزی ص ۱۷.

از اموری که به نهادینه کردن ایمان پیش از سن تمییز کمک می‌کند عبارتست از:

۱- توضیح نام‌های دارای پیشوند عبد که در محیط خود می‌شنود همچون عبدالله، عبدالرحمن و عبدالکریم و تلاش برای توضیح دادن کلی معانی آنها، همچنین توجه‌ورزی به شنیدن اذان از سوی او و یاد دادن اذکار روزانه و دعاها به او و مداومت بر آنها و ذکرشان در حضور خود وی،^۱ و نیز یادآوری کردن نعمت‌های خداوند به کودک به ویژه هنگام غذا خوردن، چونکه غذا خوردن زیاد تکرار می‌شود، و آموزش بسم الله گفتن به وی در آغاز غذا خوردن و الحمدالله گفتن در پایان غذا.

۲- حفظ کردن برخی سوره‌های قرآن به کودک همراه با فهماندن این مسئله که قرآن، کلام الله است و اولین سوره‌هایی که به او یاد داده می‌شود فاتحه، اخلاص، فلق و ناس باشد. همچنین برخی اشعار و اناشید را می‌توان به او حفظ کرد تا بدین گونه معانی و مفاهیم ایمان صحیح را به کودک یاد داد.^۲

۳- بهتر است که نام خداوند **جَلَّ جَلَالُهُ** در مواقع شادی و خوشحالی برای کودک گفته

۱. می‌توان از کتاب حصن المسلم از سعید قحطانی و نیز کتاب اذکار الطفل المسلم از محمود حصری استفاده کرد.

۲. برای اهمیت انا شید در زندگی کودک بنگر به: القيم الدينية و الأخلاقية في أنا شيد الأطفال از قحطان بیرقدار، شبكة الألوكة، تاریخ انتشار: ۱۴۲۹/۱۱/۲۵ هـ و نیز أهمية الأنا شيد في العملية التعليمية و أهداف تدریسها از امجد قاسم، سایت آفاق علمية و تربوية، تاریخ انتشار ۲۰۱۳/۶/۱۲ م و همچنین الأنا شيد و دورها في تربية الطفل المسلم از رفعت مرصفي، سایت رابطة أدباء الشام، تاریخ انتشار: ۲۰۱۳/۱/۵ میلادی.

شود و می‌بایست در سن کودکی، نام الله را با خشونت و تنبیه همراه ساخت پس نباید زیاد از خشم، عذاب و آتش جهنم الله سخن نگفت.

۴- ارشاد کودک به زیبایی در آفرینش، قدرت و دقت هستی تا که میزان عظمت و قدرت خالق را احساس کند و الله را دوست داشته باشد چرا که الله او را دوست دارد و همه مخلوقات را مسخر او گردانیده است.

۵- آموزش دادن کودک بر آداب رفتاری و عادت دادنش به مهربانی، همکاری، آداب گفتگو و گوش فرا دادن، و کاشتن نهال الگومداری اسلامی از طریق الگوی نیک؛ امری که سبب می‌شود کودک در فضایی زندگی کند که فضیلت بر آن حاکم است در نتیجه، هر خوبی و خیری را از اطرافیانش بر می‌گیرد.^۱

اما پس از سن تمییز: اسلوب‌های دیگری به موارد یادشده اضافه می‌شود که تأمل و اندیشیدن در آنها برجسته است از جمله:

۱- آموزش دادن میزان عظمت این جهان، آفرینش دقیق و نظم شگفت‌انگیز آن به کودک، تا که به بزرگداشت الله متعال روی بیاورد، الله می‌فرماید:

﴿صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (نمل: ۸۸) {این صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است}.

۲- یادآوری حکمت‌های خداوند در افعال و در مخلوقاتش تا که کودک، الله را

۱. بنگر به: التربية العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح و نیز بنگر به: التربية الدينية للأطفال از خوله درویش، سایت صید الفوائد، همچنین بنگر به: أطفال المسلمین کیف رباهم النبی الامین از جمال عبدالرحمن ص ۴۰.

دوست بدارد و او را حمد و ستایش کند همانند حکمت آفرینش شب و روز، خورشید و ماه، آفرینش حواس: شنوایی، بینایی، زبان و امور دیگر. **اللَّهُ جَلَّالٌ** می فرماید: **﴿أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾** {آیا در خودشان به تفکر پرداخته اند خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده است} {روم: ۸}.^۱

۳- استفاده از فرصت‌های پیش آمده برای جهت‌دهی و ارشاد کودک از طریق رویدادهای جاری با شیوه‌ای حکیمانه که خیر و خوبی را برای او، دوست‌داشتنی و شر و بدی را نزد او، نفرت‌انگیز می‌سازد. مثلاً: هرگاه بیمار شود قلبش را به خداوند وابسته می‌گردانیم و به او دعا را یاد می‌دهیم و حسن ظن (گمان نیک) و رقیه شرعی را به او می‌آموزیم. و هر زمان که شیرینی یا میوه‌ای که می‌خواهد به او می‌دهیم شکر این نعمت را از او می‌خواهیم و برایش بیان می‌داریم که از الله متعال است، البته پدر و مادر باید از آموزش دادن مفاهیم ایمانی به او در هنگام رویدادهایی که به نسبت کودک دردناک است دوری نمایند چرا که او، قدرت و آگاهی کامل برای تمییز (تشخیص) را ندارد.^۲

۱. بنگر به: التریبۃ العقائدیة از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح و نیز بنگر به: مختصر الصواعق المرسلۃ از ابن قیم ص ۲۲۶ که سخنان زیبایی درباره حکمت خداوند در بین مخلوقاتش زده است، همچنین می‌توان از کتاب عجایب خلق الله از عمر اشقر استفاده کرد.

۲. غرس اصول الإیمان فی نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۶۵، ۶۹.

۴- می‌بایست برای عادت دادن کودکان به عادت‌های اسلامی، به انجام عملی آن پردازیم لذا برای مربی شایسته است که با رفتار خود، نمونه و الگویی نیک ترسیم کند که کودک به او اقتدا نماید چرا که پیوند دادن میان دین و ارزش‌های اخلاقی از طریق رفتار و برخورد باعث می‌شود که تربیت ما به تربیتی صادقانه و عاری از نظری بودن صرف بدل گردد.^۱

۵- استفاده از داستان‌های هدفمند برای تغذیه‌ی کودکان با امور مطلوب و دوری آنها از امور نامطلوب، و می‌بایست داستان را بصورتی نمایشی و تأثیرگذار ارائه کرد همراه با بیان رویکردها و ارزش‌هایی که داستان در بردارد و از طریق اناشید (سرود بدون موسیقی) صورت پذیرد که می‌تواند نهال الگوی والا و اخلاق نیکو را در وجود کودک بنشانند، همچنین می‌توان کودک را با پیامبر ﷺ از طریق بیان سیره وی آشنا نمود تا او را دوست بدارد و از او اطاعت کند، بویژه اموری که مرتبط به کودکی پیامبر ﷺ است و نیز برخوردهای وی با کودکان و مهربانی ورزیدن او به آنان، توصیف هیئت و شمایل وی و بیان مواضع اخلاقی و الایش، همچنین می‌توان داستان‌های صحابه، مادران مؤمنان و اهل بیت علیهم‌السلام را به کودک گفت.^۲

۱. بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۳۷۹.
۲. بنگر به: طفل یقرأ از دکتر عبدالکریم بکار ص ۶۷ که گام‌هایی عملی برای فن قصه‌گویی به کودکان بیان داشته است، و نیز می‌توان از کتاب (أعظم انسان عرفته البشرية) از هشام برقش ص ۱۴۳ استفاده نمود، و بنگر به: کیف نزرع حب الحبيب صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فی الناشئة از امینه دراعو ص ۳۳-۳۶ و نیز بنگر به: خمسون موقفا للنبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مع الصغار از دکتر ابراهیم ودعان، و همچنین می‌توان از کتاب (رجال و نساء حول الرسول للأطفال) از سید مبارک استفاده کرد.

۶- میانه‌روی در تربیت دینی کودکان و تحمیل نکردن اموری که بیش از توان آنها است، پس فراموش نکنیم که بازی و سرگرمی، دنیای اصلی کودک را شکل می‌دهد لذا او را با اموری که خلاف رشد طبیعی و روانی اوست آزار ندهیم، اینگونه که تکالیف سنگین بر دوش او بگذاریم و در زیاد مانع‌تراشی نماییم که کودک را از نیازهای اساسی اش محروم می‌گرداند چرا که غلو و زیاده‌روی در این کار و انتقاد بسیار کردن، به منفی‌گرایی و احساس گناه می‌انجامد، و معمولاً این امر برای فرزند اول خانواده پیش می‌آید چنانکه برخی پدران، حماسی و احساسی رفتار می‌کنند تا نمونه‌ای از انسان کامل را از فرزند خود بسازند.

۷- می‌بایست کودک را بر صفت خودش رها نماییم و دخالت پیاپی از سوی بزرگترها بر او نباشد، بدین معنا که فعالیت‌هایی برای کودک مهیا شود که زمینه را برای استعدادیابی او و درک محیط پیرامونش فراهم می‌آورد و این امر سبب می‌شود که توانایی‌ها و استعدادات کودک هویدا گردد.

۸- تشویق کودک، تأثیر نیکی در نفس او بر جای می‌گذارد و او را به نهایت تلاش جهت انجام عمل مطلوب تشویق می‌نماید، و هر اندازه که کنترل رفتار کودک و جهت‌دهی و ارشاد او مبتنی بر محبت و ثواب باشد به کسب رفتار درست به‌صورتی بهتر می‌انجامد، و باید به کودک کمک کرد که حقوق خود را یاد بگیرد تا بایدها و نبایدها را و امور درست و نادرست را بشناسد البته باید احساس کرامت و جایگاه را به کودک داد و همراه با کنترل درست

و دوری از لوس کردن او باشد.^۱

۹- کاشتن نهال احترام به قرآن کریم و بزرگداشت آن در قلب کودک، تا مقدس بودن آنرا احساس کند و به اوامر آن پایبند گردد البته با اسلوبی ساده و جذاب باشد، تا که کودک بداند اگر تلاوت را به نیکی ادا کند به درجه فرشتگان نیکمنش می‌رسد و عادت می‌کند که به ادب تلاوت - از استعاذه گرفته تا بسم الله گفتن و احترام به قرآن و با دقت گوش دادن - حریص باشد و کودک را بدینگونه به شنیدن آیاتی از قرآن عادت می‌دهیم چرا که این امر توانایی‌های لغوی او را افزایش می‌دهد و او را به خواندن تشویق می‌کند، همچنین می‌توان تفسیر برخی آیاتی را که در بردارنده مفاهیمی عقیدتی هستند از میان سوره‌هایی که حفظ می‌کند به او یاد داد همانند فاتحه، اخلاص، فلق و ناس. و نیز می‌توان داستان‌های قرآن کریم را بصورتی ساده و قابل فهم و بصورت مکرر و با شیوه‌های مختلف برای کودک بیان نمود.^۲

۱۰- می‌توان از شیوه سؤال و جواب هم بهره گرفت، و حریص باشیم که سؤال، دربرگیرنده معلوماتی باشد که خواستار رساندن آنها هستیم و جواب نیز در کلماتی بسیار مختصر ارائه شود و متناسب با سن و سال و سطح درک کودک باشد، زیرا تأثیر زیادی در دستیابی کودک به ارزش‌ها، اخلاق نیک و

۱. بنگر به: البناء النفسی و الوجدانی از دکتر صلاح عبد الرازق ص ۹.

۲. بنگر به: التربية الدينية للأطفال از خوله درویش، سایت صید الفوائد و بنگر به: کیف أجیب عن أسئلة طفلی و أحاوره از دکتر سلوی مرتضی ص ۱۰۸.

تغییر رفتارش به سوی بهتر شدن دارد.

۱۱- همچنین می‌توان به آموزش از طریق بازی با رنگ‌ها پرداخت چنانکه عکس مورد نظر که می‌خواهیم رنگ شود شامل مفاهیمی ایمانی باشد و در هر بار متنوع می‌گردد، و نیز می‌توان کودک را از طریق مسابقه‌ها که مجال گسترده و متنوعی دارند آموزش داد و بهتر است که مسابقات، حرکتی و پُر جنب و جوش باشد چون کودک آن را دوست دارد و به آن واکنش مثبت نشان می‌دهد.^۱

۱۲- برای کودک، برخی احادیث اعتقادی یا بخشی از آنها را متناسب با سطح اندیشیدن او با شیوه‌ای ساده، دوست‌داشتنی و مختصر شرح می‌دهیم که در حد فهم او باشد،^۲ همچنین می‌توان او را از طریق تکرار عبارت‌هایی که موجب رشد ایمان است آموزش داد تا که در درون او نهادینه شود سپس او بصورت خودکار آنها را بکار گیرد همانند: «بر الله توکل کن» «الله بر هر چیزی توانا است»، و می‌توان با کمک پدر و مادر و مربی کاری کرد که کودک به تزئین اتاق خوابش با عبارت‌ها و جملاتی ایمانی بپردازد همانند: «من مسلمانم»، «من پروردگارم را دوست دارم»، «ارکان ایمان»، اینها وسایلی

۱. بنگر به: الإرتقاء بالأسرة فی تعظیم محبة النبی الأمة ﷺ ص ۵.

۲. می‌توان از کتاب (منهاج الطفل المسلم) از محمود حصری و نیز احادیث للأطفال (للحضنة و المعلمین و المربین) و همچنین شرح عشرة احادیث للأطفال که هر دو در شبکه الوکة نشر شده‌اند و نیز منهج التربية النبویة للطفل از محمد سوید ص ۴۱۸ استفاده نمود.

آموزشی هستند که با مشاهده بسیار، در ذهن کودک نقش می‌بندد.^۱

۱۳- اینکه به کودک بیاموزیم بلا از هیچ کس به دور نیست بلکه خداوند همه مردم را در این دنیا با بعضی مصیبت‌ها و محنت‌ها دچار بلا و آزمایش می‌کند، و به او یاد دهیم که الله هیچ چیزی را جز برای حکمتی رسا مقدر نمی‌سازد، و در وجود او این را نهادینه کنیم که جلب کننده‌ی نفع و دفع کننده‌ی ضرر فقط الله است و اینکه رحمت خدا بر خشم او پیشی گرفته است، و نیز برای او شرح دهیم گشایش همیشه پس از مصیبت می‌آید و این، سنتی همیشگی است، و در او حسن ظن (گمان نیک) به الله را تقویت کنیم زیرا این نیز عبادت است در نتیجه در او این مسئله را جایگیر نماییم که انتخاب الله بهتر از انتخاب‌های ما برای خودمان است، و به او یاد دهیم که انسان می‌بایست به صبر آراسته گردد و در برخورد با مصیبت‌ها، اسباب شرعی را بکار ببندد و به رضایت آراسته شود و پاداش آن را از خداوند بخواهد و در آخر، چنگ زدن و مداومت بر دعا را به او یاد دهیم چرا که دعا همیشه برای بنده تجارت سودمندی است.^۲

۱. بنگر به: کیف تعلم العقيدة للأطفال از هیا صنیع، سایت صید الفوائد و نیز بنگر به: أطفال المسلمین کیف رباهم النبی الامین از جمال عبدالرحمن ص ۱۴۳.

۲. بنگر به: قواعد فی تلقی المصائب از سایت دکتر عمر مقبل، تاریخ انتشار: ۲۰۱۴/۱۲/۳ م و نیز بنگر به: حال الإنسان عند حلول المصيبة از ظافر آل جبعان، سایت صید الفوائد.

ابزارهای تربیتی:

از مهمترین ابزارهای تربیتی که به کاشتن نهال ایمان در نفس کودک کمک می کند عبارتست از:

۱- **الگوی نیک:** الگوی نیک از مهمترین و تأثیرگذارترین اسلوبها برای نفس

کودک قلمداد می شود و پیامبر ﷺ اهمیت الگو در زندگی کودک را یادآوری

نموده است چنانکه در حدیث عبدالله بن عامر رضی الله عنه آمده است: «مادرم

روزی مرا صدا زد و رسول خدا نزد او بود، گفت: عبدالله بیا تا چیزی به تو

بدهم. پیامبر ﷺ فرمود: **می خواهی چه چیزی به او بدهی؟** گفت:

خواستم به او خرما بدهم، فرمود: **«تو اگر چیزی به او ندهی یک دروغ بر**

تو نوشته می شود»،^۱ در روایت دیگری آمده است که: «هرکس به کودکی

بگوید بیا چیزی به تو بدهم اما چیزی به او ندهد دروغگوست».^۲

بنابراین الگو، اسلوبی فعال و پویا است و در حدیث یادشده بر اهمیت صدق

و راستی بویژه با خردسالان تصریح شده است.^۳

۲- **پند و اندرز صادقانه:** پند و اندرز می تواند با صورت های بسیاری ارائه

۱. به روایت ابو داود (۴۹۹۱) و آلبانی آن را حسن دانسته است.

۲. به روایت امام احمد (۹۶۲۴) و آلبانی آن را حسن دانسته است.

۳. بنگر به: دور البیت فی تربية الطفل المسلم از خالد شنتوت ۲ ۳۰ و نیز بنگر به: منهج

التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۹۰ و بنگر به: السنة النبوية رؤية تربوية از دکتر سعید

علی ص ۳۵۶ و همچنین: أسالیب الرسول ﷺ فی تربية الأسرة المسلمة از شافع حمادی ص ۳

و بنگر به: تربية الشباب الأهداف و الوسائل از دکتر محمد دویش ص ۳۰ و بنگر به: خمسون

موقفا للنبي ﷺ مع الصغار از دکتر ابراهیم ودعان ص ۹.

شود، یا اینکه با اسلوب مستقیم و معمول ارائه شود، یا از طریق ضرب‌المثل، یا در میان داستانی گفته شود، یا با اسلوب گفتگو و موارد دیگر، و ما می‌بایست به گونه‌ای کودک را پند و اندرز دهیم که خسته نشود.^۱

۳- تشویق و تنبیه: و ممکن است که از این دو اسلوب با نام ثواب و عقاب (پاداش و مجازات) تعبیر شود و این اسلوب از بارزترین اسلوب‌های عاطفی بشمار می‌رود چنانکه به شکل مستقیم با فطرت انسان تماس پیدا می‌کند که خداوند او را بر آن سرشته است یعنی دوست داشتن سودرسان و تنفر از زیان‌رسان. البته می‌بایست که این امر با عدالت، حق و بدون افراط و تفریط باشد، کودک دارای نفس لطیف و نازک است لذا نباید او را ترساند چرا که ممکن است تأثیر عکس بر نفس او بگذارد بنابراین باید جنبه تشویق چیره باشد زیرا کودک در این مرحله از عمر خود به تشویق بیشتر از تنبیه و ترساندن نیازمند است.^۲

۴- تمرین، عادت دادن و اجرا: عادت دادن کودک به اینکه بر کسب رضایت الله متعال، ترس و شرم از او و اعتماد و تکیه کردن بر خداوند در همه حال

۱. بنگر به: السنة النبوية رؤية تربوية از دکتر سعید علی ص ۳۷۰ و همچنین می‌توان از کتاب مواظب الصحابة از دکتر عمر مقبل استفاده کرد.

۲. غرس أصول الإيمان فی نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۱۲۵ و بنگر به: دور البيت فی تربية الطفل المسلم از خالد شنتوت ص ۲۵ و نیز أسالیب الرسول فی تربية الأسرة المسلمة از شافع حمادی ص ۱۹.

حریص باشد و بداند که تمام امور به دست الله است، قدرت و صلابتی به او می‌بخشد که بوسیله آن در برابر هر مصیبتی پایداری می‌ورزد و رضایت و یقینی به او ارزانی می‌دارد که قلبش با آن آرام می‌گردد و نفسش با آن مزه‌ی سعادت را می‌چشد.

۵- تکرار: اسلوبی است که علم حدیث و تجربه‌های بسیار بر مفید بودن آن

در آموزش و نهادینه کردن علم در نفس انسان تأکید نموده است.^۱

۶- گفتگو و مناقشه: گفتگو با کودک دایره‌ی درک او را گسترش می‌دهد و

کرانه‌های شناخت را به روی او می‌گشاید اما می‌باید که در حین گفتگو به

نظر کودک و خود او احترام گذاشت، به نیکی به او گوش فرا داد و به آرامی

با او گفتگو کرد، برای این که گفتگو به ارتباطی موفق و پویا با کودک

بینجامد می‌توان مابین گفتگو به تربیت و ارشاد کودک پرداخت.^۲

۷- کتاب: وجود کتابخانه‌ای آماده به شکلی که متناسب با نیازهای علمی،

فرهنگی و ایمانی کودک باشد بسیار مهم است، و بهتر است که متنوع

«مواد شنیداری، دیداری و دیجیتالی» باشد، و مهم است که کتابخانه

دارای مجموعه‌ای از داستان‌ها باشد چرا که داستان، وسیله تربیتی

۱. بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۱۳۹.

۲. غرس أصول الإيمان فی نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۳۴-۴۵ و بنگر به: السنة النبوية رؤية تربوية از دکتر سعید علی ص ۴۰۶.

تأثیرگذار و مهمی است،^۱ و داستان‌های هدفمند از سیره‌ی پیامبر ﷺ و اصحابش رضی الله عنهم فراوان است.^۲

۸- **فناوری مدرن و ابزارهای تربیتی:** وسایل مدرنی هستند که در انتشار افکار و در نهادینه کردن و نزدیک سازی معنایی برای کودک کاربرد دارند تا جایی که کودک را قادر به فهم افکار و درک مفاهیم می‌سازد، چنانکه افکار و مبانی به صورتی چشم‌نواز و با رنگ‌آمیزی‌های جذاب ارائه می‌گردد که کودک را بسوی خود می‌کشد و او را در حالت روانی مناسبی برای پذیرش آنها قرار می‌دهد.^۳

۹- **انگیزه‌های فطری:** انگیزه‌های متعددی در کودک هستند که می‌توان از آنها بهره‌برداری کرد از جمله: بازی کردن، همکاری، تقلید و موارد دیگر.. کودک از طریق بازی می‌تواند دنیای پیرامون خود را کشف کند و تصورات و میزان درک خود را بیان دارد، و می‌توان از این خصالت برای توضیح معانی صحیح پیرامون زندگی و جهان و نیز کاشتن نهال ارزش‌ها در نفس

۱. بنگر به: باب سوم از کتاب القصة فی مجلات الأطفال و دورها فی تنشئة الأطفال اجتماعيا از دکتر امل حمدی دکاک، الهيئة العامة السورية للكتاب، دمشق، چاپ اول، ۲۰۱۲ میلادی.

۲. بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۱۱۰، ۳۷۰ و نیز بنگر به: أساليب الرسول فی تربية الأسرة المسلمة از شافع حمادی ص ۲۱ و همچنین می‌توان از کتاب (قصص رواها النبي محمد ﷺ) از دکتر عثمان مکانسی و کتاب (۳۰ قصة بلسان محمد ﷺ) از عصام شایع استفاده کرد.

۳. بنگر به: دور الأنشطة غیر الصفية فی تنمية حب النبي ﷺ لدى تلميذات المرحلة الابتدائية از فوز بقمی ص ۴۵، ۵۲.

کودک بهره جُست البته با اسلوبی ساده و مناسب، چرا که بهره گرفتن از مواضع و رویدادها اگر به صورتی نیکو برای یادآوری و ارشاد کودک استفاده گردد^۱ تأثیری قوی در نفس کودک بر جای می‌گذارد.

۱۰- دعا کردن: دعا، دلیل نیازمندی بنده به پروردگارش و امید او به فضل خداست، و الله متعال بندگانش را بر دعا تشویق نموده و به آنان وعده‌ی استجابت داده است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر: ۶۰) {و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم}، دعا از بزرگترین وسیله‌های مربی برای رسیدن به هدف تربیتی اوست و وسیله‌ایست که بزرگترین مربیان یعنی پیامبران برای ثبات بر ایمان و توحید بکار برده‌اند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ (ابراهیم: ۲۵) {آنگاه را که ابراهیم (پس از بنای کعبه) گفت: پروردگارا، این شهر (مکه نام) را محل امن و امان گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستش بتها دور نگاهدار}، لذا دعا برای کودک از مهمترین جلوه‌های احسان در تربیت اوست.^۲

۱۱- **نمایش و تقلید:** کودک بر حسب سرشت خود، تقلید را دوست دارد لذا به او - مثلاً - فرصتی داده می‌شود تا نقش امام مسجد را ایفا کند و به نماز

۱. غرس أصول الإيمان في نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۴۶، ۵۵ و نیز بنگر به: السنة النبوية رؤية تربوية از دکتر سعید علی ص ۳۴۳.

۲. بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۱۰۲ و نیز مواقف تربوية من هدی النبی ﷺ مع الأطفال از دکتر عبدالمجید بیانونی ص ۳۸.

خواندن و خطبه گفتن پردازد یا نقش معلم را بر عهده بگیرد و به شرح و تعلیم اقدام کند و مواردی این چنینی، چرا که این امر سبب رسوخ و نهادینه شدن مفاهیم نزد او می شود و ارزش این کارها نزد او حفظ می گردد.

ویژگی های مربی

۱- **مهربانی و نرمش:** زیرا تربیت اگر با اخلاق مهربانانه و نرم همراه نباشد ثمره ی نیکویی نمی دهد پس می بایست دلها آکنده از رحم و مهربانی باشد، اقرع بن حابس رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و آله می نگرد که در حال بوسیدن حسن و حسین است و می گوید: من ده فرزند دارم که تا کنون هیچ یک از آنان را نبوسیده امف پیامبر فرمودند: «هر کس رحم نکند به او رحم نخواهد شد»،^۱ و نیز فرموده اند: «خدای رحمان به رحم کنندگان رحم می کند به کسانی که در زمین هستند رحم کنیم تا آن کس که در آسمان است به شما رحم نماید».^۲

۲- **بردباری و گذشت:** سرورمان پیامبر صلی الله علیه و آله به اوج قله ی این اخلاق رسیده است، از انس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: من با پیامبر راه می رفتم، ایشان ردایی نجرانی بر تن داشت که دارای حاشیه ای ضخیم بود، یک اعرابی به ایشان رسید و ردای پیامبر را گرفت و سخت کشید، به دور گردن

۱. صحیح بخاری (۵۹۹۷).

۲. به روایت ابو داود (۴۹۴۱) با تصحیح آلبنانی.

مبارک پیامبر نگاه کردم، از شدت کشیدن، حاشیه‌ی ردا بر دور گردن ایشان اثر گذاشته بود؛ سپس گفت: ای محمد! امر کن از مال خدا که نزد توست به من داده شود! پیامبر ﷺ به طرف او رو کرد و تبسم فرمود و دستور داد که چیزی به او ببخشند).^۱ و از اموری که به بردباری مرتبط است گذشت می‌باشد. الله متعال می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۹) {گذشت پیشه کن و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادانان روی برتاب} و برای اینکه بردباری محقق گردد رسول خدا ﷺ به خشمگین نشدن و نهی از خشم تشویق نموده است، چنانکه در حدیث صحیح آمده است که مردی به پیامبر ﷺ گفت: مرا نصیحت کن، وی فرمود: «خشمگین مشو» و چند بار همین را برایش تکرار نمود.^۲

۳- **صبر**: مربی می‌بایست در هنگام تربیت یا آموزش فرزندان به صبر و شتابزده نبودن آراسته باشد، مربی باید برای آشکار شدن نتایج و دستیابی به هدفش از تربیت، عجله ننماید چرا که ناامیدی و احساس شکست در وجود او رخنه می‌کند و مربی اگر بدون صبر باشد همانند مسافر بدون توشه است.

۴- **عدالت**: اگر مربی بدون سببی روشن بین دو یا چند کودک فرق بگذارد تأثیر کاهش می‌یابد، انسجام میان کودکان تربیت‌یافته از دست می‌رود و

۱. صحیح بخاری (۵۸۰۹).

۲. صحیح بخاری (۶۱۱۶).

ظلم هم در هر چیزی باشد آن را فاسد می گرداند.

۵- **امانتداری:** بر مربی واجب است که در برخوردش با کودک تحت تربیت، صادق و امانتدار باشد زیرا امانتداری از صفات رسولان تبلیغ گر است و خواسته ای اساسی برای نیکو گرداندن عمل و دستیابی به هدف و موفقیت در آنست.

۶- **تقوا و پرهیزگاری:** کسی که تقوای خدا داشته باشد او را از جایی که گمان نمی کند توفیق می دهد چرا که تقوا همراه توفیق، صلاح و موفقیت در دنیا و آخرت است.

۷- **اخلاص:** چرا که عمل مادامی که برای الله نباشد به صاحبش برگردانده شده و قبول نمی شود، و جز مشقت و خستگی، چیزی از عمل برای شخص بدون اخلاص باقی نمی ماند.

۸- **علم:** چونکه مربی عالم و دانا، به حال و وضع کودک آگاه می باشد برخلاف جاهل که فرصت را تباه می کند و نتیجه ی بدی حاصل می نماید.

۹- **حکمت:** هنگامی که مربی هر چیزی را سر جای خودش قرار می دهد امور، نتیجه ی خوب می دهد و تربیت، ثمربخش می شود زیرا مأموریت مربی اینست که به درون نفس نفوذ کند و به بهره برداری آن به منظور جهت دهی و تربیت کودک پردازد.

۱۰- **باور به عمل تربیتی:** براستی که تربیت، بخشش و موهبتی روحی و معنوی است و کسی که به پروسه و عمل تربیتی باور ندارد نمی تواند این

نوع موهبت و بخشش را تقدیم دیگران کند.^۱

۱۱- **توسعه‌گزینی:** چنانکه مربی به توسعه و تکامل امکانات و توانمندی‌هایش توجه نشان می‌دهد تا به سطحی برسد که او را قادر به ایفای نقش تربیتی‌اش بسازد.

ارکان تربیت ایمانی:^۲

رکن اول: ایمان به الله

فطرت، عقل و شرع بر وجود الله دلالت دارد چرا که هر مخلوقی بر ایمان به خالقش سرشته شده است؛ عقل بیان می‌دارد که این مخلوقات می‌بایست بوجود آورنده‌ای داشته باشند و شرع هم چنین می‌گوید: چنانکه تمام ادیان آسمانی وجود خالق را تأیید می‌کنند. ایمان به خدا دربردارنده چهار امر است، **اول:** وجود خداوند، **دوم:** ایمان به ربوبیت وی و اینکه او پروردگار عطابخش، خالق، رازق و مدبّر است، **سوم:** ایمان به الوهیت و توحید (یگانه دانستن او) و اینکه بی‌شریک است، و **چهارم:** ایمان به اسماء و صفات او که

۱. تربية الناشئة في القرآن الكريم از صباح طليان ص ۲۱۱-۲۲۶ و نیز بنگر به: التربية في السنة النبوية از ابو لبابه حسين ص ۴۷ و همچنین: أساليب الرسول ﷺ في الدعوة و التربية از يوسف صوري ص ۱۵.

۲. می‌توان در آموزش عقیده به صورت بسیار مختصر از کتاب (هذه عقيدتي) از دکتر طارق بکری، مجله الفاتح، شماره ۱۴۲ و نیز أسئلة في العقيدة للأطفال که در شبکه ألوكة نشر شده و همچنین جلد دوم کتاب (عقيدة الطفل المسلم) از هیام محمود استفاده نمود.

تحقق بخش کمال و زیبایی می باشد،^۱ بنابراین ما به کودک این امور چهارگانه را آموزش می دهیم در نتیجه، کودک بر شناخت خداوند و بزرگداشت و محبت او پرورش می یابد و این رکن، پایه و اساس سایر ارکان است.

چرا دوست داشتن خدا را به کودکان یاد می دهیم؟

۱- زیرا الله متعال است که ما را از عدم و نیستی بوجود آورده است و به بهترین شکل درآورده و بر بسیاری از مخلوقاتش برتری داده است و بواسطه برترین نعمت - یعنی اسلام - بر ما منت نهاده است سپس از فضل خود، بسیار بر ما روزی نموده بدون اینکه مستحق آن باشیم بعد، ما را بخاطر کارهایی که درواقع از بخشش و فضل اوست به بهشت وعده می دهد، برآستی که فضل همیشه باز آن اوست.

۲- برای اینکه احترام و هیبت در نهان و آشکار از دوست داشتن متولد می شود و ما بسیار نیازمند هستیم که کودکانمان به پروردگارشان احترام بگذارند و برایش هیبت قائل شوند نه اینکه ارتباطشان با او بر اساس ترس از مجازات یا فقط جهنم او باشد در این صورت است که عبادت خداوند توسط کودکان به لذتی معنوی بدل می شود که با آن زندگی می کنند و آنان را از لغزشها حفظ می گرداند.

۳- چون که خداوند همیشه زنده ی پایدار است و هرگز نمی میرد و هیچ خواب و چرتی او را فرا نمی گیرد و علم او هر جا که اسنانها باشند همراه آنان

۱. الأسالیب النبویة لتنمية القيم الإيمانية لدى الشباب المسلم في ضوء التحديات المعاصرة از طیب احمد شنقیطی ص ۸۴-۸۵.

است و اوست که بشر را حفظ می کند و بیشتر از پدر و مادرشان مراقب آنها می باشد، بنابراین وابستگی و دوست داشتن او یک ضرورت قلمداد می شود تا اینکه بدانند پشتوانه ای قوی دارند که الله است.

۴- زیرا اگر الله را دوست بدانند قرآن را دوست می دارند و بر نماز اصرار می ورزند، و چون بدانند که الله زیباست و زیبایی را دوست می دارد هر کار زیبایی را انجام می دهند، و چنانچه بدانند خداوند توبه کنندگان و پاکان و نیز نیکوکاران، صدقه دهندگان، صابران، توکل کنندگان و پرهیزکاران را دوست دارد، تلاش می کنند تا بخاطر دستیابی به رضایت و محبت او به همه ی این صفات آراسته شوند و نیز بخاطر دستیابی به اینکه آنها را دوست بدارد و از آنان دفاع کند،^۱ و چون بدانند که الله خیانتکاران، کافران، متکبران، متجاوزان، ستمکاران و مفسدان را دوست نمی دارد در حد توان خود و بخاطر دوست داشتن خداوند و تمایل به رضی نمودن او از تمامی این صفات دوری می گزینند.

۵- چونکه دوست داشتن الله بدین معناست که بودن او همراه خود را حس می کنیم در نتیجه، احساس راحتی، اطمینان و ثبات، نگرانی نداشتن یا اندوه و سلامت نفس و جسم از بیماری های روانی و جسمی و مهمتر از اینها

۱. بنگر به: کیف نحب الله و نشفاق إليه از مجدی هلالی ص ۱۰۴.

سلامتی از گناهان بر ما چیره می‌گردد.^۱

چگونه به فرزندانمان دوست داشتن الله را یاد دهیم؟

۱- تنها روزنه برای کاشتن نهال مسائل ایمانی در کودک، روزنه‌ی حسی است یعنی اینکه ما در تقویت ایمان کودک نسبت به خالقش بر حواس تکیه کنیم و از پدیده‌های طبیعت پیرامون او همچون خورشید، باران و باد بهره ببریم و از طریق اینها به کودک یاد می‌دهیم خالق‌ی وجود دارد که این جهان را تدبیر می‌کند و او را تشویق می‌کنیم که سؤال بپرسد،^۲ و تلاش می‌نماییم که عینکی ایمانی بر چشمان کودکمان بگذاریم تا بتوانند دلایل وجود الله را در همه چیز مشاهده کنند، آنرا تحلیل نمایند و در کرانه‌های علمی به بررسی بنشینند،^۳ لذا حریص می‌شویم بر اینکه قدرت عاجزگرانه و خلقت دل‌انگیز خدا را بیان داریم چنانکه ارشاد ربانی ما را به دقت کردن در آغاز آفرینش انسان فرا می‌خواند و می‌فرماید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ (طلاق: ۵)، و نیز می‌فرماید: ﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات: ۲۱)، همچنین امر نموده که به خوراک انسان نگریسته شود که چگونه خداوند آن را در مراحل مختلف بوجود آورده است چنانکه

۱. بنگر به: تربية الطفل في الإسلام از سیما ابو رموز ص ۵۰ و نیز أطفالنا و حب الله ﷻ از دکتر امانی رمادی، سایت صید الفوائد و همچنین بنگر به: کیف نحب الله و نشتناق إلیه از مجدی هلالی ص ۲۲.

۲. المرَبون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۳۶-۳۹.

۳. جوانب التربية الإسلامية الأساسية از مقداد یالجن ص ۱۴۷.

می فرماید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس: ۲۴) {پس انسان باید به خوراک خود بنگرد}. و نیز امر نموده که برای پی بردن به قدرت او به مخلوقاتش نگریسته شود که بیانگر عظمت اوست، چنانکه می فرماید: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ (غاشیه: ۱۷-۲۰) {آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده * و به آسمان که چگونه برافراشته شده * و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده * و به زمین که چگونه گسترده شده است}، می توان این مفاهیم بزرگ از جمله شگفتی آفرینش، عظمت خالق و نوآوری او را در ذهن کودکان در سنین مختلف آنان بوا سطحی و سایل تو ضیحی رسا و متنوع و از طریق تکنولوژی های مدرن نزدیک ساخت،^۱ و کودک بر حسب فطرتش، هر کسی که این چیزهای عظیم را برایش پدید آورده و برای او مسخر نموده دوست می دارد.

۲- آموزش اسماء و صفات خداوند به کودکان که بیانگر کمال و زیبایی اوست چنانکه الله، رحمان و رحیم است که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است، او عفو و آمرزنده است که از لغزش ها درمی گذرد، و بخشنده است که آمرزندگی را با پوشانندگی با هم دارد، و صاحب کرم و بخشندگی است که بدون سبب و خواستن می بخشد، و هدایتگر است که بندگان را به سوی همه ی منافع رهنمون می شود، و ودود است که هم دوست داشته می شود

۱. تربية الناشئة في القرآن الكريم از صباح طليان ص ۳۴-۴۳ و نیز غرس محبة الله ﷻ في نفوس المدعوين از دکتر جوهره طریفی ص ۱۸.

و هم دوست می‌دارد، لذا این شناخت بدون شک به محبت و دوست داشتن خداوند کمک می‌کند.^۱

۳- می‌بایست از این گفته دوری کنیم که: اگر به حرف من گوش نکنی و از من اطاعت نکنی خداوند تو را مجازات خواهد کرد، تفاوت است بین آموزش این مسئله به کودک که خداوند هرکسی که او را نافرمانی کند مجازت می‌کند و بین پیوند دادن مجازات خدا به اطاعت کردن همیشگی ما و تهدید کودک به این امر، چرا که این امر کودک شما را از اندیشیدن به شکل عمیق در قدرت و عظمت خداوند باز می‌دارد. و نباید در تربیت کودک بر تهدید و ترساندن او از خداوند تکیه نماییم بلکه می‌بایست محبت و دوست داشتن خدا و بزرگداشت او را به کودک یاد دهیم^۲ و هر چیزی که تأثیر منفی در دید کودک دارد را به الله نسبت ندهیم.

۴- هنگامی که کودک، پدر و مادرش را می‌بیند که نماز می‌خوانند و دیگر واجبات را انجام می‌دهند یا از امور حرام رویگردانی می‌کنند بسیار از سبب این کارها می‌پرسد لذا باید جواب پدر و مادر دربردارنده بیان محبت و طاعت الله متعال باشد چرا که این امر از جمله‌ی تربیت کردن بوسیله‌ی الگو در بحث محبت خداوند است زیرا کودک به پدر و مادرش اقتدا می‌کند، و از اموری که نهال محبت خدا را در دل‌های کودکان می‌نشانند

۱. غرس محبة الله ﷻ فی نفوس المدعوین از دکتر جوهره طریفی ص ۱۰.

۲. کیف تقولها لأطفالک از پل کولمان ص ۱۵۷-۱۵۸ و همچنین می‌توان از کتاب (عظمة الله تعالی و جل و عز) از دکتر محمد شریف استفاده نمود.

سخن گفتن از بهشت و نعمت‌های پایداری است که الله برای بندگان پرهیزگار خود آماده کرده است.

۵- زمانی که کودک به سنی می‌رسد که معنای واجبات را متوجه می‌گردد واجب بودن این محبت به او یاد داده می‌شود زیرا خداوند است که ما را آفریده و روزی داده و بر بسیاری از مخلوقات دیگر برتری داده و بر ما بوسیله اسلام منت نهاده است،^۱ همچنین به کودک می‌آموزیم تمام نعمت‌هایی که پیرامون اوست از الله است و نیز به او یاد می‌دهیم چگونه خداوند را بخاطر نعمت‌هایش حمد و ستایش کند و از او سپاسگذاری نماید و نعمت‌های بیشتری از او طلب کند، و این بیان نعمت‌ها، محبت‌برانگیز است.^۲

۶- آموزش کودک از طریق اقوال، افعال و احوالی که محبت الله و رسولش را جلب می‌کند و به دنبال دارد.^۳

رکن دوم: ایمان به فرشتگان

ایمان به فرشتگان شامل: تصدیق و باور به وجود آنان و ایمان به آنهایی است که خداوند نامشان را به ما یاد داده و اخبار صحیحی که از آنها موجود

۱. بنگر به: التربية العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح و همچنین

بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۱۲.

۲. بنگر به: غرس محبة الله ﷻ فی نفوس المدعوین از دکتر جوهره طریفی ص ۱۴.

۳. بنگر به: ۱۰۰ وسیلة لیحبک الله ﷻ و رسوله از سید مبارک ص ۵.

است و نیز محبت و دوست داشتن آنها می باشد. از مهمترین مفاهیم تربیتی که باید نهال آن را در نفس کودک درباره فرشتگان کاشت عبارتند از:

۱- به کودک یاد دهیم که فرشتگان مخلوقاتی هستند که از نور آفریده شده اند، چنانکه از مادر عایشه رضی الله عنها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «ملائکه از نور خلق شده اند، جن از شعله های آتش و آدم نیز از همان چیزی خلق شد که برای شما توصیف گردید»،^۱ پیامبر صلی الله علیه و آله بصورت کلی به توصیف آفرینش آنها پرداخته و جزئیات و تفصیلات آن را بیان نموده است.

۲- یاد دادن نام های فرشتگانی که نامشان در نصوص آمده است به کودک همانند جبرئیل که امانتدار فرشتگان و رئیس آنهاست و کسیست که با قرآن نازل شده است، و میکائیل که عهده دار باران است و اسرافیل که عهده دار دمیدن در صور می باشد، البته فرشتگان حمل کننده ی عرش هم هستند و نیز فرشتگان نویسنده و فرشتگان حافظ و...

۳- بیان اینکه تعداد فرشتگان بسیار زیاد است و تعداد شان را کسی جز الله نمی داند و آنان بر طاعت و اجرای اوامر الهی سرشته شده اند و اینکه هر فرشته ای عهده دار مأموریتی است که انجام می دهد و به انجام آن پایبند می باشد.

۴- اینکه فرشتگان، معصوم هستند چرا که آنان بصورت پیاپی و بدون

۱. صحیح مسلم (۲۹۹۶).

خستگی و تکبر به عبادت خداوند می پردازند، و اینکه آنها مؤمنان را دوست دارند و آنها را یاری می دهند و برایشان دعا می نمایند و نگهداری آنها را می کنند و در مجالس ذکر حضور می یابند.

۵- فرشتگان را برای کودکان دوست داشتنی نمایم و این کار را از طریق فهماندن طبیعت خیرمنشانه‌ی فرشتگان و توجه‌ورزی آنان به مؤمنان برای کودکان انجام دهیم چنانکه این امر، روح ولاء و محبت او را نسبت به این مخلوقات مبارک و نیکوکار برمی انگیزد، به این دلیل که فرشتگان اقدام به استغفار و دعا برای مؤمنان می کنند و مؤمنانی را که با ایمان و عمل صالح بر راه حق استقامت ورزیده‌اند و عده بهشت‌های پر نعمت می دهند و مؤمنان را یاری داده و ثابت قدم می نمایند،^۱ همچنین الله متعال فرشتگان را برای حفظ و مراقبت از بندگان رهسپار می نماید چنانکه می فرماید: ﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ (رعد: ۱۱) {انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از هم‌همی جوانب دیگر، او را می‌پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می‌نمایند}.

۶- اینکه لازمه‌ی ایمان به فرشتگان، بزرگداشت و تکریم آنان است چرا که آنها بندگان گرامی هستند و از خدا در آنچه بدیشان دستور داده نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان امر شده‌اند و البته

۱. تربية الناشئة في القرآن الكريم از صباح طليان ص ۴۳-۴۴.

می‌بایست آنان را از صفاتی که زیبنده‌ی آنها نیست پاک داشت.

۷- تشویق به نظافت شخصی، چنانکه فرشتگان از چیزهایی اذیت می‌شوند که انسان‌ها از آن اذیت می‌گردند، از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که از این گیاه بدبو خورده باشد (و یکبار هم فرمود هر کس که سیر یا پیاز و یا تره بخورد) نباید به مسجد ما نزدیک شود زیرا هر چه سبب آزار انسان گردد آزار و اذیت فرشتگان را در پی دارد».^۱

۸- اینکه وجود فرشتگان و ایمان به آنان دارای حکمت‌های متعددی است از جمله اینکه: انسان به گستردگی علم الله، قدرت عظیم و حکمت شگفت او پی می‌برد، همچنین مسلمان احساس امنیت و آرامش می‌کند چنانکه می‌داند سربازانی هستند که به دستور خداوند از او مراقبت می‌کنند و او را یاری می‌دهند.^۲

۹- ارتباط فرشتگان همچون مراقبت و امور دیگر با ما، اهمیت و ارزش این مسئله را بیان می‌دارد و تصور بی‌ارزش بودن آن را از سر بیرون می‌کند. به همین دلیل است که انسان، قدر و منزلت خود را ارج می‌نهد و برای تحقق

۱. صحیح مسلم (۵۶۴).

۲. برای کسب معلومات بیشتر می‌توان به کتابهایی مراجعه کرد که از ایمان به فرشتگان سخن به میان آورده است از جمله: عالم الملائكة الأبرار از عمر اشقر و عالم الملائكة في ضوء السنة النبوية دراسة موضوعية از نبیل ابو العمرین که رساله فوق لیسانس از دانشگاه غزه است و در اینترنت نشر شده است و نیز بنگر به: أهمية الإيمان بالملائكة و علاماته النفسية و الإجتماعية و الخلقية از دکتر محمود سعادت، سایت ألوكة.

نقش بزرگی که بر دوش او نهاده شده تمام تلاش خویش را می‌کند.^۱

رکن سوم: ایمان به کتاب‌های آسمانی

ایمان به کتاب‌های آسمانی دربردارنده امور زیر است:

۱- ایمان به وجود کتاب‌هایی که از جانب الله نازل شده‌اند، و اینکه این امر

بیانگر رحمت عظیم خداوند به بندگانش است زیرا برای هر قومی کتابی

نازل نموده که بوا سطره‌ی آن هدایت می‌شوند بر حسب شرایع و احکامی

که متناسب با آنان است بجز اسلام که برای همه بشریت است، و برای

کودک توضیح داده می‌شود که نازل نمودن کتاب‌ها نعمتی عظیم است

چرا که ما را با الله، آخرت و خیر و شر آشنا می‌نمایند.

۲- تصدیق کتاب‌هایی که نامشان را از طریق وحی می‌دانیم همانند صحف

ابراهیم، توراتی که بر موسی نازل شد، زبور داود، انجیلی که بر عیسی

نازل شد و قرآنی که بر محمد ﷺ نازل شده است.

۳- این کتاب‌ها همدیگر را تصدیق می‌کنند و تکذیب‌کننده‌ی هم نیستند و

تناقض و تعارضی میانشان نیست، خداوند **عَزَّوَجَلَّ** می‌فرماید: **﴿مُصَدِّقًا لِّمَا**

بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ﴾ (مائده: ۴۸) {در حالی که تصدیق‌کننده کتابهای

پیشین است}.

۴- تصدیق و باور به اخبار صحیح آنان، و یاد دادن این امر به کودک که

کتاب‌های آسمانی پیش از قرآن، دچار تحریف و تغییر شده است چرا که

۱. بنگر به: عالم الملائكة الأبرار از دکتر عمر اشقر ص ۶.

مربوط به زمانی معین و خاص مردم منطقه‌ای معین بوده‌اند و الله متعال همانند قرآن، عهده‌دار حفظ آنها نشده است.

۵- ایمان به اینکه قرآن، نسخ‌کننده‌ی تمام کتاب‌های پیشین است و عمل به احکام قرآن کریم تا روز قیامت، فرض و لازم است لذا می‌باید اوامر آن را اجرا کرد، از نواهی آن اجتناب نمود، حرامش را حرام دانست و حلالش را حلال برشمرد، به محکم آن عمل کرد و تسلیم متشابه آن شد و در از حدود و آموزه‌های آن فراتر نرفت.^۱

از امور مهمی که در باب ایمان به کتاب‌های آسمانی داخل می‌شود مسئله‌ی حفظ کردن قرآن کریم به کودک از همان خردسالی است و حفظ قرآن از مهمترین فعالیت‌ها برای رشد هوشی کودکان قلمداد می‌گردد اگر به نیکی بکار گرفته شود و مربی بتواند جوّ آیات را در نفس کودک زنده گرداند چرا که قرآن کریم ما را به تأمل و اندیشیدن در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آفرینش انسان و آفرینش چیزهای پیرامون مان دعوت می‌کند تا که ایمان ما فزونی یابد و علم با عمل درآمیزد، و حفظ قرآن و درک و شناخت مفاهیم آن، انسان را به مرحله‌ای پیشرفته از هوش می‌رساند^۲ کما اینکه زبان کودک را به فصاحت و بلاغت عادت می‌دهد و این امر از طریق قرائت و تجوید قرآن بر زبان او هویدا می‌شود و نیز عواطف ربانی همچون خوف، خشوع، رغبت،

۱. برای کسب معلومات بیشتر می‌توان به کتاب (الإیمان بالکتاب) از شیخ ما دکتر محمد بن ابراهیم حمد و نیز کتاب (الإیمان بالکتاب) از احمد نجار رجوع کرد.

۲. تعلیم الفکر از سیف عیساوی ص ۱۲۱.

رہبت پرورش می یابد و دلها و احساسات نرم می شود، و کودک بر عمل به آموزه های قرآن کریم و آداب آن در همه ی زمینه های زندگی روزانه اش عادت می کند و بر زندگانی راست و درست و اخلاق والا پرورش می یابد، همچنین از فواید دیگر: پاداش عظیم و فضل بزرگ الله متعال است که در جلسات و حلقه های حفظ قرآن به دست می آورد.^۱

چگونه کودک را به حفظ متمایل سازیم؟

۱- فضیلت های قرآن اعم از فضایل حفظ، تلاوت، تعلیم و عمل به آن را برای کودک بیان می داریم، همانند این گفته ی پیامبر ﷺ که فرموده است: «قرآن بخوانید زیرا قرآن در روز قیامت، شفاعت گریبان خویش خواهد آمد»،^۲ و نیز فرموده است: «(در هنگام ورود به بهشت) به قاری و ملازم قرآن (در علم و عمل) گفته می شود: قرآن بخوان و (از پله های بهشت) بالا برو و با تانی و تجوید بخوان چنانکه در دنیا با ترتیل می خواندی زیرا منزلت تو در (حد) آخرین آیه ای است که می خوانی»،^۳ همچنین فرموده است: «مؤمنی که قرآن می خواند و به آن عمل می کند مانند ترنجی است که طعم آن خوب و بوی آن نیز خوب می باشد و مؤمنی که قرآن نمی خواند مانند خرما می است که طعم

۱. من الآثار الإيمانية لتعليم و تعلم القرآن الكريم على الفرد و المجتمع از دکتر شعبان مقلد، سایت ألوكة، ۱۴۳۰/۶/۱۳ هـ و همچنین بنگر به: أسس بناء شخصية الطفل المسلم از علی شحود ص ۴۶.

۲. صحیح مسلم (۸۰۴).

۳. به روایت ترمذی (۲۹۱۴) و آلبانی آنرا حسن دانسته است.

آن خوب ولی بوی خوبی ندارد، و منافقی که قرآن می خواند همانند ریحان است که بوی آن خوب و طعم آن تلخ می باشد و منافقی که قرآن نمی خواند همانند حنظل است که بویی ندارد و طعم آن نیز تلخ است»،^۱ بازهم فرموده است: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد».^۲ و نمونه هایی از توجه ورزی سلف صالح به قرآن را برای کودک خاطرنشان می سازیم، و این امور از بزرگترین وسیله های همت برانگیز است.^۳

۲- کودک را در مدارس قرآنی یا حلقه های حفظ قرآن در مسجد یا نزدیک معلم قرآن ثبت نام کنیم و امور انگیزشی، جوایزی مناسب جهت رقابت برای فرزندان یا شاگردان فراهم نماییم.^۴

۳- می بایست مسئله ی حفظ قرآن را در آغاز برای کودک بسط دهیم تا که برایش دوست داشتنی شود، البته آغاز حفظ از جزء (عمّ) بهتر است چرا که آیات آن کوتاه است و همین امر، جایگیر شدن آیات در ذهن کودک را سبب می شود.^۵ چرا که آیات جزء عمّ در بردارنده ارکان ایمان است لذا عقاید را

۱. صحیح بخاری (۵۴۲۷).

۲. صحیح بخاری (۵۰۲۷).

۳. بنگر به: التربية العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح و نیز بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۳۸.

۴. برای شناخت تاثیر چنین حلقه هایی در شکل دهی شخصیت کودک و رشد آن بنگر به: دور الحلقات القرآنية فی تنمية شخصية الطفل المسلم از عبدالله محمد هنانو.

۵. بنگر به: طفل الإبتدائی و طرق تربیته عملیا از معتز شاهین، سایت المسلم، تاریخ انتشار: ۱۴۳۲/۷/۷ هـ.

تصحیح می کند و رفتار را اصلاح می نماید و حتی سبب حفظ سلامتی کودک می شود زیرا قرآن عظیم، هم ذکر است و هم رقیه (درمان)، و افزون بر این ها زبان را راستی و درستی می بخشد و قدرت بیان فرد را افزایش می دهد.

۴- توجه ورزی به شرح مختصر قرآن هنگام تلاوت و حفظ قرآن توسط کودک تا که معانی آیات، دروازه ی قلب و عقل او را بگشاید. کسی گمان نکند که شایسته نیست قرآن برای کودک خردسال شرح شود چرا که کودک، توان عجیبی در حفظ و فهم دارد.^۱

۵- به کودک یاد می دهیم که قرآن، هم درمان است و هم رحمت و برکت. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (اسراء: ۸۲) {و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم}. و هر کسی همه یا جزئی از قرآن را حفظ کند برایش آسان می شود که خودش را به هنگام بیماری رقیه دهد و نیز اطرافیانش را رقیه دهد.

رکن چهارم: ایمان به پیامبران

ایمان به پیامبران علیهم السلام در بردارنده ایمان به صدق و راستی آنان و صدق خبرهایی است که داده اند، و تصدیق نام آنهایی است که از طریق وحی به ما رسیده است و اینکه الله آنان را بخاطر تمایز اخلاقی و عقلی شان از میان

۱. بنگر به: التربية العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح و نیز بنگر به: مهارت تحبیب أطفالنا فی القرآن از آمنه محمد، مجله ی الوعي الإسلامی، شماره ۵۵۶ و همچنین بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۳۲.

اقوام شان برگزیده تا که رسالت او را به مردم ابلاغ نمایند، خداوند می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ﴾ (ابراهیم: ۴) {ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد}، زیرا اگر فرستاده خدا، فرشته‌ای بود مردم چیزی از او نمی فهمیدند. ما می بایست که میان هیچ یک از پیامبران فرقی نگذاریم یعنی این طور نباشیم که به برخی ایمان بیاوریم و به برخی هم کافر شویم بلکه باید به همگی آنان ایمان داشته باشیم زیرا همه‌ی فرستادگان در رسالت خود، صادق و راستگو بوده‌اند همچنین در نصیحت و خیرخواهی برای مردم خود نیک‌منش بوده‌اند چرا که آنان در آنچه از جانب خدا ابلاغ می کرده‌اند معصوم بوده‌اند، البته می بایست که ما فقط به شریعت آخرین و خاتم پیامبران یعنی محمد ﷺ عمل کنیم.^۱ از مفاهیم تربیتی‌ای که زیبنده است بذر آن را در مورد ایمان به پیامبران در زمین دلها افشاند عبارتست از:

۱- بیان اینکه الله متعال در هر امتی، رسولی از آنان را فرستاده است که مردم را به عبادت فقط وی و کفر به عبادت غیر از او دعوت می کرده است و اینکه همگی آن پیامبران، راستگو، تصدیق شده، نیک‌منش، هدایت‌گر، پرهیزکار و امانت‌دار بوده‌اند.

۱. برای کسب معلومات بیشتر رجوع کنید به کتاب (الرسال و الرسالات) از دکتر عمر اشقر و کتاب (المباحث العقدية المتعلقة بالإيمان بالرسول) از احمد نجار و کتاب (الإيمان بالرسول و الرسالات) از دکتر علی صلابی.

۲- اینکه دعوت آنان از اولین پیامبر تا آخرین شان در اصل و اساس عبادت مثل هم بوده است و آن اصل هم توحید است که الله متعال در تمام عبادات اعتقادی، قولی و عملی، یگانه می‌گردد و به عبادت غیر او کفر ورزیده می‌شود.

۳- بیان حکمت‌های ربانی از فرستاده شدن پیامبران به سوی مردم، از جمله: عبادت و توحید خداوند، هدایت و ارشاد مردم به راه راست، آموزش امور دینی و دنیایی به مردم، بیرون بردن آنان از تاریکی‌ها به سوی نور، رهبری امت و اجرای شرع خداوند در بین مردم و اقتدا به پیامبران و حرکت بر اساس منهج و برنامه آنان.

۴- علم به رحمت، عنایت و توجه‌ورزی الله به بندگانش، چنان که پیامبران را فرستاده است تا مردمان را به راه خداوند هدایت کنند، یادآوری شکرگذاری از خدا بخاطر این نعمت بزرگ، محبت و دوست داشتن پیامبران، چرا که آنان اقدام به ابلاغ رسالت خداوند و نصیحت بندگانش نموده‌اند زیرا مردم دارای هر اندازه از فهم، عقل و هوش باشند عقل‌های آنان نمی‌تواند نظام کلی و فراگیری را بوجود بیاورد که همه‌ی امت را به‌عنوان امتی منسجم و دارای حق و حقوق برابر اصلاح می‌گرداند و صلاحیت همه را داشته باشد زیرا پیامبران به مردم چیزهایی را یاد می‌دهند که برایشان سودمند است و آنان را از چیزهایی نهی می‌کنند که برایشان زیان‌بار است.^۱

۱. بنگر به: مجموع فتاوی و رسائل الشیخ محمد بن صالح العثیمین ص ۱۴۵.

۵- کاشتن نهال دوست داشتن رسول خدا ﷺ؛ تا که کودکان بتوانند از او اطاعت کنند، دنباله‌رو او گردند و به بزرگداشت او بپردازند و اینکه دوست داشتن او را بر دوست داشتن هیچ مخلوق دیگری مقدم ندارند و کسانی که رسول خدا را دوست دارند دوست داشته باشند و با کسانی که با او دشمنی می‌کنند دشمنی داشته باشند،^۱ همچنین تکریم و احترام او به هنگام نام برده شدن وی و صلوات فرستادن بر وی و شناخت و بیان شمایل و فضایل وی، زیرا بسیار مهربان و دلسوز بوده است،^۲ همچنین احترام گذاشتن به پیامبر ﷺ نزد قبر وی و در مسجد نبوی با پایین آوری صدا از سوی کسی که خداوند او را با زیارت مسجدش تکریم نموده است.^۳

چگونه دوست داشتن پیامبر ﷺ را به کودک یاد دهیم؟

۱- می‌باید برای کودک تأکید کنیم که الله ﷻ پیامبرش را دوست می‌دارد و او را برگزیده و بر تمام بشریت برتری داده است، و اینکه محبت و دوست داشتن او بر ما واجب است. و نیز به او بیاموزیم که دوست داشتن پیامبر ﷺ از

۱. بنگر به: دور الأنشطة غير الصفية في تنمية حب النبي ﷺ لدى تلميذات المرحلة الابتدائية از فوزیه بقمی ص ۹۲، ۹۸، ۹۹.

۲. می‌توان از کتاب (عناية الرسول ﷺ بالمرأة و الطفل) از محمد مسعد یاقوت و نیز پژوهش (رحمة الرسول بالحيوانات و الطير) از دکتر حذیفه سامرائی استفاده کرد.

۳. بنگر به: حقيقة الإيمان بالرسول از محمد منجد، سایت الإسلام سؤال و جواب، تاریخ انتشار: ۲۰۰۲/۱/۲۱ میلادی.

نشانه‌های دوست داشتن خداوند است بنابراین هر کس پیامبر را دوست بدارد صادقانه، خداوند را دوست دارد.^۱

۲- خاطر نشان ساختن این امر که پیامبر ﷺ با هدایت و تبلیغ این دین، برای تمام جهانیان رحمت بوده است و بواسطه‌ی شفاعت در روز قیامت برای مؤمنان رحمت خواهد بود.

۳- خواندن بخش‌هایی از سیره نبوی برای کودک، چون بدین‌گونه کودک می‌داند پیامبر الگو و اسوه‌ی والا برای تمام بشریت خواهد بود، همچنین معجزات پیامبر و اخلاق بزرگ، یاری‌اش به مظلومان، مهربانی‌اش بر فقیران، توصیه به توجه‌ورزی به یتیمان و رحم و دلسوزی‌اش برای ضعیفان برای کودک بیان شود،^۲ و می‌بایست زبان ما نزدیک به سطح رشد کودک باشد و به اموری بسنده کنیم که متناسب با سطح عقلی او باشد تا به خوبی آن را فهم کند، و نیز تلاش کنیم از وسایل متنوع برای ارائه‌ی این معلومات بهره بگیریم که پاسخگوی نیازمندی‌ها و خواسته‌های سن رشد و متناسب با مرحله سنی کودک است البته باید تفاوت‌های فردی و شرایط محیطی کودک را نیز مدنظر قرار داد.^۳

۱. بنگر به: دور الأنشطة غير الصافية في تنمية حب النبي ﷺ لدى تلميذات المرحلة الابتدائية از فوزیه بقمی ص ۸۴.

۲. می‌توان از کتاب (کیف عاملهم) از محمد منجد ص ۳۰۱، ۶۹۱، ۷۶۱ و کتاب الرحمة فی حياة الرسول ﷺ از راغب سرجانی ص ۶۵ استفاده نمود.

۳. تعامل الرسول ﷺ مع الأطفال تربویا از دکتر حصه صغیر ص ۷۵-۷۷، و می‌توان از کتاب (الأطلس التاريخی لسیرة الرسول ﷺ) از سامی مغلوث ص ۱۹۹ استفاده کرد.

۴- اینکه کودک از پدر و مادر و محیط خود، شاهد بزرگداشت پیامبر ﷺ و بزرگداشت سنت و سخنان او باشد، مثلاً ببیند که آنها بر اقتدا و پیروی از پیامبر و مداومت بر صلوات دادن بر او اصرار دارند چرا که رفتار عملی پدر و مادر و شیوه‌ی برخورد آنان از بزرگترین عوامل تأثیرگذار در تربیت است زیرا هنگامی که پدر - مثلاً - سنت‌ها و نوافل را انجام می‌دهد و به فرزندانش می‌گوید: رسول خدا ﷺ چنین می‌کرده است این تربیت بوسلویه الگو، بزرگترین تأثیر را در پرورش صحیح و تربیت عقیدتی سالم دارد. رسول خدا، الگو و اسوه‌ی والایی است که می‌باید مربیان به وی اقتدا کنند و بر هدایت او گام بردارند و سنت او را بصورتی عملی و واقعی با فرزندان خود انجام دهند.^۱

۵- حفظ کردن برخی احادیث صحیح به کودک که بیانگر کمال اسلام، نیکی‌های آن، شمایل پیامبر ﷺ و فضایل صحابه رضی الله عنهم است چرا که احادیث دارای تأثیر زیادی در ایمان، رفتار و خودسازی هستند،^۲ همچنین می‌توان مسابقاتی تربیت داد به این گونه که احادیث کوتاه با معانی روشن و دربردارنده برخی از اخلاق مهم در این مرحله را ارائه کرد البته باید از اسلوب‌های تشویق، هدیه دادن و پاداش نقدی استفاده نمود.

۱. تربية الناشئة في القرآن الكريم از صباح طليان ص ۴۴-۵۹ و نیز بنگر به: منهج التربية النبوية للطفل از محمد سوید ص ۲۱۹ و همچنین بنگر به: أسس بناء شخصية الطفل المسلم از علی شحود ص ۲۲ و نیز: بنگر به: دور الأنشطة غير الصفية في تنمية حب النبي ﷺ لدى تلميذات المرحلة الابتدائية از فوزیه بقمی ص ۸۸.

۲. بنگر به: الطفل في الشريعة الإسلامية و منهج التربية النبوية از سهام جبار ص ۲۵۲.

۶- بیان داستان‌های صحابه رضی الله عنهم درباره برخورد آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگداشت وی و غیرت داشتن نسبت به او، بویژه داستان‌های صحابه‌ی کم سن و سال همچون داستان انس در اقتدای شدید او به پیامبر تأثیر زیادی دارد. چنانکه خیاطی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را به غذایی که تدارک دیده بود دعوت کرد، انس رضی الله عنه گوید: «من نیز همراه رسول الله برای صرف غذا رفتم، مرد خیاط، نان و خورشی را که از کدو و گوشت خشک تهیه شده بود به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر را دیدم که در گوشه‌های ظرف غذا در صدد یافتن کدو بود و از آن تناول می‌فرمود. انس رضی الله عنه گوید: از آن پس، من نیز همواره کدو را می‌پسندم، و ثمامه از انس روایت کرده که کدوها را در جلوی دست پیامبر قرار دادم»،^۱ مربی بر بیان این امر حریص می‌باشد که اصحاب پیامبر رضی الله عنهم چگونه او را دوست می‌داشتند و خود را برای وی فدا می‌کردند، چنانکه داستان در این مورد، بسیار است.^۲

۷- آموزش روایاتی به کودک که بیانگر این محبت است، از جمله حدیث انس رضی الله عنه که گوید: مردی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مورد قیامت پرسید و گفت: قیامت کی بر پا می‌شود؟ رسول خدا فرمود: «برای آن، چه تدارک دیده‌ای؟» گفت: چیزی آماده نکرده‌ام جز اینکه خدا و رسولش را دوست دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تو روز قیامت با کسی همراه خواهی بود که او را دوست می‌داری»،

۱. صحیح بخاری (۵۴۳۹).

۲. بنگر به: أعظم إنسان عرفته البشرية از هشام برقرش ص ۱۵۲ و نیز بنگر به: خمسون موقفا للنبي صلی الله علیه و آله مع الصغار از دکتر ابراهیم ودعان ص ۱۹.

انس گوید: هیچ چیزی ما را به اندازه‌ی این سخن پیامبر خوشحال نکرد که فرمود: «تو با کسی همراه خواهی بود که او را دوست می‌داری». انس ادامه داد: من پیامبر ﷺ، ابوبکر و عمر را دوست دارم و بخاطر همین دوستی، امیدوارم که روز قیامت همراه آنان باشم گرچه اعمالم مانند اعمال آنها نیست.^۱

۸- کمک به کودک در تولید نوآوری در خصوص دوست داشتن پیامبر ﷺ همانند نوشتن شعر، داستان، خطبه، مقالات، تشویق و اجرای مسابقات و رقابت‌های مختلف در موضوع دوست داشتن پیامبر ﷺ.^۲

رکن پنجم: ایمان به روز آخرت

ایمان به روز آخرت دربردارنده ایمان به مرگ، رستاخیز، حساب و کتاب، پُل صراط، میزان، بهشت و جهنم است. درک کودک از برخی مسائل روز آخرت پس از سن تمییز به شکلی واضح آغاز می‌شود اما پیش از آن بهتر است که بصورت مختصر با او از این مسائل سخن گفت پس برای کودک بیان

۱. صحیح بخاری (۳۶۸۸).

۲. بنگر به: التربیة العقائدية از دکتر محمد حاج الجزایری، سایت فی طریق الإصلاح، همچنین: کیف أرسخ حب النبی فی قلب ولدی از خالد روجه، سایت صید الفوائد و نیز بنگر به: أطفالنا و حب الرسول ﷺ از دکتر امانی رمادی، سایت صید الفوائد و همچنین: أعظم إنسان عرفته البشرية از هشام برقش ص ۱۵۱.

می‌داریم که زندگانی دیگری وجود دارد و اینکه الله عز وجله بهشت را به‌عنوان سرای مؤمنان و جهنم را به‌عنوان سرای کافران آفریده است.^۱

از مهم‌ترین مفاهیم تربیتی که می‌بایست نهال آن را در نفس کودک درباره ایمان به روز آخرت کاشت عبارتست از:

۱- اینکه کودک بداند الله متعال انسان‌ها را پس از مرگ در روز قیامت دوباره زنده می‌گرداند تا هر کس به سزای اعمالی که در دنیا انجام داده است برسد، اگر خیر و بدی انجام داده خیر و بهشت در انتظارش است و اگر شر و بدی انجام داده شر و جهنم در انتظارش است.

۲- اینکه کودک بداند الله متعال بهشت را در روز آخرت، سرای کرامت، سعادت و جاودانگی قرار داده است، آن را آفریده است تا بندگان مؤمن خود را با آن پاداش دهد، و جهنم را برای کافران آماده ساخته است. و این کار از طریق تشویق به نعمت‌های بهشت و نعمت‌هایی که خداوند در آنجا برای مؤمنان آماده کرده انجام می‌پذیرد.

۳- سخن گفتن با کودک درباره مرگ و آخرت به شیوه‌هایی نرم که بیانگر رحمت، مغفرت و لطف الله به بندگان باشد تا افکار ناراحت‌کننده بر کودکان چیره نگردد.^۲ و می‌توان آن را به موجودات زنده‌ای ارتباط داد که همین مراحل را پشت سر می‌گذارند با این تفاوت که خداوند انسان را با

۱. غرس أصول الإیمان فی نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۱۲۴.

۲. المرَبون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۱۱۹-۱۲۱.

تکلیف تمایز بخشیده است و مخلوقات را برای او مسخر ساخته است و او را وعده‌ی سزا داده است.

۴- بیان اینکه الله متعال به هیچ وجه ظلم نمی‌کند و ظالم را بدون مجازات رها نمی‌نماید و مظلوم را نیز بدون انصاف در حق وی و حق‌ستانی رها نمی‌کند، و نیکوکار را بدون پاداش نمی‌گذارد، ما کسانی را در دنیا می‌بینیم که با ظلم و ستم کردن زندگی می‌کنند و بر ظلم کردن می‌میرند بنابراین می‌بایست زندگی دیگری بجز زندگانی این دنیا باشد که نیکوکار در آنجا پاداش داده شود و بدکار مجازات گردد و حق هر صاحب حقی گرفته شود.^۱

رکن ششم: ایمان به قضا و قدر

ایمان به قدر دربردارنده‌ی ایمان به کمال علم الله، کتابت، قدرت، خلق و مشیئت او است، کودک نمی‌تواند قضا و قدر را در سال‌های اول کودکی اش فهم کند و برخی معتقدند که کودک توان درک مفاهیم قضا و قدر را تنها پس از تقریباً سن ۹ سالگی دارد^۲ اما معانی و مفاهیمی تربیتی هستند که می‌بایست بذر آن را در نفس کودک نسبت به قضا و قدر نشانند و عبارتند از:

۱. برای کسب معلومات بیشتر می‌توانی به کتاب (الإیمان بالیوم الآخر) از محمد حمد و نیز

کتاب (الإیمان بالیوم الآخر و أثره فی حیاة المسلم) از عبدالله اثری رجوع نمایی.

۲. غرس أصول الإیمان فی نفس الطفل از دکتر شریفه حازمی ص ۱۲۸.

۱- اصل در این مسئله، حدیث وارد شده از عبدالله بن عباس رضی الله عنه است که گفته: «پسر جان! چند کلمه را به تو می آموزم: خدا را به یاد داشته باش تا او نیز حافظ و نگهدار تو باشد؛ مراقب او امر خداوند باش تا در مقابل خود او را بیابی، هرگاه چیزی می خواهی از خدا بخواه و هرگاه یاری می جویی از خدا بجوی و بدان که اگر همه ی مردم جمع شوند که نفعی به تو برسانند نمی توانند مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است و اگر همه ی مردم جمع شوند که ضرری به تو برسانند نمی توانند، مگر آنچه که خدا برای تو مقدر کرده است (چرا که) قلمها از نوشتن باز ایستاده اند و نامه ها خشک شده اند.»^۱ و در روایتی نیز آمده است که: «خداوند را به یاد داشته باش تا او را در برابر خود بیابی، در هنگام آسایش و آسودگی، خدا را به یاد داشته باش تا در موقع سختی و دشواری، حافظ و نگهدار تو باشد و بدان که آنچه برای تو مقدار نشده است مطمئناً به تو نمی رسد و آنچه که برای تو مقدر شده است ممکن نیست که از تو بگذرد و حتماً به تو می رسد. همانا فتح و پیروزی، با صبر و نیز موفقیت با زحمت و مشقت همراه است و با هر سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.»^۲ این حدیث نبوی، مرجعی تربیتی بشمار می رود

۱. به روایت ترمذی (۲۵۱۶).

۲. به روایت احمد (۲۸۰۳).

که شامل ارشاداتی نیکو از سوی پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله به امتش است مبنی بر اینکه فرزندان را بر عقیده سالم و صحیح پرورش دهند.^۱

۲- اصل اینست که از پرداختن به مسئله‌ی قضا و قدر با کودک در این مرحله سنی خودداری کرد اما چیزی که می‌توان در این موضوع به کودک رساند: توضیح گستردگی علم الله متعال و قدرت، احاطه، آفرینش و مشیت او همراه با اثبات آزادی انسان و مسئولیت کامل او نسبت به افعال اختیاری‌اش و مستحق بودن پاداش یا مجازات بخاطر افعالش است که باید به صورت کلی برای کودک بیان داشت اما اگر این مسئله، عقل کودک را مشغول ساخت و بر آن چیره گردید مربی باید در حد توان آن را به صورتی ساده برایش توضیح دهد که عقل او آنرا درک کند.

۳- تربیت دادن کودک بر اینکه از الله متعال درخواست کند و از کسی غیر از او درخواستی نکند و فقط از الله یاری بخواهد چرا که دعا، او را متوجه الله می‌نماید و پی می‌برد که توکل، اعتماد و تکیه کردن فقط بر الله است و نیز صبر بر قضا و قدر او را درک می‌کند.

۴- اینکه کودک بداند الله متعال بجز خیر برای او چیزی نمی‌خواهد بلکه امور دنیا بر حسب تقدیرات الله می‌باشد نفس او ناراحت و اندوهگین نمی‌شود و با نفس را ضی به قضا و قدر الله با مصیبت‌ها مواجه می‌شود زیرا

۱. تربية الناشئة فی القرآن الکریم از صباح طلیان ص ۳۳، همچنین: احفظ الله یحفظک از محمد دببسی ص ۸ و نیز بنگر به: خمسون موقفا للنبی صلی الله علیه و آله مع الصغار از دکتر ابراهیم ودعان ص ۲۵.

یقین می یابد که: ﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا﴾ (توبه: ۵۱) {بگو: هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است}.

۵- اینکه بداند همه امور به دست الله متعال است و او هر چه بخواهد و برگزیند انجام می‌دهد چرا که تصرف مطلق در ملک خود دارد، این امر به افزایش ارتباط برقرار کردن کودک با خالقش و توجه نمودن به او می‌انجامد در نتیجه، خواسته‌ها و دعا و امیدش تنها به خداوند تعلق می‌گیرد و بس.

۶- ایمان به این رکن، سبب تعادل و اطمینان قلبی درون نفس کودک می‌شود، هنگامی که مؤمن احساس می‌کند هر خیر و شری که برای او پیش می‌آید برایش خیر است و اینکه شر مطلق وجود ندارد این امر، احساس اطمینان و ثبات درونی به او می‌دهد و سبب می‌شود با پذیرش کامل قضا و قدر خداوند با مشکلات، رنج‌ها و اندوه‌ها رویاروی شود سپس کار و بار خود را به الله تسلیم می‌کند و با قلب مطمئن و خاطر آسوده به زندگی می‌پردازد،^۱ لذا هر کس به قدر الله ایمان بیاورد ناراحتی به خود راه نمی‌دهد و به هنگام مصیبت‌ها و روی دادن محنت‌ها خشمگین نمی‌شود بلکه تسلیم قدر الله می‌گردد و نزد او پاداش آن را می‌خواهد و در اولین دقایق مصیبت، گفته‌ی الله را یادآور می‌شود که می‌فرماید: ﴿بَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ

۱. بنگر به: الطفل في الشريعة الإسلامية و منهج التربية النبوية از سهام جبار ص ۲۴۹.

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧-١٥٥﴾ (بقره: ١٥٧-١٥٥) {و بشارت ده به استقامت کنندگان! آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد می گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم! اینها، همانان هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هستند هدایت یافتگان!}.^۱

۷- می توان به بیان داستان افرادی پرداخت که قضا و قدر خداوند جَلَّالَهُ عرصه ی زندگی را بر آنان تنگ نموده بود سپس برایشان روشن شد که آن تقدیر خداوند برایشان خیر بوده است چنانکه حال و وضع شان و کار و بارشان به سوی بهتر شدن تغییر پیدا کرد.

۸- ایمان به قضا و قدر بدان می انجامد که الله متعال بصورت کلی و جزئی، دانا به همه چیز است و مقادیر مخلوقات را تا روز قیامت بر اساس علم مطلق خود در لوح المحفوظ نوشته است و اینکه همه ی مخلوقات جز بوسیله مشیت و خلقت الله پدید نمی آیند.

دیباچه ای به پاسخ ها

خالق جَلَّالَهُ کودک را بر سؤال دوستی سرشته است تا عقلش را با بیشترین حد ممکن از مفاهیم و معلومات مجهز نماید و مرحله ی کودکی، مرحله سؤال

۱. بنگر به: تربية الطفل في الإسلام از سیما ابو رموز ص ۷۰، و برای معلومات بیشتر می توان از کتاب (الإيمان بالقضاء و القدر) از شیخ ما دکتر محمد حمد و نیز کتاب (القضاء و القدر) از دکتر عمر اشقر استفاده نمود.

پرسیدن قلمداد می‌گردد چرا که تقریباً بیشتر سخنان کودک در این مرحله، سؤالات است^۱ زیرا کودکان احساس می‌کنند چیزی از امور پیرامونی خود نمی‌دانند و چون جهل، سبب ترس می‌شود لذا آنان با تمام توان خود به سوی یادگیری کشیده می‌شوند چنانکه کودک سه ساله را می‌بینیم که روزانه ده‌ها سؤال را متوجه پدر و مادر و خواهر و برادران بزرگتر خود می‌سازد، و شکی نیست که پاسخ‌های آنها در او تأثیر می‌گذارد و پاسخ‌ها با توجه به تغییر شکل سؤالات و موضوعات کودک به صورت پیاپی، حالت او را تغییر می‌دهند.^۲ همیشه از کودک، کلماتی این‌چنینی می‌شنوی: چه چیزی؟ کجاست؟ چه شد؟ از کجا آمد؟ چیست؟ می‌دانی؟ او می‌خواهد تمام چیزهایی که توجهش را جلب می‌کنند بداند و می‌خواهد چیزهایی که می‌بیند و در باره آنها می‌شنود را بفهمد و ممکن است جواب را فهم نماید یا فهم ننماید و ممکن است زمانی کافی برای پاسخ دادن گوش دهد و ساکت باشد و امکان هم دارد ساکت نباشد.^۳

کودک با آگاهی دوستی تمایز می‌یابد و چه بسا این امر بر حسب محیطی که در آن زندگی می‌کند و بر حسب فرصت‌هایی که برایش فراهم می‌گردد افزایش پیدا کند به همین دلیل ما در بهت و حیرت فرو می‌رویم اگر مقایسه‌ای بین سؤالاتمان در کودکی و سؤال‌های امروزی آنان داشته باشیم بخاطر

۱. بنگر به: تأسیس عقلية الطفل از دکتر عبدالکریم بکار ص ۱۰.

۲. بنگر به: القواعد العشر (أهم القواعد في تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۳۳.

۳. بنگر به: تأسیس عقلية الطفل از دکتر عبدالکریم بکار ص ۱۶.

اختلاف زمان و مکان و پیشرفت علمی ای که هست، و بدون تردید اسلوب تربیتی ای که مربیان بکار می گیرند به شکلی واضح در کاهش یا افزایش سؤال های کودکان تأثیر می گذارد زیرا مربی ای که به کودک، فرصت پرسیدن می دهد و با شادی از هر آنچه کودکان مطرح می کنند استقبال می نماید به عمق جان آنان نفوذ خواهد کرد اما کسی که سؤال پرسیدن های کودکان را تاب نمی آورد و دست رد به سؤالات شان می زند و با داد و فریاد با سؤالات آنان برخورد می کند کودکی را نخواهد یافت که سؤالی پیش او مطرح کند،^۱ و با اینکه بر این امر متفق هستیم که مصلحت و مقبول نیست که خردسالان از هر چیزی اطلاع یابند اما مهم است که از سؤال پرسیدن درباره برخی اموری که در زندگی شان تأثیر می گذارد احساس ترس نکنند و مهم است که احساس نکنند کسی بدانها توجهی نمی کند انگار که وجود ندارند، و مهم تر از این آنست که باید در آن حال که با خانواده خود سخن می گویند احساس راحتی نمایند.^۲

دلایل پرسش های بسیار کودکان

می توان مهم ترین دلایلی که سبب سؤال پرسیدن بسیار کودکان می شود را در موارد زیر منحصر کرد:

۱. بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۱.

۲. بنگر به: القواعد العشر (أهم القواعد في تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۳۶.

- ۱- تمایل کودک به آگاهی‌یابی و اکتشاف به‌عنوان وسیله‌ای برای ارضای نیازهای رشد عقلی.^۱
- ۲- نیاز کودکان به فهم تمام پدیده‌ها و چیزهایی که در پیرامون آنها است.
- ۳- نگرانی و ترس کودک از چیزها، که بخاطر نداشتن پیش‌آگاهی است، مثلاً از حیوانات می‌ترسد حتی اگر به او حمله نکنند به همین دلیل سؤالاتش را بیشتر می‌کند تا احساس امنیت و آرامش کند.
- ۴- رشد توان لغوی کودکان، زیرا هنگامی که پشت سر هم سؤال می‌پرسد صرفاً به معنای دوست داشتن دریافت پاسخ نیست بلکه بیشتر بخاطر تمایل او به بیان لغات، افتخار نمودن به توانایی‌هایش و نیز نیاز او به مشارکت اجتماعی است.
- ۵- فرصتی برای برقراری ارتباط و مشارکت عاطفی میان والدین و فرزندان است.
- ۶- رشد اعتماد به نفس کودک، اعتماد به پدر و مادرش و نیز رشد احترام به خویشتن است.^۲

۱. بنگر به: الطفل و حسب الإستطلاع از عمر سبع، سایت مفكرة الإسلام، تاریخ انتشار: ۲۰۱۲/۱/۵ میلادی، و نیز بنگر به: دراسات فی حب الإستطلاع و الإبداع و الخيال از دکتر شاکر عبدالحمید و عبداللطیف خلیفه ص ۳۳.

۲. أسئلة الأطفال المحرجة و كيفية الإجابة علیها از دکتر مصطفی ابو سعد، تاریخ انتشار در فیسبوک او: ۲۰۱۴/۵/۲۳ میلادی و نیز بنگر به: حول فقه التربية و فضول المعرفة از دکتر عبدالرحمن ذاکر، سایت فن الحیاة، ۲۰۱۴/۷/۹ میلادی.

طبیعت پرسش‌های کودکان:

برای اینکه سؤالات کودک را به شکلی نیک بفهمیم باید میان سؤالات عقلی و لغوی و سؤالات روانی تفاوت بگذاریم چرا که کودک در نوع اول سعی می‌کند درباره چیزی بداند یا درباره چیزی خبری بدهد اما انگیزه‌ی او از سؤال پرسیدن در نوع دوم، اطمینان‌یابی روانی است و خود جواب مدنظر او نیست، و ضروری است که این حقیقت اساسی را تأکید نماییم که سؤالات دارای دلالت و موضع‌گیری قاطعانه است چرا که ما نمی‌توانیم ارزش سؤال را برآورد کنیم یا آن را بفهمیم و معنایش را مشخص نماییم مگر از طریق موضوع معینی که کودک را به سؤال پرسیدن کشانده است زیرا خود سؤال دارای ارزشی نیست بلکه ارزش، دلالت و اهمیتش را از طبیعت موضعی می‌گیرد که مربوط به کودک و شرایط پیرامونی اوست، درواقع سؤالات کودکان دارای سه وظیفه‌ی تکوینی مهم است که عبارتند از:

۱- تحقق یافتن تعادل روانی در کودک، زیرا ریشه‌ی بسیاری از سؤالات کودک، روانی است.

۲- اندیشیدن استنباطی، چنانکه کودک تلاش می‌کند به شناختی جدید برسد با تکیه بر معلومات در دسترس که بر اساس آنها می‌اندیشد یا بین آنها پیوند برقرار می‌سازد.

۳- آشنایی با محیط پیرامونی کودک و امور حیاتی مهم، از جمله آشنایی با ارزش‌های اخلاقی و رفتاری که در چارچوب فرهنگی و اجتماعی‌ای قرار می‌گیرد که کودک در آن زندگی می‌کند.^۱

انواع پرسش‌های نزد کودکان:

مفید است که تلاش نماییم سؤالاتی را که کودکان مطرح می‌کنند دسته‌بندی کنیم، چنانکه پاسخ‌ها به این سؤالات با اختلاف در دسته‌بندی تفاوت می‌یابد، و می‌توان سؤالات نزد کودکان را به دسته‌های زیر تقسیم کرد:

۱- سؤالاتی با رنگ و بوی لغوی: مثل: چرا این چیزها دارای چنین نام‌هایی هستند؟ چرا نام‌ها را تغییر نمی‌دهیم؟ چرا لغت دیگری اختراع نمی‌کنیم؟

۲- سؤالات وجودی: همانند: ما از کجا آمده ایم؟ به کجا می‌رویم؟ فرزندان چگونه بوجود می‌آیند؟ مرگ به چه معناست؟ و...

۳- سؤالات سرکشانه: که حول محور این سؤالات می‌چرخد: چرا اجازه کارهایی که به بزرگسالان داده می‌شود به کودکان داده نمی‌شود؟ این سؤالات در قالب تلاش‌هایی مطرح می‌شود که بیش از آنکه به شکل سؤال باشد تقلید از بزرگترها است.

۴- سؤالات آزمایشی: سؤالاتی است که کودکان برای آزمایش توانایی‌های خانواده و انتقاد از ضعفی که در آنها می‌بینند مطرح می‌کنند و غالباً با

۱. بنگر به: أسئلة الطفل و علاقتها بتنمية القدرات العقلية و آفاقها عند الطفل از حسين سباهي، سایت ألوكة، تاريخ انتشار: ۱۴۳۲/۱۲/۱ هـ.

مقایسه‌ی با خانواده دوستان کودک آمیخته است و معمولاً نیز این سؤالات پیرامون توانایی‌های مالی و جسمی خانواده می‌باشد.

۵- سؤالات نگرانی کودکان: آنان بسیار، سؤالاتی را مطرح می‌کنند که بیانگر احساس نگرانی رو به گسترش در آنها است و از تکراری‌ترین و بیشترین سؤالات بیانگر نگرانی در کودکان که مطرح می‌کنند سؤالاتی پیرامون غایب گشتن و نماندن یکی از پدر و مادر یا موارد متعلق به جدایی است.

۶- سؤالات پیرامون پی بردن به تمایزات بدنی: و در مقدمه‌ی سؤالاتی که کودک برای آگاهی‌یابی مطرح می‌کند سؤالات متعلق به تفاوت‌های جسمی بین دو جنس مذکر و مؤنث است.

این دسته‌بندی می‌تواند به خانواده کمک کند که پشت‌زمینه‌ی سؤال طرح‌شده از سوی کودکانشان را بفهمند چرا که کودکان سؤال را بخاطر پرسیدن مطرح نمی‌کنند بلکه با انگیزه تلاش جهت فهم مطرح می‌نمایند.^۱

چرا پدران و مادران پرسش‌های کودکان را نادیده می‌گیرند؟

سبب نادیده گرفتن سؤالات کودکان و گریز از آنها در پاره‌ای اوقات، ندانستن و اهمیت جواب و نیز آگاه نبودن به نقش روانی و تربیتی پاسخگویی نیست بلکه دلایل دیگری دارد که شاید مهم‌ترین آنها عبارت باشد از:

۱- احساس بزرگتر به عجیب بودن سؤال کودک یا به بی‌ارزش بودن و جدی نبودن آن سبب می‌شود که بدان توجهی ننماید، اینجاست که بزرگترها

۱. أسئلة الأطفال المحرجة و كيفية الإجابة عليها از دکتر مصطفی ابو سعد، تاریخ انتشار در فیسبوک او: ۲۰۱۴/۵/۲۳ میلادی.

حقوق کودکان در اندیشیدن به شیوه خاص آنان را نادیده می‌گیرند که وجه تمایز آن، سادگی و وضوح می‌باشد، این فرافکنی و بی‌توجهی یکی از انواع چیرگی عقلی بشمار می‌رود که بزرگترها بدان پایبند می‌باشند اما فراموش می‌کنند که کودک سؤال ساده‌ی خود را از روی تمایلی صادقانه جهت شناخت یا آگاهی از دنیای پیرامونش به زبان می‌آورد، افزون بر آن، هدف روانی از سؤال پرسیدن کودک، بازیابی تعادل روانی‌ای است که در جایی دیگر از دست داده است.

۲- درک بزرگترها از دشواری سؤال‌ی که کودک مطرح می‌کند، هنگامی که سؤال مرتبط به یکی از جوانب امور ممنوع اجتماعی یا اخلاقی در ضمن چارچوب فرهنگی معینی باشد و جز در سن معینی به او اجازه پرداختن بدان داده نمی‌شود لذا دشواری سؤالات کودکان، بزرگترها را در بهت و حیرت فرو می‌برد، اینجاست که بر بزرگترها واجب می‌شود خودشان را به نیکی برای پاسخگویی درست به چنین سؤالاتی آماده نمایند.

۳- گاهی اوقات سؤالات زیاد کودکان و پیاپی پرسیدن آنها سبب می‌شود که بزرگترها کودک را نادیده بگیرند و اگر آنان اهمیت سؤالات کودکان از لحاظ روانی را درک می‌کردند چنین موضعی نمی‌گرفتند بلکه کودکان را تشویق می‌نمودند که پرسیدن سؤالات خود را ادامه دهند انگار که دارند با صدای بلند فکر می‌کنند.

۴- از میان دلایلی که سبب می‌شود بزرگترها به اندازه کافی به سؤالات کودکان توجه نکنند اینست که سؤالات آنها به صورت ضمنی مطرح می‌شود نه به شکلی مستقیم.

۵- ممکن است که فرار پدران و مادران از پاسخگویی، جهل آنها به آن چیزی باشد که کودک خواستار شناخت آنست، لذا به آنان می‌گوییم: می‌بایست به دنبال جواب برای سؤالات فرزندانمان باشید و با امانت‌داری و صداقت بدانها پاسخ دهید.^۱

۶- فرافکنی سؤالات کودکان از حد و مرزهای توانایی‌های عقلی‌شان که نیازمند جواب‌هایی دشوار می‌گردد، اینجاست که پدر و مادر به فکر فرو می‌روند که کودک چگونه به این سؤال رسیده است^۲ و پاسخ به آن را نادیده می‌گیرند.

والدین چگونه با پرسش‌های کودکان برخورد کنند؟

وظیفه‌ی پدران و مادران ارائه‌ی جواب‌های صحیح به سؤالات کودکان است، همچنین می‌بایست راه‌های مناقشه و گفتگو پیرامون نظرسنجی کودکان خود در مسائل ایمان را فراهم نمایند و به آنها کمک کنند از افکاری که پیرامون دین دارند سخن بگویند بدین خاطر که آرامش، اطمینان، قناعت

۱. بنگر به: أسئلة الطفل و علاقتها بتنمية القدرات العقلية و آفاقها عند الطفل از حسین سباهی، سایت ألوكة، تاریخ انتشار: ۱۴۳۲/۱۲/۱ هـ.

۲. بنگر به: أسئلة الأطفال المحرجة و كيفية الإجابة عليها از دکتر مصطفى ابو سعد، تاریخ انتشار در فیسبوک او: ۲۰۱۴/۵/۲۳ میلادی.

و فهم صحیح از دین را در آنان برانگیزند که این امر سبب حفظ تعادل دینی آنان به دور از افراط و تفریط در دین می‌گردد،^۱ البته لازم نیست که پدران تمامی جواب‌های صحیح به سؤالات دینی کودک را بدانند بلکه باید ارکان ایمان را برای کودکان خود شرح دهند تا بر اساس ایمان قوی به الله پرورش و رشد نمایند،^۲ و چه زیباست که پدران و مادران فرزند بزرگ خود را مکلف به تدوین سؤالات برای کودک کنند چون او نیز غالباً از این مأموریت استقبال خواهد کرد بویژه اگر توجه و تشویق را لمس کند البته ممکن است از این کار لذت ببرند، بنابراین از یک طرف، ارزش سؤال پرسیدن را در نفوس فرزندان بزرگتر بالا می‌بریم که بیانگر جایگاه ویژه آنهاست که سؤال می‌پرسند، همچنین در نفوس آنان، توجه‌ورزی به سؤالات کودکان خود را در آینده نهادینه می‌کنیم آنگاه که خود، پدر و مادر شدند، و از طرف دیگر، سؤالاتی را جمع خواهیم کرد که برای جستجوی پاسخ‌هایش به ما یاری خواهد رساند و به ما کمک می‌کند که سؤالات برادران و خواهران پس از او را حدس بزنیم و برای آنها آماده شویم، و کودک چقدر خوشحال خواهد شد هنگامی که به سؤالات او جواب دهیم چرا که توجه‌ورزی به جواب نیک به سؤالات او، تأثیر بزرگی باذن الله بر او و بر روابط ما با وی خواهد داشت و پدر و مادر را سرچشمه نخست شناخت نزد کودک و منبع مورد اعتماد او در طول سال‌های آتی

۱. علم نفس المراحل العمرية از عمر مفدی ص ۴۳۲.

۲. کیف تقولها لأطفالک از پل کولمان ص ۱۵۵ و بنگر به: عقيدة الطفل المسلم از هیام محمود ص ۵۶.

خواهد نمود بجای اینکه او معلومات خود را از منابعی منحرف بویژه در برهه‌ی نوجوانی اش دریافت کند.^۱

اینجا نکته‌ای هست که باید پدران و مادران بدان توجه کنند و آن: لزوم تفاوت گذاشتن میان دو نوع از سؤالات کودکان است، **اول**: سؤالات مصرانه‌ای که احساس می‌کنیم کودک آنها را تکرار می‌کند و برای همه خانواده‌اش مطرح می‌نماید که شاید برخی سؤالات دیگر از آن سر برآورند، و **دوم**: سؤالاتی عارضی که اگر با او در موضوع دیگری سخن بگوییم سؤالاتش را به فراموشی می‌سپارد لذا حکیمانه نیست که سؤالات نوع اول را نادیده گرفت لذا برای پاسخگویی بدانها تلاش به خرج می‌دهیم یا به دنبال پاسخ آنها می‌گردیم یا به جستجوی شخصی می‌پردازیم که به آنها پاسخ خوبی می‌دهد، و این امر دارای بُعد تربیتی مهمی است اما اشکالی ندارد که از سؤالات عارضی فراتر رفت و آنها را نادیده گرفت بویژه هنگامی که در مورد اموری باشد که ممکن است کودک، توان فهم پاسخ را نداشته باشد.

مبانی برخورد با پرسش‌های کودکان

تعدادی از مبانی و ارزش‌ها هستند که می‌بایست پدران و مادران بدانها پایبند بوده و به هنگام پاسخگویی به سؤالات کودکان، آنها را رعایت کنند از جمله:

۱. بنگر به: طفلك فى الرابعة و النصف از هانى عبد القادر، سايت المسلم، تاريخ انتشار:

۱۴۲۸/۱۰/۱ هـ.

۱- اصل احترام: پدر و مادرانی که به سؤالات کودک گوش می‌دهند این احساس را به او می‌دهند که به وی و دغدغه‌هایش توجه دارند و به سؤالاتش احترام می‌گذارند و این همدلی، توازن روانی و آرامش را به کودک بازمی‌گرداند و در اسرع وقت، اعتماد به نفس، دقت در طرح سؤال و پیگیری منطقی در مسیر گفتگو را از او مشاهده می‌کنیم.

۲- اصل اعتماد و آرامش: پدر و مادر به دنبال دقت در پاسخ‌هایی باشند که از طریق واژه‌های لغوی معروف و رایج و نیز شرح دادن این معلومات در چارچوب علمی صحیح به کودکان خود ارائه می‌کنند چرا که پاسخ درست در نهایت امر به معنای محقق شدن حالت استقرار، اعتماد و آرامش روانی است.

۳- اصل پرداختن به انگیزه‌های خاص کودکان: منظور انگیزه‌های ناشی از سیاق وضعی است که در آن زندگی می‌کنند مثلاً: کودکی که بخاطر تولد کودک نورسیده‌ی خانواده احساس نگرانی و ناراحتی می‌کند سؤال می‌پرسد: کودکان از کجا می‌آیند؟ ممکن نیست که مشکل او به صرف پاسخ علمی حل شود بلکه نیازمند پرداختن به انگیزه‌ای حقیقی هست که او را به طرح این سؤال و توجه ویژه بدان سوق داده است.^۱

بهترین چیزی که بزرگترها به کودکان تقدیم می‌دارند یاری آنان بر روشن نمودن چراغ عقل‌هایشان است البته نه فقط از طریق داستانها، حکایت‌ها و معلومات صحیح بلکه از طریق آموزش و تمرین دادن آنان بر تأمل کردن،

۱. بنگر به: أسئلة الطفل و علاقتها بتنمية القدرات العقلية و آفاقها عند الطفل از حسين سباهي، سایت ألوكة، تاريخ انتشار: ۱۴۳۲/۱۲/۱ هـ

ارائه‌ی پیشنهادات، عادت دادن آنان به بسنده نکردن به ظاهر امور و واداشتن‌شان به اندیشیدن در ما ورای ظاهری که به نظر می‌رسد،^۱ و می‌بایست به تعامل مثبت، مناقشه‌ی سازنده، گفتگوی هدفمند و نظردهی متقابل روی آورد^۲ و نیز باید که خود آنان به طرح سؤالاتی بپردازند که سبب تحریک تفکر در کودکان می‌شود.

می‌توان از پاسخگویی به سؤالات به صورتی وسیع‌تر استفاده کرد چنانکه پدر و مادر می‌توانند از کودک بخواهند یا به او پیشنهاد دهند که سؤالاتش را در جمع خانواده مطرح کند سپس به همه فرصت دهد که در پاسخ دادن مشارکت نمایند اگر که سؤال عادی بوده و عمیق و حساسیت‌زا نباشد اما بسیار مهم است که کودک با تمسخر برادر بزرگترش بخاطر ساده بودن سؤال مواجه نگردد و اگر چنین چیزی روی داد پدر باید از کودک پشتیبانی کند و جرأت او را بستاید و نیاز همه ما به طرح سؤال را بیان دارد و این گفته‌ی الله متعال را یادآور شود که می‌فرماید: ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء: ۸۵) {و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!}، در این پاسخگویی جمعی، تعدادی اهداف را محقق می‌سازیم که منبع آن، سؤالات کودک می‌باشد.

۱. تأسیس عقلیة الطفل از دکتر عبدالکریم بکار ص ۷۸.

۲. برنامه‌ی مقترح لتدريب معلمات الروضة على إجابة التساؤلات العلمية المحرجة لدى الأطفال از استاد دکتر ماهر صبری ص ۷.

تربیت بوسیله‌ی گفتگو

شیوه‌ی مناسب برای کودکان، شیوه گفتگوی مبتنی بر مناقشه و سؤال و جواب است چرا که زبان کودک را باز می‌کند و توان آموزش‌دهی را به او ارزانی می‌دارد زیرا گفتگو است که کسب ملکه و مهارت را فراهم می‌سازد،^۱ و باید کودک در هنگام گفتگو احساس کرامت و احترام نماید و این امر به آزادسازی عواطف کودک از نگرانی، ترس و نزاع‌های روحی همچون سرکوب و عقده می‌انجامد، و اگر کودک احساس آرامش روانی به هنگام گفتگو و مناقشه نماید تمام مشکلات و رنج‌های خود را برای گفتگوکننده‌ی مقابل خود بیان می‌دارد و اگر هر یک از دو طرف به اسباب مشکل برسند و با صراحت درباره‌اش سخن بگویند در این صورت، کودک هر چه در درونش است را بازگو می‌کند لذا حل آن، آسان می‌شود و موفقیت در حل آن ممکن می‌گردد.^۲

گفتگوی میان کودک و پدر و مادرش منافی را برای خانواده به دنبال دارد از جمله: **نزدیکی**، چنانکه کودک به سایر افراد خانواده نزدیکتر می‌شود و نیز **انس و همدلی**؛ چنانکه گفتگو، انس و همدلی را میان افراد خانواده افزایش می‌دهد و سبب محبت و نزدیکی میانشان می‌شود، همچنین **مهربانی**؛ به این معنا که ما از گفتگو فقط خواستار فضای رسمی نیستیم بلکه معنای حقیقی گفتگو بوسیله‌ی سخنان شیرین و فضای مهربانانه می‌باشد.^۳

۱. مقدمة ابن خلدون ص ۵۴۵.

۱. الحوار و بناء شخصية الطفل از سلمان خلف الله ص ۱۰۵، ۱۰۸.

۳. كيف أجيب عن أسئلة طفلي و أحاوره از دكتور سلوى مرتضى ص ۲۱-۲۲.

بر اساس مطالب پیشین در می‌یابیم که تربیت بوسیله گفتگو دارای
مزیت‌هایی است از جمله:

۱- اینکه به کودک، آزادی در اندیشیدن و کشف حقایق توسط خودش را
می‌دهد و این امر عاملی محرک برای نوآوری و رشد شخصیت او است.

۲- روش گفتگو، ساده است نه پیچیده، و کودک با آن به راحتی و بدون
خجالت برخورد می‌کند.

۳- این روش در نفوس کودکان، شادی و خودباوری وارد می‌کند و گوش
دادن به دیگران را بدانها می‌آموزد.

۴- فرصت‌های پژوهش و اندیشیدن مستقل را برایش فراهم می‌آورد لذا
امور را از زوایای مختلفی می‌بیند و او را بر تفکر و اندیشیدن منطقی عادت
می‌دهد.

۵- توجه کودک را بیدار می‌سازد، سردرگمی و سستی را از او دور می‌کند^۱
و او را به واکنش و حرکت وا می‌دارد.

شکل‌دهی پرسش‌ها جهت گفتگو:

اشکال بسیاری برای سؤالات هستند که می‌توان برای کودکان مطرح کرد
از جمله:

۱. الحوار و بناء شخصية الطفل از سلمان خلف الله ص ۷۷ و نیز بنگر به: منهج التربية النبوية
للطفل از محمد سوید ص ۱۱۹ و همچنین: مهارات التواصل مع الأولاد از دکتر خالد حلیبی ص
۳۱.

- (چه اتفاقی می‌افتد؟)، این شکل از سؤال، کودک را به بحث در
 رویدادهای پیرامونش تحریک می‌کند چرا که به او کمک می‌کند آنچه را
 مستقیماً می‌بیند توصیف کند.
- (چه می‌خواهی؟)، این یکی از اشکالی است که او را برای تعیین دقیق
 نیازمندی‌هایش یاری می‌رساند.
- (چگونه فلان کار را انجام می‌دهی؟)، که به کودک جهت تفکر آزاد
 کمک می‌کند و خیال او را برای جستجوی جواب تحریک می‌کند.
- (چرا این امر اتفاق می‌افتد؟)، این شکل از سؤال به کودک کمک
 می‌کند که از امور ظاهری فراتر رود و به دنبال سبب‌ها بگردد لذا شروع به
 تحلیل و جستجوی بین چیزها می‌کند.
- (اگر این اتفاق بیفتد چه کاری انجام خواهیم داد؟)، این شکل از
 سؤال، او را جهت بازاندیشی و دقت به امور از جوانب مختلف کمک می‌کند.
 سؤالاتی که می‌توان برای کودک مطرح نمود متنوع هستند اما از
 مهمترین شاخصه‌های سؤالات نیکو که امید می‌رود نتیجه‌ی خوبی در تربیت
 بوسیله گفتگو با کودکان به بار دهد عبارتند از:
- ۱- اینکه سؤال در حد امکان کوتاه باشد.
 - ۲- اینکه روشن بوده و منحصر در موضوع مشخص باشد.
 - ۳- اینکه متناسب با سن و سال، زمان، مکان و شرایطی باشد که کودک
 در آن زندگی می‌کند.

۴- سؤالی نباشد که با یک بله یا خیر حل شود بلکه سؤالی باشد که ذهن کودک را به حرکت وادارد و کرانه‌های اندیشه‌ی او را گسترش دهد چنانکه مجال را برای او در تخیل جواب فراهم می‌آورد.^۱

اسلوب‌های پاسخگویی به پرسش‌های کودکان

پیش‌تر از انواع و اشکال سؤالات و موارد دیگر سخن به میان آمد، و اینجا از جوابها سخن می‌گوییم چنانکه اسلوب‌های پاسخگویی به سؤالات کودکان بر حسب زمان و مکان و شرایطی که سؤال در آن مطرح می‌شود متنوع است، و از مشهورترین این اسلوب‌ها عبارتند از:

۱- **پاسخگویی شفاهی مستقیم:** این اسلوب از متداول‌ترین اسلوب‌های پاسخگویی است چنانکه کودک، سؤال را مطرح می‌کند و خانواده به صورت شفاهی به او جواب می‌دهند و غالباً این پاسخگویی، سریع و کوتاه می‌باشد.

۲- **پاسخگویی از طریق داستانی کوتاه:** این، اسلوبی غیرمستقیم در پاسخگویی به سؤالات است و داستان، متناسب با طبیعت سؤال مطرح شده می‌باشد و معمولاً کودکان، این نوع از جواب‌ها را دوست دارند و با اشتیاق بدان گوش فرا می‌دهند.

۳- **پاسخگویی تصویری:** ممکن است کودک سؤالی را مطرح کند که پاسخ بدان نیازمند استفاده از برخی تصاویر توضیحی باشد همانند سؤالات علمی

۱. بنگر به: استراتیجیة الأسئلة لتعلیم الفکر از محمود طافش شقیرات، سایت شخص وی، و نیز بنگر به: استراتیجیات التدریس فی القرن الحادی و العشرین از دکتر ذوقان عبیدات و دکتر سهیله ابو السمید ص ۲۱۸.

چنانکه تصاویر در این حالت، منبعی اصلی برای شناخت می باشد بویژه اگر رنگی و جذاب باشد.

۴- پاسخگویی از طریق مشاهده: ممکن است کودک سؤالی را مطرح کند که پاسخگویی بدان به صورت عملی و از طریق همراهی او به مکان جواب دهی امکان پذیر باشد تا که به صورت واقعی به مشاهدهی امور بپردازد و به جواب برسد، همانند سؤال کردن کودک از حیوانات محیط زیست و چگونگی زندگی، خوردن و تولیدمثل آنها.^۱

ارشاداتی عمومی که باید به هنگام پاسخگویی مراعات نمود:

۱- بر این امر حریص باش که با بکارگیری روش مناقشه، سؤال و نظرخواهی کودک را قانع سازی و بر اسلوب القا کردن مطلب تکیه ننمایی و پس از پایان جواب می بایست از قانع شدن کودک به جواب ارائه شده به شکلی رضایت بخش، اطمینان حاصل کرد.

۲- در جواب دادن خود صادق باش و در پاسخگویی به او دروغ مگو تا با دروغ از مخصمه سؤال فرار کنی، همچنین بر این حریص باش که معلومات اشتباهی را - در هیچ حالتی - به کودک ندهی چرا که صحت و درستی جوابها و واقعی بودن آنها، مدار اعتماد کودک به تو است.

۳- بر ساده بودن جوابها حریص باش تا فهم آن آسان باشد و متناسب با عقل کوچک او باشد و از ابهامی که ذهن کودک را دچار تشویش می کند

۱. کیف أجیب عن أسئلة طفلی و أحاوره از دکتر سلوی مرتضی ص ۷۳-۷۴.

دوری کن، و نیز حریص باش که معلومات ناقصی را به کودک ندهی به این بهانه که کودک همچنان کوچک است و قادر به فهم صحیح نیست چرا که این معلومات در ذهن کودک نهاده می‌گردد.^۱

۴- با کودک خود به عنوان احمق برخورد مکن چرا که می‌تواند آنچه دوست داری به او برسانی را در صورت ارائه اسلوب نیک تو درک نماید، همچنین بر پاسخگویی مستقیم و بدون تحریف سؤال حریص باش تا که کودک به مطالب بی‌ربط و خارج از موضوع ورود نکند.

۵- کودک کوچک خود را سرزنش مکن بخاطر سؤالی که می‌پرسد و به تم‌سخر او پرداز و هر سؤالی هم که کرده باشد او را از خود مران بلکه در هر وقتی این احساس را به او بده که تو آماده پاسخگویی به همه سؤالاتش هستی^۲ زیرا تم‌سخر کردن، حس سردرگمی و نداشتن اعتماد به نفس را به کودک می‌دهد و او را از آگاهی دوستی دور می‌گرداند.

۶- از سؤالات کودک درباره خالق و از ناتوانی او بر تصور کردن وجود خدا نگران نباش و از جواب دادن به او فرار نکن چرا که این امر کودک را به جستجوی منابع دیگر جهت کسب چنین معلوماتی می‌کشاند.

۷. تردیدی در این مکن که به او مهلت دهی تا به دنبال جواب باشد چرا که در سیمای شناخت‌پژوهش ظاهر گردد بهتر از اینست که در سیمای

۱. کیف تربی أبناءک فی هذا الزمان از دکتر حسان شمسی باشا ص ۱۲۲.

۲. ابنی مکتشف کیف أعینه علی اکتشافه از منصور السنی ص ۳۳.

مدعی علم که جاهل بدان است باشد، چون عیب و عار نیست که به کودک خود بگویی منتظر بمان تا جواب صحیح را برای تو پیدا کنم.^۱

۸- سؤالات کودکان را با توجه ورزی بپذیر و به آنها گوش فرا بده و این سؤالات را نادیده نگیر چرا که توجه ورزیدن روانی و واقعی به کودک، بسیار به او کمک می‌کند شرحی که تو از اموری می‌کنی که فهم آنها برایش دشوار است را بپذیرد.^۲

۹- اگر واقعاً مشغول کاری بودی باید با نرمی و مهربانی به او بفهمانی که اکنون زمان مناسبی برای پاسخگویی به سؤالات او نیست و حریص باش بر اینکه پس از اتمام مشغولیت خود فوراً به سراغ او بروی و به سؤالاتش جواب دهی.

۱۰- از شرح و تفصیل امور غیر ضروری خودداری کن چرا که پاسخگویی به سؤالات کودک شش ساله می‌بایست کوتاهتر از پاسخ به جواب‌های کودک ده ساله باشد، این امر برای سؤالاتی است که جواب بدانها نیازمند طول و تفصیل و ارائه دلایل می‌باشد چنانکه در سؤالات مربوط به امور غیبی و سؤالات دشوار مشهود است اما پاسخگویی به برخی سؤالات، محدود است و برای همه‌ی کودکان در هر سنی ارائه می‌شود.^۳

۱. أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۱۰.

۲. هل طفلي ملحد؟ آماده کردن: لجنة الدعوة الكترونية.

۳. أسئلة الأطفال المحرجة و كيفية الإجابة عليها از دکتر مصطفی ابو سعد، تاریخ انتشار در فیسبوک او: ۲۰۱۴/۵/۲۳ میلادی.

۱۱- جواب به سؤالات کودکان را در حد امکان به چیزهایی واقعی ربط بده که کودک آنها را درک می‌کند و از چیزهای محض و نامحسوس که فهم‌شان در این مرحله‌ی سنی دشوار است دوری کن و تلاش کن جواب‌هایت دارای پشتوانه‌ی دلایل باشد طوری که معلومات را در حد امکان به کودک ارائه می‌کند یعنی این که جواب، منطقی باشد.^۱

۱۲- می‌باید که میان پدر و مادر در ارائه معلومات به کودک، اتفاق نظر وجود داشته باشد یعنی نظرات هیچ یک از پدر و مادر به هنگام ارائه معلومات به کودک با هم متناقض نباشد.

۱۳- سؤالات کودک را با سؤال دیگری جواب نداد، انگار که پدر سؤال کودک را با سؤال (منظورت چیست؟) جواب دهد، اینجاست که کودک احساس سرخوردگی می‌کند چرا که پیش خودش فکر می‌کند نتوانسته سؤال را به پدرش برساند زیرا کودک بر این باور است که پدر و مادر باید سخن او را بدون شرح و تفسیر بفهمند، لذا اگر یکی از پدر و مادر خواست که از فهم سؤال کودکش اطمینان یابد بهتر است که از چنین عبارتهایی استفاده کند، منظورت این است؟

۱۴- استبداد نداشتن و خود رأی نبودن پدر و مادر به هنگام پاسخگویی به سؤال معینی از کودک، هنگامی که کودک از منبع دیگری به معلوماتی دست می‌یابد اما با روشی مختلف از روش پدر و مادر، در این حالت می‌بایست

۱. کیف أجیب عن أسئلة طفلی و أحاوره از دکتر سلوی مرتضی ص ۷۳.

کودک را از روشی آسان به جواب صحیح قانع کرد که اعتماد به پدر و مادر را به او می‌دهد نه برعکس.^۱

۱۵- حریص باش بر اینکه جواب تو در قالب گفتگوی متقابل باشد نه اینکه بصورت سخنرانی یک طرفه، و بسیار از ضرب‌المثل و داستان استفاده کن، و از کتاب‌های علمی تصویری^۲ برای فهماندن مفهوم و رساندن آن به ذهن کودک بهره بگیر، همچنین از بازی‌های حرکتی، نقاشی، فکر و تأمل کردن، شعر، بازی‌های فکری، پازل، عکس و موارد دیگر استفاده کن^۳ چرا که تنوع، اندیشیدن و تفکر او را بنیان می‌نهد و توسعه می‌دهد و معلومات را نهادینه می‌کند.

۱۶- به برخی از سؤالات به یکباره پاسخ مده بلکه به تدریج چنین کن چرا که اگر بیشتر سؤال پرسد جوابها بر حسب عمر، نوع سؤال‌ها و میزان درک او افزایش می‌یابد.^۴

-
۱. المرَبون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۱۲۶-۱۳۰.
 ۲. می‌توان در زمینه داستانهای کودکان از کتاب‌هایی همانند (قصص تکوین شخصية الطفل) از وید براکاش و نیز کتابهای علمی مثل: سلسلة و أجوبة التي تصدرها عالم الكتب (که تا کنون ۱۶ کتاب از آن نشر شده است) و موارد این چنینی کمک کرد، همچنین بنگر به کتاب (طفل یقرأ) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۱۰۱ و کتاب (قصص رواها النبي محمد ﷺ) از دکتر عثمان مکانسی و کتاب (قصص رواها الصحابة) از دکتر عثمان مکانسی.
 ۳. منهاج تفکر مع أنوس: تجربة جديدة في إعداد مناهج تستند إلى التفكير في بناء العقيدة و تنمية التفكير للطفل از مها شجاده ص ۷ و نیز بنگر به: الإرتقاء بالامة في تعظیم محبة نبي الأمة ﷺ ص ۶.
 ۴. أسئلة الأطفال المحرجة از عایشه حکمی، سایت الوکة، تاریخ انتشار: ۱۴۳۴/۱/۱۷ هـ

۱۷- هنگامی که کودک بزرگ می‌شود و تا حدی به پختگی می‌رسد پسندیده است ابتدا نظر او را در مورد چیزی که می‌پرسد جویا شویم لذا سؤالش را بر خود او مطرح می‌کنیم تا ببینیم چگونه به آن واکنش نشان می‌دهد؟ و بر اساس این واکنش می‌توانیم به جواب بپردازیم، البته می‌بایست از تلاش برای اینکه کودک همانند عقل ما بیندیشد دست برداریم زیرا این کار، کودک را وارد چارچوبی می‌کند که فراتر از اوست.^۱

اشتباهات تربیتی به هنگام پاسخگویی

از مهم‌ترین اشتباهات تربیتی‌ای که با کودکان مرتکب می‌شویم عبارتند از:

- مراعات نکردن جنبه‌های مختلف تربیت، چرا که جنبه‌ی ایمانی، جنبه اخلاقی و جنبه علمی داریم و اشتباه است که بر یک جنبه تمرکز نماییم و جنبه‌های دیگر را رها کنیم یا میان آنها تعادل برقرار نسازیم.
- همچنین تدریجی عمل نکردن در تربیت، زیاده‌روی در نکوهش، تنبیه و متهم ساختن به کوتاهی و مقصر کردن.
- و نیز تمایل ما به پذیرفتن سخن مان از سوی کودک بدون مناقشه و گفتگوی دو طرفه، همچنین مشورت نکردن با افراد متخصص و باتجربه، شتابزدگی و پیگیری ضعیف.

۱. بنگر به: القواعد العشر (أهم القواعد فی تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۳۵، و نیز بنگر به: الإشکالية المعاصرة فی تربية الطفل المسلم از سعید عبد العظیم ص ۵۹.

و ابهام به هنگام تربیت و ارشاد، مخالفت گفتار ما با کردارمان و فرستادن سیگنال‌های منفی نومیدکننده،^۱ تمامی این‌ها اشتباهاتی هستند که در بنیان تربیتی و ایمانی نفس کودک تأثیرگذار می‌باشد.

۱. بنگر به: أخطاؤنا فی التریبة از عبدالرحمن عاید که چنیدن اشتباه و اسباب افتادن در آنها را خاطر نشان ساخته است، و نیز بنگر به: حاول أن تروضنی از ری لیوی و بیل اوهانلون ص ۲۲۳.

فصل دوم: نمونه‌هایی عملی برای پاسخگویی به پرسش‌های

ایمانی کودکان

جواب‌های آمده در این بخش از کتاب در مرتبه‌ی اول، متوجه پدران و مادران و سپس معلمان، مربیان تربیتی و مصلحانی است که با سؤالات کودکان سر و کار دارند و از آنان می‌خواهیم که محتوای جواب را متناسب با سن، سطح و توان کودک ارائه دهند زیرا ما نمی‌توانیم جوابی یکسان به سطوح سنی، عقلی و توان مختلف کودکان بدهیم^۱ به همین دلیل آنچه برای ما مهم است روح و حقیقت جواب است نه حروف و کلمات آن،^۲ همچنین تنوع در خطاب قرار دادن در پاسخ‌ها که خطابی مستقیم یا غیرمستقیم باشد برای ما مهم است تا بتوانیم بالاترین میزان ممکن از تصور را برای خواننده گرامی ارائه کنیم، یعنی خواننده به نوبه‌ی خود، اصل این جواب‌ها را می‌گیرد و با روشی که برای کودکش مناسب‌تر و بهتر می‌داند بازآفرینی می‌کند و به او می‌رساند.

برای پاسخگویی به سؤالاتی که کودک در ارتباط با ابواب ایمان می‌پرسد باید پدر و مادر، حداقلی از معلومات شرعی را داشته باشند که بدانان اجازه می‌دهد مفاهیم دینی اولیه را برای کودک نقل کنند و امور غیبی را با شیوه‌ای

۱. مربیان مرحله‌ی کودکی را به سه مرحله تقسیم می‌کنند؛ مرحله‌ی اول: آغاز کودکی که از سه تا پنج سالگی می‌باشد، دوم: مرحله‌ی میانی کودکی که از شش تا هشت سالگی است و سوم: دوران پایانی کودکی است که از سن نه تا دوازده سالگی می‌باشد.

۲. بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة علیها از دکتر بسام عموش ص ۲۷.

متناسب با عقل و توان کودکان برایشان تفسیر می‌کند، اما چالشی که عموماً سر راه مربیان قرار می‌گیرد فقط به داشتن معلومات محدود نمی‌شود بلکه مربوط به قرار دادن و ارائه معلومات در قالبی است که عقل کودک آن را می‌پذیرد و می‌فهمد و نیز مربوط به شیوه‌ای است که متناسب با زمان، مکان و شرایطی باشد که کودک در آن زندگی می‌کند.

ما در ادامه به بیان نمونه‌هایی از سؤالاتی می‌پردازیم که بر زبان کودکان تکرار می‌شود و البته تمامی سؤالات، آنها نیستند بلکه مهمترین و پرتکرارترین‌شان می‌باشند، و حریص بوده‌ایم که بهترین جواب‌ها را در نظر خود برگزینیم و ادعا هم نمی‌کنیم که بهترین جواب‌ها هستند بلکه نمونه‌هایی هستند که پدران و مادران می‌توانند با آن سؤالات شروع کنند و البته قابل تصحیح و حذف و اضافه می‌باشند.

یادآوری:

هر کس می‌پندارد بخاطر وجود سؤالات شک‌برانگیز کودکان از خلل و کاستی در تربیت آنان رنج می‌برد در اشتباه است چرا که این حالت در کودکان، پدیده‌ای طبیعی قلامداد می‌شود که بیانگر تکامل طبیعی و زنجیره‌ای منطقی در تفکر کودک و توانایی‌های عقلی اوست، و ایرادی هم اگر باشد در ناتوانی پدران و مادران بر فهم نکردن رشد کودک، گسترده شدن کرانه‌های عقل وی و نیز در پیشوازی کودک از نهانی‌های هستی و دنیای

پیرامونی‌اش است،^۱ بر همین اساس بر پدر و مادر و کسانی که با کودک برخورد دارند لازم می‌آید که در ارائه پاسخ‌های قانع‌کننده به کودک تلاش نمایند چرا که پاسخ قانع‌کننده به صورت جزئی به ثبات و استقرار روانی، فکری و اجتماعی کودک کمک می‌کند، بر خلاف جواب‌های ناقص یا واکنش‌های اشتباه که سرگشتگی و سردرگمی کودک را افزایش می‌دهد و این سرگشتگی و سردرگمی سبب بوجود آمدن اضطراب در رفتار و نیز خلل در تفکر و برخورد او می‌گردد.

براستی که مشکلات بزرگ به یکباره سر بر نمی‌آورند و چنانکه آتش از یک جرقه شروع می‌شود بنابراین بسیاری از صفات بد در انسان همچون بذر کوچکی می‌باشد که سهل‌انگاری و امروز و فردا کردن درمان آن، آبیاری‌اش می‌کند و بی‌تفاوتی به آب زندگانی سبب رشد و نموی بد آن می‌شود تا اینکه در نفس ریشه می‌دواند و در نتیجه، ریشه‌کن کردنش دشوار می‌گردد.^۲

پرسش‌های مرتبط با ایمان به الله:

بیشتر سؤالاتی که در ذهن کودک در اوایل عمرش جریان دارد سؤالاتی است که حول محور خداوند می‌باشد، ما در اینجا بیشترین سؤالاتی را که کودکان در این رابطه برای پدر و مادر خود مطرح می‌کنند بیان می‌داریم.

۱. هل طفلی ملحد؟، آماده کردن: لجنة الدعوة الالکترونية.

۲. بنگر به: الدعوة مهارت و فنون از شحاته صقر ص ۳۴۰.

الله کیست؟

پیش از هر چیز می‌بایست منتظر نماییم که کودک درباره خداوند از ما سؤال پرسد بلکه خود، همیشه و در هر مناسبتی به سخن از خداوند می‌پردازیم چرا که جواب درست به سؤال کودک از خداوند و صفات وی، عقیده توحید و ایمان به خدا را در عقل و قلب او پایه‌گذاری خواهد کرد به همین دلیل، بهترین روش اینست که ذهن کودک را از تفکر کردن در ذات خداوند به سمت تفکر در نعمت‌ها و مخلوقات عجیب او همچون آسمان، ابرها، ستارگان، خورشید و ماه، دریا و درخت و چیزهای دیگر متوجه ساخت^۱ و فضل خداوند بر او در آفریدن خودش و اعضای بدنش همانند چشم‌ها، گوش‌ها، دهان، زبان، دستان، پاها و سایر اعضای او را یادآوری نمود لذا به او خبر می‌دهیم که این آسمان، این زمین و تمامی این درختان را خداوند آفریده است تا که به این کلمات عادت کند و انس بگیرد، و هنگامی که از ما می‌پرسد خداوند کیست؟ به سادگی به او جواب می‌دهیم خدا کسی است که همه چیزهای پیرامون ما و تمام انسان‌های پیرامون ما را آفریده است و مثال‌های زیادی برای این امر به او می‌دهیم.

اگر کودک را از این دنیاها و آسمانی و زمینی مطلع ساختیم و برایش پرده از این نظم و نظام عجیب و ترتیب دقیق برداشتیم به او می‌گوییم: آیا این نظم و ترتیب را دیدی؟ براستی که وضع‌کننده‌ی این قوانین و نظم‌دهنده‌ی بدانها

۱. می‌توان از کتاب (عجائب خلق الله) از عمر اشقر استفاده نمود.

الله عزوجل است، اینجاست که او با علم و دلیل، پروردگارش را احساس می‌کند، همچنین به او خبر می‌دهیم که الله همان کسیست که همه چیز را آفریده است و هیچ چیزی مثل او نیست و او مهربان، روزی دهنده و بخشنده است و دارای نام‌ها و صفاتی است که همگی نیکو و زیبا هستند به همین دلیل فقط او شایسته عبادت است که یگانه و بی‌شریک است، و نیز خداوند کودکان را دوست دارد و به بزرگترها امر می‌کند که مواظب‌شان باشند، به آنها نفع برسانند و به کودکان و همه مردم خوبی کنند، و ما را بخاطر اعمال خوب پاداش می‌دهد و بخاطر اعمال بد مجازات می‌کند، اوست که به نیکوکار بخاطر نیکوکاری اش پاداش داده و بدکار را بخاطر بدکاری اش مجازات می‌کند، همچنین مفید است که به کودکان جملات کوتاه اما پرمعنا را یاد داد که در بردارنده‌ی بهترین جواب‌ها درباره ذات و صفات خداوند است، مثلاً این گونه که: او خدایی است که {نزاده است و زاده نشده است} * و کسی هم‌تا و هم‌گون او نمی‌باشد.^۱

و می‌توانیم سؤالی را برای او مطرح کنیم و بگوییم: چه کسی این لباس زیبا را برای تو خریده است؟ خواهد گفت: پدرم، و چه کسی تو را به مدرسه می‌برد؟ جواب خواهد داد: پدرم، و هنگامی که مریض می‌شوی چه کسی تو را به نزد دکتر می‌برد؟ خواهد گفت: پدرم و چه کسی تو را در تعطیلات به

۱. بنگر به: وسائل التربية الإيمانية في ضوء العلم و الفلسفة و الإسلام از دکتر مقداد یالجن، مجله‌ی المسلم المعاصر، شماره‌ی پنج، و نیز بنگر به: المربون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۳۲ و همچنین بنگر به: القرآن الکریم رؤیة تربویة از دکتر سعید علی ص ۱۹.

تفریح می‌برد؟ می‌گوید: پدرم، بنابراین پدرت است که تمام کار و بارت به دست او می‌باشد؟ می‌گوید: بله. می‌گوییم: الله متعال هم سرپرست تمام ما است، او خالق همه چیز است، تمام هر آنچه پیرامون خود مشاهده می‌کنی آفریده الله است؛ خورشید و ماه، ابر و دریا و کوه‌ها، او انسان و حیوانات و پرندگان را آفریده است و فرشتگان و جنیان را خلق نموده است، او آفریننده تمام جهان است، او بخشنده و مهربان است و از ما نگهداری می‌کند، ما را دوست می‌دارد و همیشه خیر را به ما می‌رساند.

آیا خداوند شبیه انسان است؟

خیر، مثل ما نیست بلکه هیچ چیزی مثل الله نیست، او کسیست که من و شما و همه مردم را آفریده است: درختان، رودها، دریاها و همه چیز را در این دنیا آفریده است، او منبع قدرت است و هرگاه چیزی را اراده کند به آن چیز می‌گوید باش می‌شود، خداوند با انسان تفاوت دارد چرا که انسان نمی‌تواند انسانی را بیافریند اما الله می‌تواند و قادر است هر چیزی را که می‌خواهد انجام دهد و چون کسی نمی‌تواند الله را در این دنیا ببیند پس کسی نمی‌تواند شکل او را توصیف کند، ما نمی‌توانیم به خداوند نگاه کنیم چرا که توانایی‌های ما محدود است لذا از کودک می‌خواهیم برود و به اشعه‌ی خورشید نگاه کند بدون اینکه چشمانش را ببندد و از او می‌پرسیم: آیا می‌تواند پشت سرهم به خورشید نگاه کند؟ جواب منفی خواهد داد، پس می‌گوییم، الله نیز این‌گونه است عزیزجان، نوری را که از الله متعال منبعث

می شود توان تحملش را نداریم اما هنگامی که وارد بهشت شدیم باذن الله او را خواهیم دید.

ممکن است که کودک در اینجا اعتراض کند و قانع نشدن خود را نشان دهد و بگوید: چگونه هیچ چیزی مثل او نیست؟ اینجا می بایست با آرامی او را قانع ساخت لذا می گوییم: عقل های ما هر اندازه هم بزرگ و قوی گردد باز هم عقل هایی بشری و قاصر باقی می ماند، آنچه را الله اراده نموده که عقل ما بدانند می داند و غیر آن را نمی داند پس غیر ممکن است که همه چیز را یاد بگیریم چون همیشه، بشر می مانیم. همچنین به کودک گفته می شود: اگر خداوند انسان بود مثل ما مریض می شد و مثل ما می خورد و می نوشید، و نیز مثل همه ی انسان ها می مُرد، اما الله عزوجل مریض نمی شود، غذا نمی خورد، آب نمی نوشد و نمی میرد. او همیشه موجود است، خالق آسمان ها و زمین و همه چیز در هستی می باشد، به همین دلیل هیچ چیزی مثل او نیست. می توانیم از کودک بپر سیم: آیا ما انسان ها می توانیم به چیزی بگوییم باش و آن چیز خلق بشود؟ کودک جواب می دهد: نه، و بدین گونه با کودک نتیجه می گیریم که خداوند انسانی مثل ما نیست بلکه او خالق عظیم است.

و به او می گوییم: شنیدن ما محدود است چرا که ما جز از مسافت معینی نباشد صداها را نمی شنویم و حتی اگر همه را می شنیدیم خسته می شدیم، همچنین بینایی ما محدود است زیرا جز از مسافت معینی نباشد نمی بینیم چنانکه نمی توانیم مثلاً پشت دیوار را ببینیم، و همانطور که شنیدن و دیدن ما محدود است عقل ما نیز محدود می باشد زیرا هر چیزی را درک نمی کند، عقل

انسان محدود است و قادر به درک همه چیز نیست، لذا از زمانی که الله متعال بشریت را آفرید تا به امروز هم مساحت مجهول و ناشناخته بسیار بیشتر از مساحت معلوم است، مثلاً روحی که در جسم انسان است با اینکه نزدیک ماست اما نمی‌توانیم آن را تخیل کنیم و حقیقت آن را بشناسیم، حال که این امر نسبت به ما این‌گونه است اموری که خارج از ما می‌باشد چگونه است؟

بر این اساس، عقل انسان همواره محدود است لذا نمی‌تواند ذات الله را درک کند در نتیجه، سخن گفتن از شکل الله متعال با تصور، عقل و توهم امکان‌پذیر نیست بلکه تنها با شرع ممکن می‌باشد، و قرآن کریم این مسئله را با این گفته فیصله داده است که: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری: ۱۱) {هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!}، بر همین اساس، الله نه مثل ما است و نه مثل هیچ چیز دیگری،^۱ و این امر بیانگر عظمت الله است که بر ما واجب است او را دوست بداریم، به او امید داشته باشیم و از او بترسیم، و این بزرگی و عظمت آشکار می‌سازد که چرا دیدن او در بهشت، بزرگترین نعمت آن است.

چه کسی خدا را آفرید؟

اگر کسی باشد که خدا را خلق کرده است می‌شد پرسید که چه کسی خالق را خلق کرده است! آیا این چنین نیست؟ بنابراین می‌باید بدانیم از

۱. بنگر به: کیف أجيب عن أسئلة طفلي؟ از مروه عاشور، سایت ألوكة، ۱۹/۲/۱۴۳۲ هـ و نیز بنگر به: ابني مكتشف كيف أعينه و أحاوره؟ از دکتر سلوی مرتضی ص ۱۹۷ و همچنین بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۳۰-۳۱.

صفات خالق اینست که او مخلوق نیست بلکه همه‌ی مخلوقات را آفریده است و اگر مخلوق بود او را عبادت نمی‌کردیم و از آموزه‌ها و اوامر او پیروی نمی‌نمودیم لذا سؤال پرسیدن از اینکه چه کسی خدا را خلق کرده صحیح نیست و سؤالات نادرست هم بی‌معنا می‌باشد، مثلاً اگر کسی از تو درباره طول ضلع چهارم مثلث بپرسد؟ جایی برای جواب دادن نیست چرا که مثلث فقط سه ضلع دارد و اشتباه در سؤال «چه کسی خدا را آفریده» اینست که کلمه‌ی خلق و کلمه‌ی خدا با هم قابل جمع نیستند زیرا خداوند خلق نمی‌شود بلکه فرایند خلق بر مخلوق روی می‌دهد و هیچ‌کسی نمی‌تواند خدا را بوجود بیاورد وگرنه او نیز مخلوق بود، بنابراین خدا موجودی است که هیچ آغاز و پایانی ندارد.

و اگر - جدلاً - فرض کنیم که خداوند خالق‌ی دارد! باز هم سؤال سر جایش باقی می‌ماند که: چه کسی خالق را خلق کرده است؟ سپس چه کسی خالق خالق را خلق کرده است؟ و این چنین تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند و این امر محال است، برای نزدیکی ذهن، سرباز و گلوله را مثال می‌زنیم: سرباز می‌خواهد شلیک کند اما برای تیراندازی باید از سرباز پشت سر خود اجازه بگیرد و آن سرباز هم برای اینکه به او اجازه دهد باید از سرباز پشت سر خود اجازه بگیرد و این‌گونه تا بی‌نهایت ادامه می‌یابد، سؤال اینست: آیا با این وصف، سرباز اولی تیری شلیک خواهد کرد؟ جواب خیر است چرا که به سربازی نخواهد رسید که به او اجازه شلیک را بدهد اما اگر این زنجیره به شخصی منتهی شود که بالاتر از او کسی نیست به وی اجازه‌ی تیراندازی

خواهد داد و تیر شلیک خواهد شد اما بدون آن شخص یادشده، تعداد اشخاص هر اندازه هم زیاد باشد گلوله‌ای شلیک نخواهد شد بنابراین آنها همانند صفرهایی هستند که اگر همه را کنار همدیگر قرار دهی هر اندازه هم زیاد باشند پایانی ندارند و همواره معادل چیزی نیستند مگر اینکه قبل از آنها یک شماره‌ی یک یا بیشتر قرار گیرد.^۱

خدا از کجا آمده و عمر او چقدر است؟

عزیز من، مادامی که می‌دانی خداوند خلق نشده است و نیز نزاده است و زاده نشده است و آغاز و پایانی ندارد بنابراین او عمری ندارد آنطور که ما انسان‌ها داریم چرا که الله، خالق عظیم بی‌نیاز بزرگ بلندمرتبه‌ی عزیز رحیم است که دارای نام‌های نیکو و صفات والا است، او دارای صفات کمال است و صفات نقص ندارد لذا الله است که جهان را بوجود آورده همانطور که تمام چیزها و همه مخلوقات را ایجاد کرده است.

چه کسی قبل از الله بوده؟

این عین همان سؤال «چه کسی خدا را خلق کرده» می‌باشد لذا سؤالی اشتباه است چرا که خداوند اول است و قبل از او هیچ چیزی نبوده و آخر است و پس از وی چیزی نخواهد بود چنانکه می‌فرماید: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ

۱. بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۲۹، و نیز بنگر به: الملحد و سراله الخاطئ من خلق الله از دکتر ربیع احمد، سایت ألوكة، تاریخ انتشار: ۱۴۳۶/۵/۱۸ هـ و همچنین بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۲۴، و نیز: شموع النهار از عبدالله عجیری ص ۱۵۱.

الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳﴾ (حدید: ۳) {اَوَّل و آخِر و پیدا و پنهان اوست و او به هر چیز داناست}. خداوند متعال فراتر از زمان و مکان است، زمان یکی از مخلوقات خدا است بنابراین مخلوقات نمی‌توانند بر خالق خود احاطه یابند چرا که خداوند دارای تمام صفات کمال و زیبایی است، و در اینجا می‌بایست به نصیحت نبوی توجه داشتیم چنانکه ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: «شیطان نزد هر یک از شما می‌آید و می‌گوید: این را چه کسی آفریده و آن را چه کسی آفریده است تا آن که می‌گوید: پروردگار تو را چه کسی آفریده است؟ پس اگر چنین وسوسه‌ای ایجاد کرد به خداوند پناه بجوید و از آن وسوسه بازمانید». ^۱ لذا پناه بردن به الله و تغییر جهت دادن اندیشه‌ی کودک به مسئله‌ای دیگر به‌صورتی غیرمستقیم برای اینکه به این سؤالات نپردازد در اینجا از جواب‌های مهم است و تغییر جهت دادن اندیشه او از این موضوع بخاطر نبود جواب نیست بلکه به سبب بستن روزنه‌های وسوسه است.

خداوند مذکر است یا مؤنث؟

می‌بایست تلاش کنیم که ذهن کودک را از اندیشیدن بسیار در ذات خداوند دور کنیم و ذهنش را متوجه تفکر در اموری گردانیم که به او سود و فایده می‌رساند، و در اینجا برای ما بهتر است برای کودک توضیح دهیم که مسئله‌ی مذکر و مؤنث از لازمه‌های تفاوت گذاشتن بین جنس‌های مخلوقات

۱. صحیح بخاری (۳۲۷۶).

زنده است و از اموریست که خداوند با آن بر مخلوقاتش منت نهاده است: ﴿وَأَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى﴾ (نجم: ۴۵) {و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید}، خداوند متعال فراتر از این دسته‌بندی است بلکه حتی مخلوقات دیگری هستند که در این دسته‌بندی قرار نمی‌گیرند همانند فرشتگان مثلاً، و حتی آسمان، ابر، هوا و آب به مذکر یا مؤنث توصیف نمی‌شوند بنابراین چون مخلوقات هستند که با وجود ناقص بودن شان مشمول این دسته‌بندی قرار نمی‌گیرند الله متعال از باب اولی به مذکر و مؤنث وصف نمی‌گردد چرا که: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (شوری: ۱۱) {هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!}.

چرا به وجود خدا ایمان داریم؟ اثبات وجود خدا چگونه است؟

ایمان به خداوند متعال فطرتی انسانی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را انکار کند و دلایل وجود خدا بسیار است، و مردم پیوسته دلایل را پشت سر هم هر کسی بر حسب تخصص خود کشف می‌کنند چرا که دلایل فطری در نفس بشری، وجود خدا را اثبات می‌کند، الله متعال می‌فرماید: ﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم: ۳۰) {این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده است}، هر یک از ما نیرویی در درون خود می‌یابد که با او از عظمت قدرت خداوند سخن می‌گوید و دلایل علمی محسوس، وجود نظم و نظامی دقیق در این هستی را تأکید می‌کند، این نظم دقیق می‌بایست پدیدآورنده‌ای داشته باشد وگرنه این مخلوقات را چه کسی بوجود آورده است؟ یا اینکه به صورت تصادفی و بدون علتی بوجود آمده‌اند که در این صورت، کسی

نمی‌داند چگونه این چیزها بوجود آمده‌اند! احتمال دیگر اینکه این چیزها خود را بوجود آورده‌اند و به امور خود پرداخته‌اند! و احتمال سوم اینست که آنها یک بوجود آورنده دارند که بوجودشان آورده و خالق‌ی دارند که آنها را خلق کرده است، با نظر افکندن در این سه احتمال درمی‌یابیم که احتمالات اول و دوم غیرممکن هستند بنابراین چون احتمال اول و دوم محال است لازم می‌آید که احتمال سوم، صحیح و روشن باشد یعنی اینکه همه‌ی مخلوقات، خالق‌ی دارند که آنها را آفریده و الله می‌باشد، و این چیز است که در قرآن کریم آمده است، الله متعال می‌فرماید: ﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ * أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ﴾ (طور: ۳۵-۳۶) {یا آنها بی‌هیچ آفریده شده‌اند یا خود خالق خویشند؟! آیا آنها آسمانها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند!}.

و نیز از دلایل حسی مبنی بر وجود خدا، استجابت دعاها از سوی خداست، همچنین دقت شگفت‌انگیز در آفرینش آسمانها و زمین است چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران: ۱۹۰) {مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (روشنی) برای خردمندان است}، و نظم و دقت در آفرینش انسان چنانکه می‌فرماید: ﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات: ۲۱) {و در وجود خود شما (نیز آیاتی است) آیا نمی‌بینید؟!}، و نیز در آفرینش ستارگان، کوه‌ها، حیوانات و چیزهای دیگر، تمامی این‌ها بیانگر ابداع پدیدآورنده است، برآستی که آیات و نشانه‌های

خداوند در کرانه‌ها، جان‌ها و همه چیز پراکنده است و تمامی آنها بیانگر وجود خدای خالق یکتا و یگانه است، و می‌بایست که برای وجود همه‌ی این مخلوقات، هدفی از بوجود آمدنشان باشد که همگی آنها خداوند یکتا و بی‌شریک را عبادت می‌کنند.^۱ می‌توانیم داستان ابوحنیفه رحمته الله علیه را برای این موضوع بیان داریم هنگامی که جمعی از او خواستند توحید ربوبیت را برایشان اثبات کند، وی بدانها گفت: پیش از سخن در این مسئله به من بگوئید نظرتان راجع به یک کشتی چیست که به آب می‌زند و خودش خوراک و وسایل دیگر را بار می‌کند و خودش برمی‌گردد و خودش پهلو می‌گیرد و مواد خوراکی و دیگر وسایل را تخلیه می‌کند؟ و البته تمام اینها بدون تدبیر یک مدبر انجام می‌پذیرد، گفتند: چنین چیزی محال است اصلاً امکان‌پذیر نمی‌باشد، ابوحنیفه بدانها گفت: اگر این امر در رابطه با یک کشتی محال است در مورد تمام این جهان^۲ چگونه باید باشد؟! لذا غیرممکن است که این آفرینش استوار و دقیق بدون یک خالق توانا و دانا باشد.

همچنین می‌توان به کودک گفت: هنگامی که احساس درد در شکم خود می‌کنی آیا متوجه گرسنگی‌ات نمی‌شوی؟ و خود به‌خود به دنبال غذا

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۵۵، و نیز بنگر به: أفي الله شك؟ از حمد مرزوقی ص ۱۲۹ و همچنین بنگر به: الأدلة على وجود الله و الحكمة من خلقه للعباد، سایت الإسلام سؤال و جواب، تاریخ انتشار: ۲۰۰۲/۴/۷ میلادی، و نیز بنگر به: الله كتاب في نشأة العقيدة الإلهية از عباس عقاد ص ۲۱۱، ۲۲۲.

۲. بنگر به: شرح العقيدة الطحاوية از ابن ابی العز حنفی با تحقیق احمد شاکر ص ۳۵.

نمی‌گرددی تا گرسنگی‌ات را برطرف کنی؟ و آنگاه که احساس تشنگی می‌کنی آیا به دنبال چیزی نمی‌گرددی که تشنگی‌ات را برطرف و تورا سیراب می‌نماید؟ و زمانی که بوی خوشی به مشامت می‌رسد آیا احساس خوبی نمی‌کنی؟ و برعکس وقتی که بوی بدی به مشامت می‌رسد؟ وقتی که به گل و گیاه و آسمان و طبیعت پیرامون خود می‌نگری آیا احساس شادی نمی‌کنی؟ ما خودبه‌خودی احساس می‌کنیم نیازمند خدای بزرگی هستیم که همیشه در هنگام نیاز خویش به او پناه ببریم تا احساس امنیت و آرامش نماییم، پس هنگامی که احساس اندوه و ناراحتی می‌کنیم خودبه‌خود به خداوند پناه می‌بریم و دست دعا به سوی او بلند می‌کنیم و اگر احساس خوشبختی و شادی کنیم او را بخاطر آن حمد و سپاس می‌گوییم.

آیا خداوند مثل ما می‌شنود و می‌بیند و سخن می‌گوید؟

خداوند متعال می‌گوید و می‌شنود و می‌بیند، چنانکه می‌فرماید: ﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا﴾ (مجادله: ۱) {خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می‌کرد شنید}، و نیز می‌فرماید: ﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى﴾ (طه: ۴۶) {فرمود: نترسید! من با شما هستم؛ (همه چیز را) می‌شنوم و می‌بینم!}، همچنین می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود: ۱۱۲) {خداوند آنچه را که انجام می‌دهید می‌بیند!}، اما سخن گفتن، شنیدن و دیدن او مثل ما نیست چرا که خداوند با مخلوقاتش متفاوت است، او **عَلَّامٌ** صداها را در هر سطحی می‌شنود، چیزها را با هر فاصله‌ای می‌بیند، همه چیز را می‌شنود و همه چیز را می‌بیند

اما شنیدن و دیدن او شبیه شنیدن و دیدن مخلوقاتش نیست که نقص و ضعف آنها را فرا می‌گیرد بلکه خداوند: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!) { شوری: ۱۱ }، چه خوب است که این امر را به رفتاری مستقیم پیوند داد چنانکه گفته شود چون که خداوند شنوا و بیناست آیا شایسته ماست چیزهایی را بگوییم که خدا از آن ناراضی است و ما را بر حالتی ببیند که مورد قبول او نیست؟^۱

آیا خداوند گرسنه و تشنه می‌شود؟

الله متعال دارای صفات کمال است و صفات نقص به او نمی‌رسد، گرسنگی و تشنگی دو جلوه از جلوه‌های ضعف هستند و جایز نمی‌باشد که ضعف به خداوند نسبت داده شود بنابراین خداوند نیازمند غذا و نوشیدنی نیست^۲ چرا که او خالق همه چیز است و به هیچ چیزی نیازمند نمی‌باشد و اگر به چیزی نیازمند می‌بود درست نبود که خدا باشد چون خداوند صمد (بی‌نیاز) است که چیزی نمی‌خورد و به خوراک و آشامیدنی نیازی ندارد زیرا بی‌نیاز از تمام این‌ها است، همچنین اوست که مخلوقات به او امید دارند که بدانها روزی دهد، خوراک دهد و نیازهای آنها را برطرف نماید.

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۳۵، و بنگر به: القرآن الکریم رؤیة تربوية از دکتر سعید علی ص ۴۳ و همچنین بنگر به: أسئلة الأطفال و أجوبة الآباء و الأمهات از مجدی سید ص ۲۲.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۳۵.

هم چنین می توان به کودک گفت که هیچ مجالی برای مقایسه بین خالق و مخلوق نیست. لزوماً چنین نیست که هر آنچه می سازیم عین صفت و هیئت ما را داشته باشد، آیا این گونه نیست؟ خداوند متعال گرسنه و تشنه نمی شود، بگذار سؤالی از تو بپرسم: چه کسی دوچرخه را ساخته است؟ کودک پاسخ خواهد داد دوچرخه ساز، درست، فرزندم بیا تا با هم تصور کنیم که دوچرخه سخن می گوید و از مخترع خود می پرسد: چه چیزی می خوری؟ چه چیزی می نوشی؟ چه به آن می گویی؟ دوچرخه ساز به او می گوید: این کار تو نیست، اگر هم بدانی چه استفاده ای خواهی کرد و چه چیزی بر وظیفه ای اصلی ات که حرکت با سرعت و بدون مشکل است افزوده خواهد شد؟ پسر ما نیز اینگونه هستیم، الله متعال ما را برای وظیفه و مأموریت معینی آفریده است ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات: ۵۶) {من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند}، این سؤالات فایده ای به حال ما ندارند و به ما در ادای وظیفه ای که بخاطر آن خلق شده ایم کمکی نمی کنند بلکه برعکس، ذهن ما را به سوی چیزهایی می برند که مانع انجام وظیفه ای ما می شوند اما دوچرخه چه زمانی به نزد ما می آید و از ما سؤال می پرسد؟ هنگامی که جایی از آن دچار مشکل می شود جهت تعمیر خرابی به سازنده اش روی می آورد، آیا اینگونه نیست؟ به همین دلیل ما هم با دعا به الله پناه می بریم آنگاه که خود را به عبادت نیازمند می بینیم یا زمانی که ضروری به ما می رسد.

قدرت الله چقدر است؟

ما هرگاه که از توان یا قدرت محدودی سخن بگوییم بدان معناست که از یک صفت نقص سخن به میان می آوریم چرا که پایان قدرت به معنای آغاز ضعف است و ضعف برای خداوند نمی باشد در نتیجه قدرت خداوند، مطلق و نامحدود است و از هیچ چیزی عاجز و ناتوان نمی باشد، می فرماید: ﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۰۶) {خداوند بر هر چیز توانا است؟!}. و اگر چیزی را اراده کند به آن می گوید باش و می شود بنابراین الله متعال بر هر چیزی قادر و تواناست چرا که خالق همه چیز است و هیچ چیزی در زمین و آسمان او را ناتوان نمی سازد، برستی که قدرت محدود، قدرت مخلوق است زیرا قدرتی مخلوق است اما قدرت خالق، هیچ حد و مرز و نقصی ندارد به همین دلیل، تنها الله شایسته‌ی عبادت، درخواست و دعا است چرا که فقط او قادر و توانا به برطرف کردن نیازهای مخلوقات، روزی دادن، تحقق خواسته‌ها و تدبیر امورشان است.^۱

الله کجاست؟ و چه اندازه است؟

پس از آنکه کودک در آغاز عمرش می فهمد که الله او را خلق کرده و کودکان را بسیار دوست می دارد و نعمت‌های زیادی به او ارزانی داشته است در این وقت می توانیم برایش شرح دهیم که الله بر فراز آسمان است چنانکه می فرماید: ﴿أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾ (ملک: ۱۶) {آیا خود را از عذاب کسی

۱. بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۳۱ و نیز

بنگر به: مختصر الفقه الإسلامي از محمد تویجری ص ۵۸.

که بر فراز آسمان است در امان می‌دانید}، بنابراین خداوند متعال بر فراز آسمان است اما علم او در هر مکانی می‌باشد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید: ۴) {و هر جا باشید او با شما است} و نباید بگوییم که خداوند در هر مکانی است چرا که این امر بدان معناست که خدا داخل در همه چیز است و این، درست نیست بلکه ما به آنچه در سنت آمده پایبند هستیم، چنانکه پیامبر ﷺ از دختر جوانی پرسید: **خداوند کجاست؟** گفت: بر فراز آسمان است. فرمود: **من چه کسی هستم؟** گفت: تو رسول خدایی، فرمود: **آزادش کن که او مؤمن است**،^۱ و با اینکه بر فراز آسمان است اما می‌تواند ما را در هر جایی ببیند و صدایمان را در هر جایی بشنود. تأکید کردن پیایی برای کودک بر اینکه الله همیشه از او اطلاع دارد مانعی درونی در نفس کودک ایجاد می‌کند و سبب می‌شود یک مراقب در درون خود حس کند. اما در مورد حجم و اندازه خداوند باید گفت که خداوند با هیچ یک از مخلوقاتش مقایسه نمی‌گردد چرا که او بزرگتر از هر چیزی است و بزرگتر از همه‌ی مخلوقات است، بنابراین اگر مخلوقات بزرگ باشند خالق آنها بزرگتر است؛ او ست که کوه‌ها را از هم فرو می‌پاشد، دریاها را به حرکت درمی‌آورد و به آب فرمان می‌دهد که در زمین فرورود و هیچ چیزی در هستی جز با امر و اراده‌اش روی نمی‌دهد، برآستی که خالق نیازمند مخلوق نیست، آسمان یکی

۱. صحیح مسلم (۵۳۷).

از مخلوقات خداوند است و وجود خدا در گرو وجود آسمان نیست و او نیازمند آسمان نمی‌باشد چرا که الله متعال بی‌نیاز از همه چیز است.^۱

خداوند چگونه ما را می‌بیند در حالی که ما او را نمی‌بینیم؟

حس بینایی‌ای که خداوند در دنیا به ما عطا کرده ضعیف است و توانایی دیدن بیشتر چیزها را ندارد به همین دلیل است که انسان از تلسکوپ‌ها، میکروسکوپ‌ها و دیگر ابزارهای بزرگ‌کننده استفاده می‌کند پس اگر انسان از دیدن چیزهای مخلوق ناتوان است از باب اولی هم از دیدن خداوند، عاجز و ناتوان است.. قدرت انسان در دنیا او را برای دیدن خداوند یاری نمی‌کند لذا ما نمی‌توانیم خداوند را ببینیم اما به او ایمان می‌آوریم و باور داریم که او مهربان است و ما را دوست دارد و قدرتمند بوده و بر هر چیزی توانا است و هر چیزی را می‌داند؛ او می‌داند که ما اکنون درباره او سخن می‌گوییم، برآستی که او بسیار برتر و بالاتر از ماست بنابراین او همه‌ی ما را در آن واحد می‌بیند، همانند کسی که بالای ساختمان می‌رود و همه‌ی مردم در خیابان را می‌بیند در حالی که آنان وی را نمی‌بینند، پس او ما را می‌بیند و ما وی را نمی‌بینیم، چیزهای بسیاری هستند که نمی‌توانیم مشاهده کنیم با اینکه وجود دارند، و به کودک می‌گوییم: چشمان ما توان دیدن هر چیزی را ندارد چنانکه صدرا نمی‌بینیم با اینکه آنرا می‌شنویم، و هوا را نمی‌بینیم با اینکه آن را حس می‌کنیم، و چشمان ما توانایی دیدن خداوند را در دنیا ندارد اما - إن شاء الله -

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة علیها از دکتر بسام عموش ص ۳۲، ۴۵.

در بهشت، چشمان بهتری خواهیم داشت که می‌توانیم خداوند را مشاهده نماییم^۱ به همین دلیل است که: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (أنعام: ۱۰۳) {چشمها او را نمی‌بینند ولی او همه چشمها را می‌بیند و او بخشنده و آگاه (از همه) چیز است}.

خداوند چگونه همه ما را که بسیاریم می‌بیند؟

برای اینکه به صورت عملی به این سؤال جواب دهیم کودک را به خیابان برده و با او در آنجا می‌ایستیم و به وی می‌گوییم: بیا و به مردم نگاه کن و تعداد کسانی را که می‌بینی به ما بگو، و همراه تو مردمی را که می‌بینی خواهیم شمرد، پس از آن با کودک به طبقه‌ی دوم ساختمانی می‌رویم و به او می‌گوییم مردم را مشاهده کند و کسانی را که می‌بیند بشمارد سپس همراه او به بالای ساختمان می‌رویم و او را وامی‌داریم کسانی که می‌بیند را بشمارد، بعد، دوربینی برای او می‌آوریم تا که مردم را به صورتی بهتر ببیند و دقیق‌تر به شمارش آنان پردازد، از طریق این مثال برای او توضیح می‌دهیم که ما نمی‌توانیم امور را با مقیاس بشری و محدود خود قیاس کنیم و برایش روشن می‌داریم که قدرت خداوند بزرگتر از قدرت تمام مخلوقات است و همیشه در عقل او این امر را نهادینه می‌کنیم که: ﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۰۶) {خداوند بر هر چیز توانا است؟!}.

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۳۷، و بنگر به: کیف تقولها لأطفالك از پل کولمان ص ۱۵۶ و همچنین بنگر به: من اليوم لن تهرب من أسئلة طفلك المحرجة از عبدالله عبدالمعطي ص ۱۰۸.

می‌توانیم سؤال محسوس از کودک پرسیم و بگوییم: آیا بر این باوری که مورچه ما را با تمام جزئیات مان می‌بیند یا اینکه فقط یک خیال یا سایه‌ای را می‌بیند؟ او جواب خواهد داد که مورچه تنها می‌تواند جزء بسیار کوچکی از پنجه پا را ببیند و چه بسا انگشت پا به نسبت آن همانند کوه بزرگی بشمار رود، خوب. آیا معتقدی که مورچه می‌تواند از تو پرسد و بگوید: چگونه همه‌ی ما را به صورت همزمان می‌بینی؟ جواب خواهی داد که این، طبیعی است زیرا متناسب با توانایی‌های توست که خداوند تو را با آن خلق کرده است اما توانایی‌های مورچه، محدود است و چه بسا خانه‌هایی برای مورچه در چندین مکان از اتاق باشد و برای تو بسیار آسان باشد که این اماکن را بطور همزمان ببینی اما مورچه بخاطر توانایی‌های محدودش نتواند مساحتی همانند تو را ببیند، و چون با هم متفق هستیم که هیچ چیزی همانند خداوند نیست و او بر هر چیزی تواناست لذا مناسب نیست که با توانایی‌های محدود خود از خداوند چیزی بخواهیم که به نسبت وی چیزی طبیعی است زیرا قدرت الله بزرگتر از قدرت تمام مخلوقات است چرا که: ﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۰۶) {خداوند بر هر چیز توانا است؟!}.

آیا خداوند متعال مردم را در تاریکی می‌بیند؟

می‌توانیم کودک را واداریم یکی از فیلم‌هایی را ببیند که سربازان نیروی زمینی را نشان می‌دهد که با دوربین دید در شب می‌بینند و صحنه‌هایی از برخی حیوانات یا پرندگان را به کودک نشان می‌دهیم که در تاریکی توان دیدن دارند، همچنین بعضی فیلم‌هایی که می‌بیند و بازی‌هایی که بدانها

بازی می کند را برایش نشان می دهیم، و نیز برخی اشعه ها هست - مثل لیزر - که پشت چیزها را نشان می دهد و ما را قادر به دیدن چیزها در تاریکی می سازد، سپس به او می گوییم: آیا دیده ای که چگونه انسان ضعیف و مخلوق بسیط می تواند گاهی اوقات در تاریکی ببیند؟ حال برای پروردگاران چگونه است که انسان و همه ی مخلوقات^۱ را خلق کرده است! بنابراین اگر خداوند به ما قدرت برای اختراع آن ابزارها را داده آیا در حالی که قادر و چیره است نمی تواند این کار را انجام دهد؟ چرا که او بزرگترین و قدرتمندترین است و هیچ مانعی و هیچ حد و مرزی جلودار قدرت الله نیست.

خداوند چگونه در حالی که در خانه هایمان هستیم و درها و پنجره ها بسته است ما را می بیند؟

تصویری از اشعه ی پزشکی را به کودک نشان می دهیم و به او می گوییم: انسانی که خداوند آفریده است توانسته استخوان ها را از طریق اشعه ایکس مشاهده کند در حالی که در درون جسم انسان بوده و از چشم او پنهان است، پس پروردگاران چگونه است که انسان را آفریده است؟ مطمئناً او ما را اگر در خانه هایمان باشیم و تمام درها به روی ما بسته باشد می بیند چرا که هیچ چیزی مثل او نیست، او همانند انسان نیست که دیوار و ساختمان مانع از دیدنش شود، بنابراین ممکن نیست که خالق همانند مخلوق باشد زیرا الله متعال بر هر چیزی توانا است، همچنین مناسب است که این جواب را به

۱. من الیوم لن تهرب من أسئلة طفلك المحرجة از عبدالله عبدالمعطی ص ۱۰۳.

رفتار کودک پیوند دهیم و جنبه‌ی مراقبت و ذوق دینی درونی در کودکان را تقویت کنیم.^۱

خداوند چگونه همه اعمال را می‌داند؟ چگونه می‌تواند مراقب همه مردم باشد؟ می‌بایست کودک را همیشه بر این امر آموزش داد که خداوند دارای صفات کمال و زیبایی است و باید بداند که قدرت خداوند هیچ حد و مرزی ندارد چرا که او قادر و قدیر است چنانکه می‌فرماید: ﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۰۶) {خداوند بر هر چیز توانا است؟!}، و قدرت وی پیوسته عظیم است طوری که هیچ چیزی در آسمان و زمین او را ناتوان نمی‌سازد و ما نمی‌توانیم قدرتش را با قدرت مخلوقات قیاس کنیم زیرا قدرت مخلوقات هر اندازه بزرگ باشد بازهم خداوند بزرگتر از آن است، و برای نزدیکی ذهن کودک می‌توانیم ضبط دوربین را مثال بزنیم چنانکه دوربین می‌تواند هر چیزی که در محدوده دید آن باشد را ثبت و ضبط کند و خداوند که قدرتمندتر است می‌تواند به صورت همزمان مراقب همه مردم باشد چون که قدرت او نامحدود است و نیز علم دارد و علم او فراگیر و کامل بوده و بر همه چیز احاطه دارد.^۲

همچنین می‌توانیم برای او مثال بزنیم و بگوییم: فرض کنیم شرکت بزرگی هست که می‌خواهد مراقب کارمندانش باشد لذا بدون اینکه بدانند برایشان دوربین مراقبت کار گذاشته‌اند و از طریق مانیتورهای همه چیز را در تمام

۱. من اليوم لن تهرب من أسئلة طفلك المحرجة از عبدالله عبدالمعطي ص ۱۰۴ و نیز بنگر به: كيف أجيب عن أسئلة طفلي؟ از مروه عاشور، سایت الوكة، ۱۹/۲/۱۴۳۲ هـ.
۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۴۲.

قسمت‌های شرکت به صورت همزمان نشان می‌دهد، اگر بنده‌ی ضعیفی که خداوند او را آفریده است توان این کار را دارد آیا خالق بنده نمی‌تواند همه بندگان را به صورتی همزمان ببیند؟

چرا انسان می‌میرد و خدا نمی‌میرد؟

مرگ از مقادیر الله است که برای مخلوقاتش تقدیر کرده است چنانکه می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (عنکبوت: ۵۷) {هر انسانی مرگ را می‌چشد سپس شما را بسوی ما باز می‌گردانند}، بنابراین مرگ انسان، آغاز زندگانی آخرت است که زندگانی مهم‌تر می‌باشد.

براستی که مرگ، جلوه‌ی ضعف و یکی از لازمه‌های زندگانی مخلوق است در حالی که ضعف برای خداوند نمی‌باشد چرا که او خلق نشده و نمی‌میرد اما انسان مخلوق است و می‌میرد، حیات و زندگانی خداوند همانند زندگانی ما نیست زیرا زندگانی ما به مرگ منتهی می‌شود و هر مخلوقی می‌میرد و جز الله عزوجل باقی نمی‌ماند، زندگانی کامل خداوند مستلزم تمام صفات کمال است و مهم‌ترین آنها صفت حی است (زنده‌ای که نمی‌میرد).^۱

آیا خداوند مرا دوست دارد همانطور که من او را دوست دارم؟

خداوند متعال آمرزنده و مهربان است و افراد پاک، درست‌منش و راستگو را دوست دارد چنانکه می‌فرماید: ﴿يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾ (مائده: ۵۴) {آنها را

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۵۴، و نیز بنگر به: الله حی لایموت از محمد راتب نابلسی، سایت موسوعة النابلسی للعلوم الإسلامية.

دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند}، از جلوه‌های دوست داشتن بندگان از سوی خداوند اینست که آنان را گرمی می‌دارد، مراعاتشان را می‌کند، کار و بارشان را تدبیر می‌نماید، روزی‌شان می‌دهد و گناهانشان را می‌بخشاید، و هر یک از ما لطف و مهربانی و بخشندگی خدا نسبت به خود را حس می‌کند، خداوند آن بنده‌اش را که از او اطاعت می‌کند و به وی نزدیکی می‌جوید و اسباب جلب‌کننده‌ی محبت خدا را بکار می‌گیرد دوست می‌دارد؛ اسبابی همچون مداومت بر نمازها، نیکی به پدر و مادر، صدقه و احساس کردن به مردم، راستی‌ورزی، خواندن قرآن، مداومت بر اذکار و دیگر اعمال صالح، پس هر کس این امور را انجام دهد الله متعال او را دوست می‌دارد.^۱

پرسش‌های مرتبط با به فرشتگان:

فرشتگان چه کسانی هستند؟ و چه شکلی می‌باشند؟

آنها یکی از مخلوقات خداوند هستند که از نور آفریده شده‌اند و خداوند آنها را قبل از انسان‌ها خلق کرده است، آنان دارای اراده، عقل و بال‌هایی هستند و شمایل زیبایی دارند و توان آن را دارند که خود را مانند انسان‌ها درآورند، نمی‌خورند و نمی‌نوشند، آنان بندگان خدا هستند و آنچه بدانها امر می‌شود را انجام می‌دهند، فرشتگان در درجاتی از هم برتری دارند چنانکه

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۵۸، و همچنین بنگر به: أتمنى أن يحبنى ربي از اميمه جابر، سایت المسلم، تاريخ انتشار: ۱۹/۳/۱۴۳۳ هـ.

برترین آنان جبرئیل است که مکلف به تبلیغ وحی به رسولان علیهم السلام می باشد، همچنین میکائیل، اسرافیل و فرشتگان حافظ که مکلف به حفظ و نگهداری از بندگان در تمام اوقات هستند، در واقع تعداد بسیار زیادی از آنان وجود دارد و هر فرشته‌ای مأموریت خاصی را بر عهده دارد که باید به انجام آن پردازد.^۱

نام‌های فرشتگان چیست؟

تعداد فرشتگان بسیار زیاد است و جز الله متعال کسی تعداد آنان را نمی داند، برخی نام‌های آنها عبارتند از: جبرئیل، اسرافیل، میکائیل، رضوان و مالک علیه السلام، همچنین فرشتگان حامل عرش، فرشتگان حافظ اعمال و فرشتگان دیگری نیز هستند.^۲

چرا خداوند آنان را آفریده است؟

خداوند متعال فرشتگان را برای انجام خیر و خوبی آفریده است، آنان خیر مطلق هستند و شر و بدی انجام نمی دهند و شر را نمی شناسند و فرشتگان در اصل در آسمان هستند جز اینکه نزول انسان به زمین، مقتضی نزول فرشتگان به آن بوده است برای انجام مأموریت‌های معینی که خداوند بدانان امر نموده است همچون مراقبت، توجه ورزی، ابلاغ، یاری، آمرزش طلبی،

۱. بنگر به: عالم الملائكة الأبرار از عمر اشقر ص (۹، ۱۲، ۱۵، ۱۶).

۲. بنگر به: عالم الملائكة الأبرار از عمر اشقر ص ۱۶.

حضور در مجالس ذکر و امور دیگر، می‌توان به کودک گفت: فرشتگان دارای دو مأموریت اصلی هستند: عبادت خداوند، و اقدام به تدبیر امور جهان.^۱

چرا فرشتگان را نمی‌بینیم؟

انسان‌ها توان دیدن فرشتگان به آن شکلی که خداوند آنان را آفریده ندارند به همین دلیل فرشتگان به شکل بشر درمی‌آیند تا بتوانند آنان را ببینند و با ایشان تعامل داشته باشند همانطور که جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام به شکل یک اعرابی درآمد چنانکه در حدیث آموزش امور دین می‌بینیم.^۲

جنیان چه کسانی هستند؟

آنها نیز یکی از مخلوقات خداوند هستند که آنان را از آتش خلق کرده است، و آنها هم مکلف به انجام اوامر و ترک نواهی می‌باشند، جنیان مخلوقاتی هستند که مثل سایر مخلوقات می‌میرند، ما نمی‌توانیم جنیان را ببینیم و توان این کار را نداریم، خداوند توانایی‌هایی برایشان آفریده که با توانایی‌های انسان تفاوت دارد چنانکه آنان می‌توانند پرواز کنند، به سرعت آمد و شد نمایند و نیز توان تغییر شکل دارند،^۳ آفرینش جن با انسان تفاوت دارد چرا که انسان‌ها از گل آفریده شده‌اند و جنیان از آتش.

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال والإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۹۰، و نیز بنگر به: عالم الملائكة الأبرار از عمر اشقر ص (۳۵، ۵۲، ۷۷) و همچنین بنگر به: محاضرات في الإيمان بالملائكة عليه السلام از دکتر محمد جهنی ص ۵۳.

۲. بنگر به: حقيقة الملائكة از احمد نجار ص ۵۴.

۳. بنگر به: عالم الجن و الشياطين از عمر اشقر ص (۱۱، ۱۲، ۲۲).

چه کسی قوی‌تر است: فرشتگان یا جنیان؟

فرشتگان مداوم زنده خواهند بود و تا در روز دمیدن در صور نمی‌میرند اما جنیان پیش از این می‌میرند و چون اینگونه است پس فرشته‌ی ملک الموت است که ارواح را به امر خداوند به هنگام آمدن زمان وفاتش می‌گیرد: ﴿اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا﴾ { خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند} {زمر: ۴۲}^۱ به همین دلیل، از این لحاظ قویتر هستند بلکه حتی در زندگانی دنیا، چرا که شیاطین از فرشتگان می‌ترسند چنانکه در جنگ بدر زمانی که شیطان، فرشتگانی را دید که خداوند برای یاری مؤمنان فرستاده بود به کافران گفت: ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (انفال: ۴۸) {من از شما (دوستان و پیروانم) بیزارم! من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید؛ من از خدا می‌ترسم، خداوند شدیدالعقاب است!}.

آیا فرشتگان می‌میرند؟

بله، فرشتگان مخلوقات خداوند هستند، و هر چیزی هم بجز الله متعال می‌میرد چرا که او زنده‌ی پایدار است،^۲ می‌فرماید: ﴿هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (قصص: ۸۸) {همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می‌شود}، همه‌ی اهل زمین خواهند مرد و تمام اهل آسمان نیز جز آنکه خداوند اراده کند

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۹۸.

۲. بنگر به: عالم الملائكة الأبرار از عمر اشقر ص ۱۸ و نیز بنگر به: حقيقة الملائكة از احمد نجار ص ۶۶.

خواهند مرد و کسی بجز الله متعال باقی نخواهد ماند، او زنده ایست که هیچ گاه نمی میرد.

پرسش های مرتبط با کتاب های آسمانی:

منظور از کتاب های آسمانی چیست؟

کتاب هایی هستند که خداوند متعال بر رسولان خود نازل نموده است تا به تبلیغ رسالت و تحکیم شرایع و قوانین پردازند، این کتاب ها هدایتی برای مردمان و رحمتی برای آنان بوده اند تا که در دنیا و آخرت خوشبخت شوند و چیزی که از طریق وحی به ما رسیده اینست که: خداوند متعال صحف را بر ابراهیم، زبور را بر داود، تورات را بر موسی، انجیل را بر عیسی و قرآن کریم را بر پیامبرمان محمد ﷺ نازل نموده است.^۱

چرا به قرآن نیازمندیم؟ و چرا قرآن، معجزه جاویدان است؟

اگر یک دستگاه ساده که ساخته ی دست انسان است نیازمند یک دفترچه راهنما می باشد تا به ما چگونگی استفاده بهتر را یاد دهد پس انسان که ساخته و مخلوق خداوند است از باب اولی نیازمند یک کتاب هدایت و راهنما است که راه موفقیت، رستگاری و صلاح در دنیا و آخرت را به او یاد دهد، خداوند جلّ می فرماید: ﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (ملک: ۱۴) {آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آنها آگاه نیست؟! در

۱. بنگر به: الإیمان بالکتاب از دکتر محمد حمد ص ۴، ۵.

حالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است!}، و معجزه بودن قرآن بدین خاطر است که پیامبر محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است، بر این اساس می باید معجزه اش ادامه پیدا کند و جاویدان باشد چرا که بعد از او پیامبر دیگری نخواهد بود پس باید حجت و برهان بر مردمان باقی بماند و بایستی تحدی تا قیامت ادامه پیدا کند، دلایل اعجاز قرآن بسیار زیاد است و مهمترین آن: اعجاز لغوی و بیانی است؛ همان چیزی که خداوند بواسطه ی آن، عرب ها را که پیشگامان بیان و دارای زبان فصیح بودند تحدی نمود اما انسان ها و جنیان از این عاجز ماندند که همانند چنین قرآن عظیمی بیاورند و این امر بیانگر ربانی بودن منبع قرآن است.^۱

چرا خداوند جل جلاله عهده دار حفظ کتاب های پیشین نشده است؟

خداوند متعال هر چیزی که بخواهد انجام می دهد، و حکمت هایی دارد که برخی را می دانیم و برخی دیگر را نمی دانیم اما دلایل روشن بیان می دارند که کتاب های پیشین، معجزه نبوده اند بر همین اساس تداوم آنها مطلوب و مدنظر نبوده است چون شرایع و قوانینی موقت برای مردمی معین بوده اند نه برای همه جهان.^۲

۱. بنگر به: الإسلام و مكتشفات العلم الحديث از محمد سید محمد ص ۴ و نیز بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۰۵ و همچنین بنگر به: الإعجاز البياني للقرآن الكريم أركانها و مظاهرها از دکتر حسين تورتوري، مجله ی البحوث الإسلامية، شماره ۲۳ ص ۲۲۵، و نیز بنگر به: إعجاز القرآن البياني و دلائل مصدره الرباني از دکتر صلاح خالدی ص ۵.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۰۵.

چه دلایلی ثابت می‌کنند که هیچ چیزی از قرآن تغییر نکرده است؟

چنین سؤالی را معمولاً کسی مطرح می‌کند که در مرحله متوسطه و پس از آن است بنابراین می‌بایست با آرامش و بنیانی عقلانی برای کودک اثبات صحت قرآن را شرح دهیم و به او می‌گوییم: چیزها هرگاه تکرار شوند تأیید می‌گردند و هرگاه انتشار پیدا کنند مورد تأکید قرار می‌گیرند و قرآن از اموریست که به صورت متواتر برای ما نقل شده است و برای کودک تواتر را توضیح می‌دهیم که نقل جماعتی از جماعتی است که اتفاق آنها بر دروغ، محال می‌باشد، این را همه می‌دانند، مسلمانان نقل قرآن را نسل اندر نسل به ارث برده‌اند و در مجالس خود آن را مدارس می‌کنند و آن را در نمازهایشان می‌خوانند و به فرزندان خود یاد می‌دهند حتی اگر اتفاق می‌افتاده که پیرمرد محترمی یک کلمه از قرآن را اشتباهی خوانده کودکانش قبل از بزرگترها اشتباه او را تذکر می‌دادند تا اینکه آن را بری از هرگونه اضافه، مصون از هرگونه کمبود و محفوظ از هرگونه تحریف به ما رساندند، و اگر انکار این دلیل ممکن بود به انکار حقایقی ثابت همچون وجود پیامبر ﷺ، صحابه بزرگوار رضی الله عنهم و افراد مشهور تاریخ می‌انجامید و این چیز است که تمام عاقلان آنرا رد می‌کنند، همچنین الله متعال در قرآن، انسان‌ها و جنیان را به تحدی و مبارزه طلبیده که همانند آن را بیاورند اما همگی ناتوان و عاجز گشته‌اند، در تمام کتاب مقدس قرآن هیچ اختلاف، تناقض و نقصی یافت نمی‌شود و اعجاز در اخبار، تشریح و قانون‌گذاری، احکام و سخنان موجود در آن بیانگر اینست که قرآن از نزد انسان‌ها نیست چرا که عمل و گفتار انسان‌ها دستخوش تغییر و

نقص قرار می‌گیرد؛ بلکه قرآن از جانب الله است و او عهده‌دار حفظ آن شده است.^۱

پرسش‌های مرتبط با پیامبران:

انبیاء و رسولان چه کسانی هستند؟

آنان از نسل آدم هستند که الله متعال با نبوت به آنان وحی می‌کرد و به تبلیغ رسالت برای اقوام خود و دعوت‌شان به عبادتش امر نمود، اولین نفر آنان آدم علیه السلام و آخرین‌شان محمد صلی الله علیه و آله است، البته تعدادشان بسیار است چون خداوند آنها را برای همه‌ی امت‌های زمین که بر آن زیسته‌اند فرستاده است چنانکه در تمام مراحل تاریخ، پیامبری بوده که قومش را دعوت کند و به راه راست راهنمایی نماید.

چرا خداوند پیامبران را فرستاده است؟

الله متعال پیامبران را بخاطر رحمت به مردم، هدایت آنها و تبلیغ رسالت پروردگارشان فرستاده است بنابراین رسول، شخصی است که قومش او را به خوبی می‌شناسند و پیش از نزول وحی بر او، به خیر و خوبی‌اش گواهی می‌دهند، خداوند پیامبران را الگویی حاضر در برابر مردم قرار داده است که با

۱. بنگر به: الأدلة العقلية و التاريخية على صحة و حفظ القرآن الكريم، مركز الفتوى، سایت اسلام وب، تاریخ انتشار: ۲۰۰۱/۵/۲۱ میلادی و نیز بنگر به: الأدلة على أن القرآن كلام الله، محمد منجد، سایت الإسلام سؤال و جواب، ۲۰۰۱/۱۱/۵ میلادی.

اخلاق و رفتار به مردم درس می دهند و آنچه برایشان مفید است را برایشان شرح می دهند و آنها را از آنچه برایشان زیان بار است دور می دارند لذا با ارسال پیامبر، حجت بر مردم اقامه می شود و مردم بر دینی واحد که عبادت خداوند به یگانگی است^۱ جمع می آیند چرا که مردم نیازمند هدایتگری هستند که آنان را با زبان شان به راه راست هدایت کنند به همین دلیل الله متعال کتابها را بر این رسولان با زبان قوم شان نازل فرمود تا که رسالت به شکلی روشن و بیانی سلیم برسد.

آیا پیامبران از اشتباه معصوم هستند؟

پیامبران علیهم السلام جزئی از انسانها هستند و مثل سایر بشر، معانی و صفات انسانی دارند اما خداوند آنان را در امور متعلق به رسالت عصمت بخشیده است و از این حمایت کرده که مرتکب اموری شوند که به رفتار و اخلاق شان خدشه وارد می کند تا الگوی نیکی گردند که مردم به سخنان و اعمال آنها قانع شوند، مبادا که این امر دروازه ای برای طعنه زدن به تبلیغ رسالت آنان شود اما با این حال آنها انسان هستند و اشتباه عادی که به رسالت زبانی نمی رساند از آنها سر می زند همانند: اشتباه در برآورد مکان مناسب برای کشاورزی یا جنگ و یا برآورد میزان استقبال از دعوت.^۲

۱. بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۲۳ و نیز

بنگر به: حکمة إرسال الرسل از محمد عثيمين، سایت طريق الإسلام.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۳۱ و همچنین بنگر

به: عصمة الأنبياء از محمد دلیمی ص ۴.

محمد ﷺ کیست؟

ایشان ﷺ آخرین پیامبران است که خداوند برای بندگانش برانگیخته است و نامش: محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب ها شمی قریشی است، او در روز دوشنبه از ماه ربیع الاول سال فیل در مکه متولد شد، در حالی که در شکم مادرش بود پدرش وفات یافت و مادرش نیز در ۶ سالگی او از دنیا رفت، پدر بزرگش عبدالمطلب سرپرستی او را بر عهده گرفت سپس در ۸ سالگی اش وفات یافت، بعد از آن، عمویش ابوطالب عهده دار سرپرستی او شد، محمد بخاطر اخلاق بزرگ و والایش، صادق امین نامیده می شد، وی در چهل سالگی به پیامبری مبعوث گردید، و ۱۳ سال قومش را در مکه به اسلام دعوت می کرد سپس زمانی که آزار و اذیت کافران شدت گرفت به مدینه هجرت نمود و به مدت ۱۰ سال در آنجا استقرار یافت، در آنجا بین انصار و مهاجرین برادری برقرار کرد و شریعت و حکم خدا را در آنجا برپا داشت، ایشان در سال یازدهم هجری پس از ابلاغ رسالت و ادای امانت وفات یافت.^۱

راستی پیامبری رسول خدا چگونه قابل اثبات است؟

دلایل نبوت پیامبر ﷺ بسیار است که مهم ترین آنها قرآن کریم می باشد چرا که این کتاب اعجازی همچنان با گنجها و گهرهای خود، نسل اندر نسل را مات و مبهوت می سازد، همچنین از دلایل درستی نبوت پیامبر: سیرت و صفات اخلاقی او است که دشمنانش پیش از دوستانش به تعریف و مجید آن

۱. بنگر به: أصول الدین الإسلامی از محمد تویجری ص ۷۴.

پرداخته‌اند چنانکه لقب صادق امین را به او داده بودند، و نیز از دلایل صدق نبوتش: معجزات متواتر اوست که معاصران وی شاهدش بوده و مردم نسل اندر نسل آنها را روایت کرده‌اند، همچنین از دلایل دیگر: این شریعت استواری است که مملو از کمال و زیبایی می‌باشد، دلایل دیگر: بشارت‌هایی است که کتاب‌های پیش از اسلام آکنده از آنهاست، از دلایل دیگر: این انتشار مداوم دین اسلام در هر زمان و مکان است، و نیز از دلایل صدق نبوتش: خبر دادن از امت‌های گذشته و از رویدادهای آینده است.^۱

رسول خدا چگونه در یک شب به آسمان عروج نمود؟

پیامبر ﷺ با بُراق تا بیت‌المقدس برده شد سپس از آنجا به همراه جبرئیل علیه السلام به آسمان عروج کرد، و الله متعال بر هر چیزی توانا است و هیچ چیزی در آسمان و زمین او را عاجز و ناتوان نمی‌کند، و همانطور که امروزه مشاهده می‌کنیم که چگونه انسان ضعیف توانسته با عقل خود، هواپیمایی بسازد که از سرعت صدا فراتر رود و ویژگی انتقال تصویر به شکل سه بعدی را اختراع کند چنانکه شخص را همزمان در چندین مکان قرار می‌دهد بنابراین الله متعال بزرگتر، بلندمرتبه‌تر و قدرتمندتر از مخلوقاتش است.

چرا محمد ﷺ آخرین پیامبر است؟

امر ارسال پیامبران ﷺ به حکمت هدایت و ارشاد ربط دارد و چون که کتاب‌های پیشین پس از مرگ پیامبران دستخوش نقص و تحریف شدند

۱. بنگر به: دلائل النبوة از منقذ سقار ص (۴، ۹، ۱۸، ۴۸، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۲۸).

حکمت خداوند اقتضا نمود که رسولی را به همراه کتابی ارسال نماید که دستخوش چنین نقص و تحریفی قرار نگیرد بلکه خداوند عهده‌دار حفظ آن تا روز قیامت شده است و بخاطر اینکه معجزه‌ی قرآن - که کتابی روشن و حجتی استوار بر همه‌ی مردم می‌باشد - ماندگار می‌باشد منطقی است که رسول خدا ﷺ خاتم و آخرین انبیاء و رسولان باشد.

چرا باید رسول خدا را دوست داشته باشیم؟

چرا که دوست داشتن وی از ارکان ایمان است بلکه حتی ایمان به خدا جز با دوست داشتن پیامبر ﷺ تکمیل نمی‌شود و دوست داشتن او با دوست داشتن الله متعال قرین گشته است، همچنین برای اینکه خداوند او را از بین مردم برای ادای این رسالت عظیم برگزیده است. خداوند متعال محمد ﷺ را به عنوان بهترین مردم در نسب، اخلاق، گفتار و کردار برگزیده است چرا که خداوند داناتر است به کسی که به او امانت رسالت را می‌دهد، و چونکه او را از میان تمام مردم برای این مأموریت بزرگ برگزیده است پس وظیفه‌ی ماست که محبتی ویژه را از بین تمام مردم به او اختصاص دهیم زیرا اوست که مردم را با پروردگارشان آشنا نموده است و بهترین پیامبر برای امتش و مهربانترین فرد برای آنها بوده است، بنابراین پس از الله متعال هیچ کسی به اندازه وی بر ما منت ندارد،^۱ پیامبر ﷺ اذیت و آزار بسیاری را در راه دعوت مردم تحمل کرده است و دل وی تنگ و اندوهگین گردید هنگامی که مردم مخاطب

۱. بنگر به: أطفالنا و حب الرسول ﷺ از دکتر امانی رمادی، سایت صید الفوائد و نیز بنگر به: محبة النبی ﷺ و تعظیمه از عبدالله خضیری و عبداللطیف حسن ص ۵۳، ۵۸.

دعوتش به او ایمان نمی آوردند و ناراحتی اش بخاطر مهربانی بر آنان و بخاطر ورودشان به جهنم بود، خداوند می فرماید: ﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ (کهف: ۶) {گویی می خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه از بین ببری اگر به این گفتار ایمان نیاورند!}، به همین دلیل پیامبر ﷺ از همه کس بیشتر شایستگی دوست داشتن و محبت ما را دارد.

پرسش های مرتبط با روز آخرت:

روز آخرت چیست؟

روز آخرت روزی است که خداوند در آن، مردمان را برای حساب و کتاب برمی انگیزد و به این دلیل آخرت نامیده شده که روزی پس از آن نیست، همچنین روز حساب نامیده می شود چرا که خداوند در آن روز، مردم را به خاطر اعمالی که در دنیا انجام داده اند محاسبه می کند، لذا هر کس عمل نیک انجام دهد و خداوند را اطاعت کند وارد بهشت می کند و هر کس عمل بد انجام دهد و خداوند را نافرمانی کند وارد جهنم می کند، روز آخرت روزی است که در آن زندگانی دنیا برای همه ی مردم به پایان می رسد، همچنین روز

قیامت نامیده می‌شود یعنی روزی که مردم از قبرهای خود قیام می‌کنند و بلند می‌شوند و بخاطر حساب و کتاب به سمت آسمان می‌روند.^۱

روز قیامت چه زمانی است؟ و چرا آن روز از ما پنهان است؟

هیچ کس نمی‌داند که روز قیامت چه زمانی است، الله متعال می‌فرماید:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا * إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا * إِنَّهَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يَّحْشَاهَا﴾ (نازعات: ۴۲-۴۵) {و از تو درباره قیامت می‌پرسند که در چه زمانی واقع می‌شود؟! تو را با یادآوری این سخن چه کار؟! نهایت آن به سوی پروردگار تو است (و هیچ کس جز خدا از زمانش آگاه نیست)! کار تو فقط بیم‌دادن کسانی است که از آن می‌ترسند!}. خداوند آنرا از ما پنهان داشته است تا در عمل کردن تلاش به خرج دهیم و هر روز از طریق انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد برای آن روز آماده شویم، و اگر انسان از آن روز خبر داشت جز اندکی قبل از آن زمان توبه نمی‌کرد و دنیا بسیار بیشتر از وضعیت کنونی پر از فساد می‌شد.^۲

حساب چیست؟

اینکه خداوند اولین و آخرین انسان‌ها و جنیان را جمع آورد چنانکه می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ (واقعه: ۴۹-۵۰) {بگو: اولین و آخرین، همگی در موعد روز معینی گردآوری

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۶۸ و همچنین بنگر به: اليوم الآخر از محمد تویجری ص ۶.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۶۷.

می‌شوند}. سپس آنان را از اعمالشان باخبر می‌سازد بعد هم بر حسب اعمالشان آنها را مجازات می‌کند لذا هر کس، عمل خیر و خوبی انجام داده باشد آن را می‌یابد و هر کس عمل شر و بدی انجام داده باشد نیز آنرا می‌یابد، الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله: آیات ۷-۸) {پس هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند!}.

مرگ چیست؟

کودک در سن ۶ سالگی و کمتر، معمولاً معنای کامل مرگ و زنده شدن دوباره را نمی‌فهمد و اینکه مرگ، پایان حتمی همه‌ی انسان‌ها است را نمی‌فهمد اما از سن ۶ تا ۸ سالگی معمولاً معنای مرگ و مطابقت آن بر همه‌ی انسان‌ها را فهم می‌نماید و کودک از سن ۸ سالگی تا ۱۰ سالگی کاملاً مرگ و رستاخیز را می‌فهمد و چه بسا کودک، مرگ یکی از خانواده‌اش را تجربه کند و اولین رویارویی‌اش با مرگ باشد، و ما نمی‌دانیم به هنگام شنیدن درباره مرگ و قبر چه احساسی خواهد داشت بلکه غالباً از بیان این امور، آکنده از ترس خواهد شد بنابراین می‌بایست بدون دروغ گفتن بر وی و تلاش برای قانع کردنش به اینکه شخص مرده مثلاً مسافر است اقدام به شرح معنای مرگ کنیم چرا که اگر به وی دروغ بگوییم به سرعت حقیقت را از دیگران به دست خواهد آورد.

بهتر است که پیش از رویارویی کودک با مرگ یکی از اعضای خانواده‌اش یک گنجشک مرده، درخت مرده یا حشره‌ای مرده را به او نشان دهیم چرا که

این امر مفهوم مرگ را به شکلی محسوس برای کودک توضیح می‌دهد، سپس بکوشیم به سادگی برای او شرح دهیم که شخص مرده می‌رود تا در جهانی دیگر زندگی کند و اینکه همگی ما هنگامی که بزرگ می‌شویم به کسانی که پیش از ما مرده‌اند ملحق می‌گردیم و باذن الله با آنان در بهشت زندگی می‌کنیم، مهم است که کودک بداند مرگ به معنای پایان نیست بلکه انتقال انسان مؤمن به زندگی بهتری است و انتقال انسان بدکار به مجازات کارهای بدش می‌باشد، و زمانی که خداوند ما را می‌میراند بدین معنا نیست که ما را دوست ندارد بلکه ما را می‌میراند تا در جوار او زندگی کنیم؛ در بهشت دل‌انگیزی که توان تصور زیبایی‌اش را نداریم.^۱

پس چرا بعضی از کودکان می‌میرند؟

کودکان عموماً شر و بدی انجام نمی‌دهند و عامدانه اشتباه نمی‌کنند به همین دلیل خداوند متعال هر یک از آنها را که می‌میرد به رحمت خود، استقبال می‌کند و وارد بهشت می‌نماید، و هنگامی که انسان می‌میرد و جسمش از بین می‌رود روح او همچنان باقی می‌ماند چنانکه به سوی خالق بالا می‌رود و پیوسته یاد نیک و اعمال خوب او در دل‌های مردم ماندگار

۱. بنگر به: طفلك و أسئلته الحرجة از شاهیناز عبدالفتاح ص ۷۶ و نیز بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۱۶۸.

می باشد بنابراین می بایست که انسان با انجام کارهای خوب و پایبندی به آموزه های شریعت اسلامی برای دیدار پروردگارش آماده گردد.^۱

هنگامی که می میریم کجا می رویم؟

زمانی که وقتی که خداوند برایمان در دنیا مشخص نموده به پایان می رسد به قبر منتقل می شویم که مکان مخصوص مردگان است و قبر، یکی از باغ های بهشت است برای کسی که به پروردگارش ایمان دارد، از او اطاعت می کند و هنگام زندگانی اش در دنیا، اعمال صالح انجام می دهد لذا تا برپایی قیامت در قبرش در ناز و نعمت بسر می برد.^۲

آیا مرده می شنود^۳ و می بیند؟ چگونه زیر خاک نفس می کشد؟ آیا می خورد و می نوشد و می خوابد؟

بله مرده، سلام کردن ما را می شنود و اگر برایش دعا کنیم به او رسانده می شود اما همانند ما نفس نمی کشد چرا که او نیازمند نفس کشیدن نیست

۱. بنگر به: طفلك و أسئلته الحرجة از شاهیناز عبدالفتاح ص ۷۷ و نیز بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۱۷۰.

۲. بنگر به: من اليوم لن تهرب من أسئلة طفلك الحرجة از عبدالله عبدالمعطي ص ۱۵۹ و نیز بنگر به: ابني مكتشف كيف أعينه على إكتشافه از منصور السني ص ۷ و همچنین بنگر به: كيف أجيب عن أسئلة طفلي و أحاوره از دكتور سلوى مرتضى ص ۱۰۳-۱۰۴.

۳. روایتی در سلام کردن به اهل قبور از پیامبر ﷺ وارد شده که فرمودند: "قولوا السلام عليكم دار قوم مؤمنين وإن شاء الله بكم لاحقون" (متفق عليه)، یعنی: "سلام بر شما ای سرزمین مؤمنان، و ما إن شاء الله به شما ملحق خواهیم شد"، و این خطاب به اهل مقابر هست، یعنی آنها می شنوند، و در حدیثی دیگر آمده که میت جواب سلام زنده را می دهد، پیامبر ﷺ فرمودند: "ما من مسلم يمر على قبر أخيه كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا رد الله عليه روحه حتى

زیرا او در زندگانی دیگری است که مثل زندگانی ما نمی‌باشد به همین دلیل ابتدای زندگانی دیگر، برزخ است و دارای قوانین و ماهیت مختلفی است و

یرد علیه السلام" یعنی: "هیچ مسلمانی نیست که بر قبر برادر (دینی اش) که او را در دنیا می‌شناخته رد می‌شود و بر او سلام می‌کند مگر اینکه خداوند روحش را به جسدش برمی‌گرداند تا جواب سلامش را بدهد"، و این دلیل روشنی هست بر اینکه میت، سلام زنده را می‌شنود و پاسخ می‌دهد...

ولی این روایات بدان معنا نیست که میت از اهل دنیا باخبر هستند بلکه هر وقت خداوند بخواهد آنها را باخبر می‌سازد زیرا در حدیثی طولانی که از پیامبر ﷺ در مورد زندگانی بعد از مرگ وارد شده است پیامبر ﷺ فرمودند: "...فیأتون به أرواح المؤمنین - یعنی الذین ماتوا قبله - فلهُم أشدُّ فرحاً به من أحدکم بغائبه يقدم علیه، فیسألونه: ماذا فعل فلان؟ ماذا فعل فلان؟ فيقولون: دعوه، فإنه كان في غم الدنيا، فإذا قال: أما أتاكم؟ قالوا: ذهب به إلى أمه الهاوية... (صحیح - روایت نسائی و حاکم)، یعنی: "...پس (ارواح مردگان مؤمن پس از مرگشان) می‌آیند نزد ارواح مؤمنان (که قبلاً مرده‌اند) و آنها (در این ملاقات) خیلی خوشحال‌تر از کسانی می‌شوند که یک مسافر به خانواده اش برگردد و به این مرده می‌گویند: فلان و فلانی چکار کردند (یعنی حال و احوال زندگان را از این تازه مرده می‌پرسند)، سپس می‌گویند: او را رها کنید زیرا تازه از هم و غم دنیا نجات یافته، تا آنجایی که از شخصی سؤال می‌کنند و آن میت می‌گوید: او قبلاً مرده مگر نزد شما نیامد؟ ملائکه در پاسخ می‌گویند: او را به دوزخ بردند (لذا با ارواح مؤمنان نتوانست ملاقات کند)"، این روایت و برخی روایات دیگر نشان‌دهنده اینست که میت از حال و احوال زنده‌ها خیر ندارد مگر اینکه خداوند متعال آنها را باخبر کند.

گذشته از این، اگر خداوند متعال میت را از حال و احوال زنده‌ها باخبر کند معنایش این نیست که او آزادانه می‌تواند برای شخص زنده شفاعت کند و یا واسطه شود تا دعای زنده قبول گردد زیرا عمل میت، منقطع شده و دیگر کاری از دستش ساخته نیست، چه پیامبر باشد و چه کسی دیگر، و اگر کسی از میت چیزی طلب کند و به او متوسل شود که مشکلاتش را حل کند از شرک اکبر به شمار می‌رود یعنی آن شخص از دایره اسلام خارج می‌شود زیرا هیچ فرقی با طلب کردن از بت ندارد چونکه هم بت و هم میت هیچ کاری از دستشان ساخته نیست. (سایت جامع فتاوی اهل سنت و جماعت).

تنفس، خوردن، نوشیدن، خواب و عملی در آن نیست بلکه یا نعمت مداوم است یا عذاب مداوم.^۱

بهشت چیست و چه چیزی در آن است؟

بهشت دار السلام (خانه امن و امان است) و مکان زیبایی است و در آن هر چیزی است که آرزو می‌کنیم و هر چیزی که دوست داریم، بهشت مکانی است که مردم نیکوکاری که کار خوب انجام می‌دهند بدانجا می‌روند، بهشت دارای هشت دروازه یعنی درجه است که مؤمنان بر حسب بهره‌ی هر یک از آنان از نیکی‌ها و رحمت خدا وارد آن می‌شوند چنانکه صاحب نیکی‌ها و حسنات بیشتر در مقام زیباتر و بالاتر از مقام صاحب نیکی‌های کمتر می‌باشد اما همگی بهشتیان در خوشی، رضایت و نعمت زندگی می‌کنند، در بهشت خوشبخت زندگی می‌کنیم، در آن بیمار و خسته نمی‌شویم و خداوند، رسول خدا، دیگر پیامبران و تمام کسانی را که دوست می‌داریم باذن الله خواهیم دید، در بهشت هر نعمت، لذت، خوراکی و نوشیدنی‌ای که دوست داریم و بخواهیم وجود دارد.^۲

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۷۹.
۲. بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۲۷ و نیز بنگر به: أسئلة الأطفال المحرجة از عایشه حکمی، سایت ألوكة، تاریخ انتشار: ۱۳۴۳/۱/۱۷ هـ و همچنین بنگر به: كيف تقولها لأطفالك از پل کولمان ص ۱۵۶.

جهنم چیست و چرا خداوند آن را آفریده است؟

جهنم دار العذاب (مکان عذاب) است؛ مکانی که خداوند آماده نموده تا تمام کسانی که کار بد می‌کنند، مردم را آزار می‌دهند، از خداوند نافرمانی می‌نمایند و اوامر او را اطاعت نمی‌کنند با آن مجازات کند.

سرنوشت حیوانات چه می‌شود؟ به بهشت خواهند رفت یا جهنم؟

حیوانات مکلف نیستند بلکه مخلوقاتی مسخر هستند که خداوند آنها را بخاطر انسان آفریده است بنابراین هیچ حساب و کتابی و مجازاتی ندارند و در روز قیامت همه‌ی حیوانات حشر می‌شوند سپس الله متعال قصاص برخی از آنها را از برخی دیگر می‌گیرد چنانکه از گوسفند شاخداری که به دیگر گوسفندان شاخ زده است قصاص می‌گیرد و چون خداوند قصاص میان حیوانات را به پایان برد به آنها می‌فرماید: « خاک شوید لذا آنها خاک می‌گردند».^۱

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۸۱ و نیز بنگر به: مصیر الحيوانات يوم القيامة از محمد منجد، سایت الإسلام سرال و جواب، ۲۰۰۱/۵/۳۱ میلادی.

پرسش‌های مرتبط با قضا و قدر:

معنای قضا و قدر چیست؟

قضا و قدر یکی از ارکان ایمان است، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ (فرقان: ۲) {و همه چیز را آفرید، و به دقت اندازه‌گیری نمود!}، و معنای قضا و قدر: علم خداوند به مقادیر چیزها قبل از وجود آنها و نیز کتابت، مشیئت و خلق آنهاست.^۱

خداوند چگونه می‌داند چه اتفاقی می‌افتد پیش از آنکه اتفاق بیفتد؟

می‌توان با یک مثال محسوس به کودک گفت: سازنده‌ی اسباب‌بازی‌ای که با آن بازی می‌کند می‌داند که اسباب‌بازی می‌تواند چه کاری انجام دهد پیش از آنکه تو به آن دست بزنی زیرا اوست که آنرا ساخته و کارهای آن را مشخص کرده است چرا که او احاطه‌ی کامل و همه‌جانبه‌ای به توانایی‌های آن اسباب‌بازی و زمینه‌هایی دارد که می‌تواند با آن کار و حرکت کند، خداوند متعال هم کسی است که این انسان توانا بر این چیزها را خلق کرده است زیرا الله قدرتمندتر، عالم‌تر و دارای کمال سازندگی است، او با علم خود به هر چیزی که آفریده پیش از آفریدنش، اثنای آفریدن و پس از آفریدن آن احاطه دارد، الله است که انسان و زمان و مکان را خلق کرده است، پس او گذشته، حال و آینده‌ی هر چیزی را می‌داند.

۱. بنگر به: الإیمان بالقضاء و القدر از دکتر محمد حمد ص ۳۶.

آیا ما مجبور هستیم؟ آیا انسان در کارهای خود اختیار دارد؟

انسان در مواردی مجبور است و در مواردی دیگر، مختار است چنانکه ما بر متولد شدن، مرگ و مدت زندگی مجبوریم، در اینکه چه کسی پدر و مادرمان باشد مجبوریم، در حالی که در نماز خواندن یا نخواندن و ایمان یا کفر دارای اختیار هستیم، و با وجود این اختیار اما اراده‌ی ما در ضمن اراده‌ی خداوند جل جلاله است بدین معنا که خداوند متعال اگر اراده کند اختیار را از ما سلب کند این کار را می‌کند و اگر اراده کند ما را از ترک کردن چیزی منع نماید انجامش می‌دهد اما چنین مقدر کرده که انسان مختار باشد و بر اساس این اختیار هم مورد محاسبه قرار گیرد و این همان معنای قول الله متعال است که می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۲۹) {و شما اراده نمی‌کنید مگر اینکه خداوند -پروردگار جهانیان- اراده کند و بخواهد!}، می‌توان مسئله‌ی جبر و اختیار را با روشی عملی برای کودک شرح داد: چنانکه مربی، لیوانی شیشه‌ای می‌آورد و به کودک می‌گوید: آیا می‌توانی این لیوان را بر زمین بزنی تا بشکند؟ کودک جواب خواهد داد: بله می‌توانم، مربی از او می‌پرسد: چه چیزی مانع تو از این کار می‌شود؟ کودک جواب می‌دهد: این کار اشتباه است و نباید انجامش دهم، مربی چنین می‌گوید: خداوند متعال در ازل می‌دانست که تو این لیوان را نخواهی شکست چون بچه‌ی خوبی هستی، همچنین در ازل می‌دانست که بچه‌ی بد این لیوان را خواهد شکست، آیا کسی مانع تو از انداختن این لیوان بر زمین شده است؟ یا آیا کسی کودک بد را مجبور به شکستن لیوان کرده است؟

هدایت و گمراهی هم چنین می باشد. سپس به او گفته می شود: انسان نمی داند خداوند چه چیزی برای او رقم زده است و از او خواسته نشده از سرنوشت خود اطلاع یابد بلکه از او خواسته شده که ایمان بیاورد به اینکه علم خداوند، کامل و فراگیر است و نوشتن مقادیر نیز جزو آن است و انسان از اراده و میزان انجام اوامر و ترک نواهی سؤال خواهد شد و این در حیطه قدرت و اراده اوست.^۱

چرا خداوند برخی مردم را هدایت کرده و برخی دیگر را هدایت نکرده است؟
خداوند ﷻ همه ی مردم را هدایت کرده است چنانکه می فرماید: ﴿وَهُدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ (بلد: ۱۰) {و انسان را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم!}،
معنای این هدایت آنست که خداوند هدایتی را بیان داشته که برای مردم راه راست و مستقیم را شرح و توضیح می دهد به گونه ای که حق، روشن می شود و باطل نیز روشن می گردد، و خداوند آزادی اختیار و انتخاب را به مردم داده است لذا کسانی هستند که راه درست را انتخاب می کنند و کسانی هم هستند که راه نادرست را انتخاب می کنند.^۲

۱. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۴۵ و نیز بنگر به: احفظ الله يحفظك از محمد دببسی ص ۷۱-۷۲ و همچنین بنگر به: الإيمان بالقضاء و القدر از محمد حمد ص ۱۸۵.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۵۶.

اگر خداوند در ازل نوشته که کسانی از ما گمراه می‌شوند چرا ما را مجازات خواهد کرد؟

این علم، علمی الهی است و انسان‌ها هیچ شناختی از آن ندارند و آنچه از آن دارند فقط ظن و گمان و توهم و جهل است، بر همین اساس، انسان بخاطر اعمالی که در زندگی دنیا انجام می‌دهد مورد محاسبه قرار می‌گیرد و مجالی برای بنده نیست که به غیبی علم پیدا کند که خداوند برایش رقم زده است تا آن را انجام دهد چرا که تقدیر مکتوب در آنچه گذشته است حجت می‌باشد نه در امور آینده، همچنین به کودک گفته می‌شود: خداوند متعال امور دنیا را برای تو نوشته است پس چرا آنچه به نفع توست را انجام می‌دهی و آنچه به ضرر توست را رها می‌کنی؟ و می‌توان برای او مثالی زد و گفت: اگر انسان اراده‌ی سفر به شهری کند و آن شهر، دو مسیر داشته باشد یکی از مسیرها، امن باشد و دیگری ناامن، کدام مسیر را انتخاب خواهد کرد؟ البته که مسیر اول را انتخاب خواهد کرد، در مورد آخرت نیز چنین است و انسان راه امن را برای رسیدن به بهشت انتخاب می‌کند که انجام اوامر خداوند و دوری از نواهی اوست، و اگر قضا و قدر برای مردم حجت بود نمی‌توانستیم هیچ یک از جنایتکاران را دستگیر کنیم چرا که آنها برای انجام جرم و جنایت‌های خود، قدر را دلیل می‌آوردند،^۱ به همین دلیل بر انسان واجب است که راضی و تسلیم الله متعال گردد زیرا خداوند ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ

۱. بنگر به: الإیمان بالقضاء و القدر از محمد حمد ص ۱۳۰-۱۳۴.

هُم يُسْأَلُونَ ﴿۲۳﴾ (انبیاء: ۲۳) {هیچ کس نمی‌تواند بر کار او خرده بگیرد ولی در کارهای آنها، جای سؤال و ایراد است!}، زیرا خلق و امر از آن اوست.

چرا خداوند ما را آفریده؟ اصل جهان چیست؟ چرا حیوانات آفریده شده‌اند؟

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

(ذاریات: ۵۶) {من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند}، او ما را برای هدفی آفریده که عبادت خودش است و بواسطه آن به ما سود می‌رساند و نتایج را در آخرت بر حسب اعمال قرار داده است چنانکه بهشت برای نیکوکاران و جهنم برای بدکاران است. تمامی این جهان مخلوق خداوند است و جهان با علم و دقت آفریده شده است، خداوند آسمان‌ها و زمین را آفریده و سیارگان را در آن پراکنده است، و نیز ستارگان را به‌عنوان نشانه‌ها و زینت خلق کرده است و خورشید را آفریده تا گرما و حرارت به ما دهد و در رویاندن گیاهان و نابودی میکروب‌ها ایفای نقش نماید، و حیوانات را مسخر انسان آفریده که از آنها می‌خورد و بر آنها سوار می‌شود: الله متعال می‌فرماید:

﴿وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۸)

{و اسبها و استرها و الاغها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشد، و چیزهایی می‌آفریند که نمی‌دانید}، بنابراین آماده کردن زمین برای سکونت و آفریدن این چیزها و پیش از آفرینش انسان از باب گرامیداشت و تکریمی است که خداوند به انسان اختصاص داده است، افزون بر آن، تمامی این چیزها به حمد و ستایش خداوند می‌پردازند یعنی آنها نیز خدا را عبادت می‌کنند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ

لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾ (إسراء: ٤٤) {همه چیز، تسبیح و حمد او می گوید ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید؛ او بردبار و آمرزنده است}.^۱

آیا خداوند کسانی را که پیامبری نزدشان نرفته است محاسبه خواهد کرد؟ آنها نیز مورد بازخواست و حساب قرار خواهند گرفت چرا که خدا به آنان عقل داده است پس آنان را در روز قیامت مورد آزمایش قرار می دهد و به آنها امر می کند، اگر پاسخ مثبت دادند و اطاعت کردند وارد بهشت می شوند و اگر نافرمانی کردند وارد جهنم می گردند.

چرا شر وجود دارد؟

این دنیا سرای آزمایش است و به منزله‌ی فصل اول یک داستان دو فصلی است و آخرت سرای جزا، حساب و کتاب و گرفتن حقوق مظلومان از ظالمان است و به منزله‌ی فصل دوم داستان می باشد به همین دلیل، وجود اشرار و مجازات نکردن آنها در دنیا، ابتلا و آزمایش است و به معنای پایان مسئله نیست بلکه می بایست همگی در روز قیامت به پا خیزند تا هر انسانی به جزای اعمالش برسد، الله متعال می فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله: ۷-۸) {پس هر کس هموزن ذره‌ای کار

۱. بنگر به: الحکمة من خبق الحيوان و النبات قبل الإنسان، مرکز الفتوى، سایت اسلام وب، ۲۰۰۶/۵/۱۸ میلادی.

خیر انجام دهد آن را می بیند! و هر کس هموزن ذره‌ای کار بد کند آن را می بیند!}.^۱

چرا خداوند اشرار را آفریده است؟

خداوند متعال مردم را آفریده و به آنها آزادی داده که خیر و خوبی انجام دهند یا شر و بدی، پس تو می توانی انسانی نیکومنش باشی و یا انسانی بدمنش اما می بایست نتایج هر یک از این دو انتخاب را بپذیری، این نعمت و حکمتی از جانب الله متعال است چرا که اشرار و بدکاران می توانند افرادی خوب باشند و نقش ما اینست که به آنها برای خوب شدن کمک کنیم، اگر نپذیرفتند و بر انجام شر و بدی پافشاری کردند وظیفه ما اینست که جلوی شر آنها را بگیریم تا خداوند ما را دوست داشته باشد و به ما پاداش دهد، خداوند متعال خالق همه چیز در این زندگانی است و این زندگانی نیز سرای ابتلا و امتحان می باشد چنانکه الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (ملک: ۲) {آن کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید}، و از مصادیق ابتلا و آزمایش: وجود شر و بدی به دست انسان‌های شیطان‌صفت و منحرف است.^۲

۱. بنگر به: القواعد العشر (أهم القواعد في تربية الأبناء) از دکتر عبدالکریم بکار ص ۲۱-۲۲.

۲. الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة عليها از دکتر بسام عموش ص ۱۵۵.

چرا برخی از مردم، معلول و ناقص به دنیا می‌آیند؟

خداوند متعال آنان را با نقص و بیماری آزمایش می‌کند تا صبر پیشه کنند و نیکی‌های بیشتر اندوخته نمایند و برای اینکه الله عزوجلله نعمتی را برای ما یادآور شود که به ما ارزانی داده است تا متوجه شویم بیشتر ما را سالم و سلامت آفریده است لذا این نعمت وی را شکر گوئیم، همچنین تا ضعف ما را در برابر قدرت و توانایی خود برایمان خاطر نشان سازد در نتیجه، به غرور و تکبر دچار نشویم بلکه فروتنی نماییم و با همدیگر همکاری کنیم و پس از روز حساب، کسانی که کار نیک انجام داده‌اند با جسمی سالم و سلامت **إن شاء الله** در بهشت پُر ناز و نعمت به زندگی ابدی خواهند پرداخت.^۱

چرا فقیر و ثروتمند هست؟ چرا برخی بدکاران در کاخ‌ها زندگی می‌کنند و برخی نیکوکاران در کوخ‌ها؟

تمامی روزی و رزقی که در زندگانی دنیا هست از الله متعال می‌باشد و خداوند متعال بندگان را امتحان می‌کند بنابراین گاهی روزی زیاد به انسان می‌بخشد تا بخشش او به دیگران را بیازماید و گاهی هم او را از روزی زیاد محروم می‌کند تا صبر و تحملش را مورد امتحان قرار دهد که آیا دزدی نمی‌کند و کینه نمی‌ورزد؟ و انسان نیک‌منش هر اندازه که در این زندگانی موقت، صابر و بردبار باشد پاداش او در روز حساب بزرگتر می‌شود اما انسانی

۱. بنگر به: ردود علی شبهات متعدده، مرکز الفتوی، سایت اسلام وب، ۲۰۰۷/۶/۷ میلادی.

که روزی اش زیاد است و چیزی به دیگران نمی‌بخشد و به آنها بدی می‌کند در روز قیامت عذاب داده خواهد شد زیرا قدر نعمت خداوند را ندانسته است.

همچنین می‌توانیم به کودک بگوییم: خداوند مردم را بر درجات مختلفی آفریده است - برخی از آنها فقیر و برخی نیز ثروتمند هستند - تا اینکه ثروتمند به فقیر ببخشد و قوی به ضعیف کمک کند، و حکمت خداوند چنین اقتضا کرده که مردم در همه چیز متفاوت از هم باشند چنانکه زبان و رنگ آنها مختلف و متعدد است و دارای نژادهای متفاوت هستند و اخلاق مختلفی دارند، برخی فعال و برخی نیز تنبل هستند، برخی خودخواه و برخی نیز بخشنده هستند، در اموال و مادیات با هم متفاوت هستند چنانکه بعضی فقیر و بعضی نیز ثروتمند هستند و تمامی این‌ها آزمایش خداوند است چرا که هم ثروتمندی، ابتلا و آزمایش است و هم فقر، آزمایش .. امتحان ثروتمند اینست که: آیا خواهد بخشید؟ زکات خواهد داد؟ بخشش خواهد کرد؟ صدقه خواهد پرداخت؟ و آزمایش فقیر اینست که: آیا صبر خواهد کرد؟ آیا قانع خواهد بود؟ آیا در زمین به تلاش خواهد پرداخت؟ آیا رشوه خواهد گرفت؟ دزدی خواهد کرد؟ تمامی این‌ها ابتلا و آزمایش است اما ضمانت برای هر دو طرف اینست که روزی بر عهده‌ی خدا است و ثروتمندی و فقر، مانع ورود به بهشت یا جهنم نخواهد بود بلکه هر کس بر حسب میزان دارایی اش مکلف می‌باشد، و اگر مردم دارای یک سطح از مال و بی‌نیازی و ثروت بودند به همدیگر خدمت نمی‌کردند و به یکدیگر نیازی نداشتند، الله متعال می‌فرماید: ﴿لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾ (زخرف: ۳۲) {تا یکدیگر را

مسخر کرده «و با هم تعاون نمایند» { یعنی: تا برخی از آنها برخی دیگر را به کار گیرند، و بدین گونه چرخ زندگی به حرکت در می آید اما اگر همه مردم دارای یک سطح از ثروت باشند زندگی متوقف خواهد شد.^۱

چرا مریض می شویم؟ و چرا مصیبت ها برای انسان روی می دهد؟

الله متعال هر انسانی را آزمایش می کند که آیا بر بیماری صبر خواهد کرد یا خشمگین خواهد شد؟ و خداوند عز وجل پاداش بزرگی به صابران خواهد داد که شخص مؤمن در روز قیامت خوشحال خواهد شد. برآستی که بیماری، مصیبت ها و دردها، تقدیراتی هستند که خداوند مقدر نموده تا درجات افراد را بواسطه آنها بالا ببرد و قلبهایمان و اخلاقمان را از غرور، خودشیفتگی و تکبر پاک سازد، و مؤمن در آن حال با دعا و صبر به پروردگارش نزدیک شود در نتیجه، بر ایمان و نیکی هایش افزوده می گردد و پروردگارش او را دوست می دارد و انسان، ارزش سلامتی و نعمت را می فهمد، و می توانیم مثال ماشین را برای کودک بزنیم و از او بپرسیم: چرا ماشین ساخته شده است؟ بخاطر حرکت کردن، آیا این چنین نیست؟ اما شرکت سازنده چرا ماشین را مجهز به ترمز کرده است؟ آیا متوقف ساختن با حرکت داشتن آن تناقض ندارد؟ خیر بلکه بکارگیری ترمز برای سالم ماندن ماشین ضروری است، ماشین ساخته شده تا حرکت کند و ترمز آنرا در وقت مناسب متوقف می سازد بخاطر اینکه به راننده آسیبی نرسد، بنابراین همانطور که خداوند ما را آفریده تا با عبادت وی و

۱. بنگر به: المربون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۹۶ و همچنین بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة علیها از دکتر بسام عموش ص ۱۶۰.

نعمتهایش بر ما خوشحال مان کند مصیبت‌ها را نیز آفریده تا به انسان بی تفاوت به مأموریت بزرگی که برایش آفریده شده یادآوری کند در نتیجه از بیهوده کاری و غفلت خود دست می کشد و پروردگارش را یاد می کند و از او آمرزش می طلبد، صبر می کند و منتظر کسب پاداش می ماند.^۱

آیا خداوند جَلَّ جَلَالُهُ حیوانات و حشرات موزی را آفریده است؟

خداوند، خالق همه چیز است و او پروردگار همه چیز است، او همانگونه که این مخلوقات را با قدرتش آفریده است آنها را با حکمتش نیز خلق کرده است چرا که او دانا و حکیم است و چیزهایی در مورد آنها می داند که ما نمی دانیم چرا که علوم و معارف ما که خداوند به ما ارزانی داشته به نسبت علم و حکمت خداوند بسیار ناچیز است به همین دلیل الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (إسراء: ۸۵) {و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!}، لذا ما نمی توانیم تمام حکمت‌هایی را بشناسیم که خداوند این حیوانات را بخاطر آن خلق کرده است، و نیز از حکمت‌های آفریدن این حیوانات، ظهور نظم و دقت سازندگی الله در آفرینش و تدبیر او در مخلوقاتش است چرا که با وجود تعداد بسیار آنها اما همگی شان را روزی می دهد و بو سیله آنها افراد را آزمایش می کند، همچنین ضعف و عجز انسان را به سبب یک مخلوق که بسیار کوچک است آشکار می کند، البته پزشکی و تجربه ثابت کرده است تعدادی از داروهای سودمند از زهر مار و شبیه آن

۱. بنگر به: الإیمان بالقضاء و القدر از دکتر محمد حمد ص ۱۵۲-۱۶۰ و نیز بنگر به: لماذا خلق الله الإنسان از دکتر محمد راتب نابلسی، موسوعة النابلسی للعلوم الإسلامية.

گرفته می‌شود کما اینکه روباه، موش‌های مزرعه را که سبب از بین رفتن محصولات کشاورزی می‌شود می‌خورد و نیز بسیاری از این حیوانات زیان‌بار، غذای دیگر حیوانات سودمند می‌شوند طوری که حلقه‌ای از تعادل موجود در طبیعت و محیط زیست را بوجود می‌آورد که خداوند در کمال دقت آفریده است.^۱

چرا باید ۵ بار در شبانه‌روز نماز بخوانم؟

عبادت‌هایی که خداوند بر ما فرض کرده است وسیله‌هایی برای تزکیه و پالایش نفس مؤمن و تعالی روح او هستند، و تلاشی که برای آن صرف می‌شود در مقایسه با خیری که به دنبال دارد بسیار اندک است،^۲ و چون که نماز دربرگیرنده خواندن، ذکر و دعا است که شامل اجزای بندگی در کامل‌ترین صورت می‌شود برتر از هر خواندن، ذکر و دعای محض می‌گردد چرا که نماز دربردارنده تمام موارد یادشده همراه با عبودیت و بندگی سایر اعضا است.^۳

مؤمنان برای نماز خوشحال می‌شوند چرا که در نماز با الله می‌باشند، با تمام وجود او را می‌خوانند و الله نیز دعایشان را اجابت می‌کند، و ما به این

۱. بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۳۱ و نیز بنگر به: الحکمة من خلق الحيوانات الضارة از محمد صالح منجد، سایت الإسلام سؤال و جواب، تاریخ انتشار: ۱۹۹۹/۶/۲۶ میلادی.

۲. بنگر به: الإیمان و الحیة از دکتر یوسف قرضاوی ص ۶.

۳. بنگر به: الوابل الصیب از امام ابن قیم ص ۲۳۴.

دلیل نماز می خوانیم که خداوند ما را بدان امر کرده است، و همیشه دوست داریم اوامر خداوند را انجام دهیم بنابراین ما الله را عبادت می کنیم چون خالق و روزی دهنده‌ی ماست و شایسته است که بخاطر نعمت‌های بی شماری که به ما داده است عبادت شود، او می فرماید: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾ (نحل: ۱۸) {و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را آمار بگیرید}. برآستی که عبادت ما بیانگر دوست داشتن و شکرگذاری مان از خداوند و اعتراف به نیازمندی ما به او است تا که ما را سلامت بدارد و برای انجام اعمال خیر توفیق دهد و شر و بدی را از ما دور کند، الله متعال به عبادت ما نیازی ندارد چرا که او بی نیاز از ما و از اعمال ماست و از آنها سودی نمی برد بلکه عبادت‌ها اوامری از نزد خداوند هستند که از ما خواسته او را به شیوه‌ای عبادت کنیم که پیامبر محمد ﷺ آورده و بیان داشته است، و این همان معنای شهادتین است یعنی اینکه الله را بر راه و روش رسول الله عبادت کنیم، همچنین این عبادت‌ها برای ما وسیله است تا به پاداش بزرگی دست پیدا کنیم که سبب ورود به بهشت است زیرا حکمت خداوند چنین اقتضا نموده که به هیچ انسانی جز بواسطه‌ی عمل کردن پاداشی ندهد به همین دلیل، بهشت کالای خداوند است که گران قیمت می باشد و نیازمند بهای بسیار زیادی است که طاعت و عبادت می باشد.^۱

۱. بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۳۲ و نیز بنگر به: المرءون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۳۵ و همچنین بنگر به: الأسئلة العقائدية عند الأطفال و الإجابة علیها از دکتر بسام عموش ص ۱۴۸، ۱۵۱.

در نمازم دعا کردم که زود بزرگ شوم اما خداوند دعایم را اجابت نکرد؟
 دعا آدابی دارد که می باید آنها را رعایت نمود و از آداب دعا اینست که دعاکننده به قواعد و قوانینی احترام بگذارد که خداوند متعال برای پیشبرد این جهان قرار داده است، ما خدا را به دعا می خوانیم و او خیری را که برای ما انتخاب می کند انجام می دهد، چه بسا از پدرت بخواهی که در خیابان پُر از ماشین با دوچرخه بازی کنی اما او اجازه ندهد چرا که تو را دوست دارد و باور دارد که موافقت نکردن با خواسته‌ی تو برایت بهتر است، و از بخشندگی خداوند متعال است که دعای ما سه حالت دارد: اول اینکه دعای ما را اجابت می کند و آن را محقق می سازد، دوم اینکه خداوند بواسطه دعای ما مصیبت و بلایی که به تدریج برای ما روی خواهد داد را دفع می کند و سوم اینکه خداوند متعال آن را برای ما در روز قیامت ذخیره می سازد تا که آنچه بهتر از آنست را در بهشت محقق سازد.^۱

چرا من مثل دوستم زیبا نیستم؟

زیرا خداوند **جَلَّ جَلَالُهُ** هر کسی را با شکلی آفریده است که او را از دیگران متمایز می سازد، برستی که همه‌ی آفرینش خداوند نیکوست، همانطور که خداوند متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین: ۴) {ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم}، و هر کسی با آفرینش منحصر به فرد خود متمایز می گردد بنابراین کسی که الله متعال او را بسیار زیبا آفریده

۱. بنگر به: أسئلة طفلك الحرجة از ابوالمجد حرک ص ۳۵ و نیز بنگر به: من اليوم لن تهرب من أسئلة طفلك المحرجة از عبدالله عبدالمعطي ص ۱۱۱.

می‌بایست خدا را بیشتر شکرگذاری کند و کسی که زیبا نیست باید را ضی گردد و بپذیرد، و کسی که شکرگذاری می‌کند و کسی هم که صبر می‌نماید دارای درجات و پاداش بزرگی هستند.^۱

اگر خداوند ما را دوست دارد چرا اتفاقات بدی برای ما پیش می‌آورد؟

خداوند متعال ما را آزمایش می‌کند تا نیکوکار از بدکار متمایز گردد و چه بسا خداوند انسان را آزمایش می‌کند تا به او پناه ببرد و همیشه به خداوند نزدیک باشد چرا که خداوند بوسیله ابتلا و آزمایش، دوستداران خود را آزمایش می‌کند تا آنان را غربال نماید و درجات‌شان را بالا ببرد و تا اینکه الگوی دیگران شوند و نیز تا که دیگران هم صبر پیشه کنند و بدانها اقتدا نمایند، به همین دلیل است که رسول خدا ﷺ فرموده: «بلا و آزمون پیامبران از همه‌ی مردمان سخت‌تر و دشوارتر است، سپس آزمایش کسانی سخت است که درجه‌ی پایین‌تری از پیامبران دارند»،^۲ بنابراین انسان به اندازه‌ی دینش مورد آزمایش قرار می‌گیرد چنانکه اگر در دینش، پایبندتر بود بلا و آزمایش او سخت‌تر است و به همین خاطر، پیامبران را با بلا و آزمایشات بزرگی امتحان کرده است، چنانکه برخی از آنان کشته شدند، برخی دیگر اذیت و آزار دیدند و برخی هم به بیماری شدیدی مبتلا شدند و بیماری‌شان طولانی گشت همچون ایوب عَلَيْهِ السَّلَام، و پیامبر ما هم در مکه و مدینه بسیار مورد اذیت و آزار قرار گرفت اما با این حال صبر کرد، منظور اینست که اذیت و آزار

۱. بنگر به: المرَبون و تساؤلات الأطفال از نوال خلیفه ص ۹۵.

۲. آلبانی آن را در صحیح الجامع (۹۹۲) تخریج نموده است.

برای اهل ایمان و تقوا بر حسب تقوا و ایمان شان روی می دهد،^۱ سپس باید این امر در نفس کودک جایگیر شود که الله متعال هر چیزی که اراده کند انجام می دهد و هر چه بخواهد حکم می کند و خداوند متعال از کاری که می کند مورد سؤال و بازخواست قرار نمی گیرد چرا که او بالاترین فرمانروایان است.

این ها رایج ترین و پرتکرارترین پرسش هایی بودند که ارائه نمودیم، از خداوند متعال خواستاریم که مفید بوده باشد.

۱. بنگر به: کیف تقولها لأطفالک از پل کولمان ص ۱۵۶ و نیز بنگر به: إذا أحب الله عبدا ابتلاه فهل هذا صحيح؟ از ابن باز، سایت شیخ ابن باز [رحمته](#).

سخن پایانی:

- در پایان برخی توصیه‌ها را خدمت شما بیان می‌داریم که معتقدیم در زمینه تربیتی، اهمیت دارند.
- می‌بایست تلاش را برای آگاه‌سازی پدران و مادران بیشتر کرد چرا که آن‌ها ستون اصلی تولید نسل هستند که از طریق ارائه‌ی دوره‌های خانوادگی فشرده می‌توانند فرزندانی با تربیت درست و آگاهی سالم را به جامعه تحویل دهند.
- برنامه‌ریزی و آماده کردن نرم‌افزارهای آموزشی و کارتون‌های دارای هویت اسلامی که کیفیت آن در سطح جهانی مطلوب باشد تا که مورد توجه و استقبال قرار گیرد.
- تشویق و برپایی کنفرانس‌ها و نشست‌های پژوهشی در زمینه برنامه‌های آموزشی هدفمند برای کودکان که به تولید مواد ویژه‌ی ما و هویت‌مان می‌انجامد و به‌عنوان یک جایگزین برای سرگرمی ما بکار می‌آید.^۱
- همچنان هم تولید محتوای ما در باب فرهنگ کودکان، فقیر و ضعیف است و اکثر برنامه‌های موجود در واقع ترجمه‌های مواردی است که مربوط به فرهنگ‌ها و محیط‌های دیگر می‌باشد لذا می‌بایست تلاش‌ها را برای عمل جهت جبران این ضعف بویژه در حوزه کتاب دوچندان

۱. بنگر به: مدی تاثیر البرامج الإعلامية علی تصورات الأطفال الإيمانية از دکتر بدر عازمی و دکتر فهد لمیع ص ۲۴.

نمود.

- طراحی برنامه های آموزشی در زمینه ی تربیت ایمانی کودکان و بکارگیری مربیان و مشاوران آموزشی در این زمینه، چنانکه این برنامه ها برای مربیان و معلمان در سطوح آموزشی مختلف کودک باشد که البته در محتوای آنها، تفاوت سنی کودکان در نظر گرفته شود.
- توسعه ی برنامه های آموزشی رسمی، چنانکه دربردارنده ترکیبات و عناصری تربیتی و معرفتی باشد که به پرسش های ایمانی معاصر، متناسب با عصر حاضر و به صورتی همه جانبه می پردازد.

پایان